



علائم قطعی ظهور

در آستانہ ظهور

حجت الاسلام و المسلمین علی اکبر مہدی پور



در آستانهٔ ظهور

پژوهشی پیرامون علائم حتمی ظهور

حجة الاسلام والمسلمين آقای حاج علی اکبر مهدی پور

سرشناسه: مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴.
 عنوان و پدیدآوران: در آستانه ظهور، پژوهشی پیرامون علائم حتمی ظهور / علی اکبر مهدی پور
 مشخصات نشر: مشهد: سلسله الذهب، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص
 شابک: ۶-۰۱-۷۳۹۰-۶۰۰-۹۷۸
 یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.
 موضوع: مهدویت
 موضوع: فتن و ملحم
 موضوع: محمد بن حسن (ع)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.
 رده بندی کنگره: ۵ / ۲۲۴ BP
 نشانه اثر: ۹ د ۴ م /
 رده دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲

شناسنامه کتاب

- * نام کتاب : در آستانه ظهور
- * نام مؤلف : حجة الاسلام والمسلمین حاج آقای مهدی پور
- * ناشر : انتشارات سلسله الذهب
- * نوبت چاپ : سوم - اول این نشر: بهار ۱۳۹۳
- * تیراژ : ۲۰۰۰ جلد
- * قیمت : ۵۰۰۰ تومان

لیتوگراف، چاپ و صحافی: سوره - میثاق - ولّی عصر علیّه

شابک: ۶-۰۱-۷۳۹۰-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

مرکز پخش:

مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ابتدای پاساژ گنجینه کتاب، انتشارات نورالکتاب

تلفن: ۲۶۲ ۴۲ ۲۲ و ۴۸۶ ۹۹ ۱۱ ۹۱۵

انتشارات آفتاب عالمتاب: ۳۴۱ ۹۱ ۱۱ ۹۱۵

فهرست مطالب

۹ هنگامه ظهور
۱۱ انگیزه تألیف کتاب
۱۳ نشانه های ظهور
۱۴ ملاحم و فتن
۱۹ شمارش معکوس
۲۱ علایم حتمی
۲۵ خروج سفیانی
۳۰ ویژگی های سفیانی
۳۰ ۱. نام سفیانی
۳۱ ۲. القاب او
۳۲ ۳. نسب او
۳۴ ۴. اوصاف جسمی
۳۹ ۵. دیگر اوصاف سفیانی
۴۱ ۶. کارنامه سیاه سفیانی

۴۷	خروج یمانی
۵۱	ویژگی های یمانی
۵۱	۱. محل خروج
۵۳	۲. زمان خروج
۵۶	۳. پرچم یمانی
۵۹	۴. آیین یمانی
۶۰	۵. نسب یمانی
۶۱	۶. اسم و لقب یمانی
۶۵	۷. سپاه یمانی
۶۵	۸. تقارن یمانی با جنبش حسنی
۶۸	۹. کارکرد یمانی
۶۹	۱۰. لزوم همیاری با سپاه یمانی
۷۱	بانگ آسمانی
۷۲	ویژگی های بانگ آسمانی
۷۲	۱. قرآن و بانگ آسمانی
۷۹	۲. محتوای بانگ آسمانی
۸۱	۳. زبان پیام آسمانی
۹۰	۴. زمان پیام آسمانی
۹۶	۵. گستره پیام آسمانی
۹۸	۶. جایگاه پیام آسمانی
۹۹	۷. بانگ آسمانی و بانگ شیطنانی

فهرست مطالب / ۵

۱۰۰	۸. بازشناسی دو صیدا.....
۱۰۱	۹. برهان قاطع.....
۱۰۳	۱۰. وظیفه ما.....
۱۰۵	خسب بیداء.....
۱۰۶	ویژگی های خسب بیدا.....
۱۰۶	۱. جایگاه خسب بیدا در قرآن.....
۱۱۳	۲. خسب در امت اسلامی.....
۱۱۴	۳. شماره سپاه سفیانی.....
۱۱۴	۴. هدف از لشگرکشی.....
۱۱۵	۵. کارنامه سپاه سپاه سفیانی.....
۱۱۵	۶. شمار گزارشگرها.....
۱۱۶	۷. اسامی گزارشگران.....
۱۱۷	۸. جایگاه سرزمین بیدا.....
۱۱۸	۹. هویت سپاه بیدا.....
۱۱۹	۱۰. پیام خسب بیدا.....
۱۲۱	قتل نفس زکیه.....
۱۲۱	۱. نفس زکیه، معاصر حضرت موسی <small>علیه السلام</small>
۱۲۴	۲. نفس زکیه، معاصر امام صادق <small>علیه السلام</small>
۱۲۸	چند نکته.....
۱۳۶	۳. نفس زکیه، در آستانه ظهور.....
۱۳۷	۴. نفس زکیه، از نشانه های حتمی.....

۱۳۹	ویژگی های نفس زکیه
۱۴۷	آخرین سخن
۱۴۸	خلاصه مطالب
۱۴۹	۱. خروج سفیانی
۱۵۰	۲. خروج یمانی
۱۵۰	۳. بانگ آسمانی
۱۵۰	۴. خسف پیدا
۱۵۱	۵. قتل نفس زکیه
۱۵۳	آثار چاپ شده ی مؤلف

جان جانان

سحر شد یار بی همتا نیامد یگانه منجی دلها نیامد
نهاد آدینه را موعود دیدار هزار آدینه رفت اما نیامد

در انتظار جان به لب آمد نیامدی
جسم ز غم به تیاب و تب آمد نیامدی
گفتم که روز جمعه سر ظهر می رسی
آنهم گذشت جمعه شب آمد نیامدی

امیدوار بین جمادی رجب شدم
ماندم، عجب پی عجب آمد نیامدی
کی در مه رجب سه ندا می رسد به گوش
بیش از هزار و صد رجب آمد نیامدی

به دنبال تو می‌گردم نمی‌یابم نشانت را
بگو باید کجا جویم کیهکشان را
تمام جاده را رفتم غباری از سواری نیست
بیابان تا بیابان جُسته‌ام ردّ نشانت را

جان منی دَهَمَت بیه مژدگانی
زان جان جهان بنسده نشانی
حقّا که شدم ز سویه چون موی
از ناله چو نسی ز ناتوانی

ای مدنی برقع و مگّی نقاب
سایه نشین چند بود آفتاب
منتظران را بیه لب آمد نفس
ای ز تو فریاد، بیه فریادرس

هنگامه ظهور

از نخستین روزی که حضرت آدم ابوالبشر قدم بر فراز کرة خاکسی نهاده، نوید بهر روزی انسانها در هنگامه ظهور آخرین امام نور توسط پیامبران عظیم الشان به توده‌ها و ملت‌ها ابلاغ شده و گزارش این اطلاع‌رسانی در آیات نورانی قرآن کریم به صراحت آمده است:

﴿ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴾ ؛

علاوه بر ذکر - تورات - در زبور نیز نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ام به ارث می‌برند. (۱)

بانگاهی گذرا به تورات، انجیل، زبور و دیگر کتب انبیا که به پیوست تورات و انجیل، در زیر مجموعه عهد عتیق و عهد جدید، در ضمن «کتاب مقدس» گردآوری شده و به بیش از یک هزار زبان - با احتساب لهجه‌ها و گویشهای محلی - ترجمه و منتشر شده، صحت این ادعا به اثبات می‌رسد.

خداوند مَنان از روی حکمت بالغه‌اش برای جلوگیری از مدعیان دروغین، نشانه‌های فراوانی قرار داده که گزارش آنها در کتب آسمانی و احادیث نورانی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به صراحت آمده، که تعداد آنها از مرز ۲۰۰۰ می‌گذرد.

بیش از ۹۰٪ این نشانه‌ها تاکنون اتفاق افتاده و شمار اندکی از آنها باقی مانده، که آنها نیز از علایم غیرحتمی است و امکان این معنی هست که انسانها پس از یأس و نومیدی از قدرتهای بزرگ و مجامع بین‌المللی، احساس اضطرار نموده، یکدل و یک جهت به سوی پروردگار روی آورده، برای فرج تنها منجی جهان دست به نیایش بردارند و خداوند مَنان فرمان ظهور آن حضرت را صادر فرماید و پیش از آنکه آن نشانه‌ها وقوع پیدا کند، رهائی بخش جهان ظهور نموده، کاخهای ظلم و استبداد را ویران نموده، جهانی آباد بر ویرانه‌های کاخهای ستمگران بنیاد نهد.

در طول قرون و اعصار افراد سودجو و فرصت طلب از عطش همگانی مردم استفاده کرده ادعای مهدویت نموده‌اند و مشکلات تازه‌ای بر مشکلات مردم افزوده‌اند.

خداوند مَنان برای پیش‌گیری از این شیادان پنج نشانه حتمی قرار داده، که پیش از وقوع آنها هر کس ادعا کند، ادعایش پوچ و مردود است. این نشانه‌ها به قدری شفاف است که هرگز بر احدی پوشیده نمی‌ماند.

هنگامی که امام صادق علیه‌السلام از طولانی بودن دوران غیبت، آزمونه‌های سخت عصر غیبت، بروز تشکیک‌ها و تردیدها در میان امت، پیدایش تشویش‌ها و اضطراب‌ها بسان امواج خروشان دریا در میان توده‌ها، به

هنگامه ظهور / ۱۱

اهتزاز در آمدن پرچمهای مشتبّه و حیرت و سردرگمی مردمان سخن گفتند، مفضل بن عمر به شدت گریست و از محضر آن حضرت کسب تکلیف نمود. امام صادق علیه السلام به سوی اشعه آفتابی که از روزنه به داخل اطاق تابیده بود اشاره کردند و فرمودند:

این آفتاب را می بینی؟

مفضل گفت: آری.

فرمود:

وَاللّٰهُ اِنَّ اَمْرًا لَّا يُبَيِّنُ مِنْ هٰذِهِ الشَّمْسِ؛

به خدا سوگند امر ما از این خورشید آشکارتر است. (۱)

انگیزه تألیف کتاب

تاکنون هزاران کتاب توسط علمای شیعه و سنی پیرامون حضرت بقیة الله ارواحنا فداء و صدها کتاب مستقل پیرامون علایم ظهور آن حضرت تألیف شده و در دسترس همگان هست (۲) ولی اخیراً حوادثی رخ داده که ضرورت تألیف این اثر را ایجاب نمود، که به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم:

۱. در میان تهاجم فرهنگی گسترده علیه جهان تشیع، بخش وسیعی از سایتها آموزه های مهدویت را نشانه رفته و علایم ظهور را

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۶.

۲. کتابشناسی توصیفی پیش از ۲۰۰۰ جلد در حوزه مهدویت و بیش از ۲۰۰ جلد را در زمینه علایم ظهور، در کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام آورده ایم [چاپ انتشارات الهادی - قم].

بالخصوص مورد نقد و نقض قرار داده‌اند!

۲. برخی از نویسندگان غیرمتعهد نیز در حوزه مهدویت تشکیک‌هایی ابراز نموده و با گستاخی تمام گفته‌اند که هیچکدام از علایم حتمی سند معتبری ندارد!!

۳. برخی از شیادان در زمان ما ادعای سید حسنی، خراسانی و یمانی بودن را مطرح کرده، تبلیغات وسیعی در این رابطه انجام داده و برخی از افراد ناآگاه و ضعیف‌الایمان را به سوی خود جذب کرده‌اند.

۴. برخی از مراجع بزرگ تقلید به وجوب فراگیری نشانه‌های ظهور، از باب دفع ضرر محتمل و جلوگیری از سقوط در وادی هلاکت فتوا داده‌اند. (۱)

از این رهگذر پس از مقدمه کوتاهی پیرامون واژگان مربوطه به شرح علایم حتمی پرداخته، احادیث هر فصلی را بررسی سندی نموده، پس از اثبات صحیح بودن آن، از کتب پایه و مرجع متن حدیث و ترجمه آن را به علاقمندان فرهنگ مهدوی تقدیم نمودیم، به این امید که تبسمی بر لبان نازکتر از گل یوسف زهرا علیها السلام نقش بندد، پژوهشگران را به کار آید و موجب تقویت باور داشت طبقات مختلف گردد.

۱۳۸۸/۸/۸

میلاد مسعود امام رضا علیه آلاف التحية والثناء

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور

۱. آیه الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۳، ص ۳۰۳.

نشانه‌های ظهور

راهیان نور و منتظران ظهور، از نخستین روزی که به خیل منتظران پیوسته، به سوی کانون نور در حرکت هستند، به تابلوهایی نیاز دارند که آنها را از پیچ و خم راه آگاه ساخته، از دزدان عقیده و راهزنان سرگردنه با خبر نموده، شیوه‌گزینش راه درست را آموزش داده، راه عبور از فتنه‌ها و گردنه‌ها را ارایه نموده، ابزار و ادوات لازم را برای مقابله با خطرات احتمالی در جاده‌های لغزنده و پرپیچ و خم، در اختیار راهیان نور و سالکان کوی محبوب قرار دهند.

همانگونه که در جاده‌های بین شهری و فرامرزی تابلوهایی نصب شده که ره‌پویان را از سرعت مجاز، پیچ و خم راه، نزدیک شدن به پل و تونل، فاصله پارک‌ها، رستوران‌ها پمپ بنزین‌ها، ورودی شهرها، کمربندی‌ها و دیگر اطلاعات لازم آگاه نمایند؛ در مسیر راهیان نور و سالکان کوی محبوب نیز تابلوهایی نصب شده که آنها را از خطرات راه آگاه نموده، شیوه‌گزینش راه درست را آموزش داده، از فتنه‌ها و گردنه‌ها برحذر داشته، برای عبور از پرتگاه‌ها و لغزشگاه‌ها، آنها را با ابزار لازم مجهز نماید.

طولانی بودن راه و سخت بودن عبور از موانع، ممکن است سالکان راه و شیفتگان وصال را با خطر یأس و نومیدی مواجه کند، آنها را از رسیدن به کعبه آمال و آرزوها باز داشته، در ادامه مسیر دچار شک و تردید نماید.

در این هنگام یکی از نشانه‌های ظهور پدیدار گشته، آنها را در ادامه راهی که برگزیده‌اند محکم و استوار نموده، با امید و اطمینان به آینده، از تردید و دودلی نجات می‌دهد.

پدیدار شدن هر نشانه‌ای از نشانه‌های ظهور همانند مشاهده یکی از تابلوهای راهنمایی، سالکان راه را در مسیرهای دور و دراز امیدوار ساخته، از درستی راهی که برگزیده‌اند، آگاه و مطمئن می‌سازد.

ملاحم و فتن

نشانه‌های ظهور که در اصطلاح ملاحم و فتن نامیده می‌شوند، همانند دیگر احادیث غیبی رسول اکرم و ائمه هدی علیهم‌السلام از سرچشمه زلال قرآن و عترت نشأت گرفته، در مجامع حدیثی ثبت شده، چون دانه‌های تسبیح با نظم و ترتیب خاصی، در بستر زمان تحقق یافته، صحت و استواری سخنان پیشوایان را برای همگان روشن و مبرهن می‌سازد.

احادیث مربوط به ملاحم و فتن بسیار گسترده است، با شهادت پیامبر، ماجرای فدک، گزینش خلیفه و تهاجم به خانه وحی آغاز شده، از روی کار آمدن معاویه‌ها، حجاج‌ها، مغول‌ها... سخن گفته، از شهادت سالار شهیدان و دیگر شهدای راه فضیلت، چون: عمار یاسر،

ملاحم و فتن / ۱۵

حُجْر بن عدی، میثم تمار، سعد معاذ، عمرو بن حمق و... به روشنی
خبر داده است.

احادیث ملاحم و فتن، خروج قرامطه، سقوط بنی عباس، فتح
استانبول، اشغال عراق و افغانستان را توسط سرکرده کفار در برگرفته،
رخدادهای جهان را تا هنگامه ظهور و انفجار نور به نمایش گذاشته است.

در کتب پایه و مرجع، فصل هایی چون: فتن، ملاحم و علائم ظهور
به نقل این احادیث اختصاص یافته است.

در منابع اهل سنت نیز ابواب: فتن، ملاحم و اشراط الساعة به این
احادیث اختصاص دارد.

در این رابطه کتاب های مستقل فراوانی تألیف شده^(۱) که نشانه های
ظهور را بالخصوص مورد بحث و بررسی قرار داده اند، که به شماری
از آنها در اینجا اشاره می کنیم:

۱. الفتن از ابو عبدالله نعیم حمّاد مروزی، م. ۲۲۹ هـ. (۲)
۲. الفتن از ابو علی، حنبل بن اسحاق بن حنبل شیبانی، م. ۲۷۳ هـ. (۳)

۱. نگارنده در کتاب: کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب مستقل در این
رابطه شناسانده است.

۲. مکرر به چاپ رسیده، از جمله:

(۱) با تحقیقات سمیر بن امین زهری، مکتبة التوحید، قاهره، ۱۴۱۲ هـ. ۷۸۴ صفحه وزیری،
در دو مجلد.

(۲) با تحقیقات دکتر سهیل زکار، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ هـ. ۵۰۸ صفحه وزیری.

(۳) با تحقیقات ابو عبدالله / امین محمد محمد عرفة، المکتبة الحیدریه، ۱۴۲۴ هـ. ۵۲۷
صفحه وزیری.

۳. چاپ دارالبشائر الاسلامیة، بیروت، ۱۴۱۹ هـ. ۲۹۳ صفحه وزیری.

۳. الملاحم از حافظ احمد بن جعفر بن محمد، مشهور به ابن المنادی م. ۳۳۶ هـ. (۱)
۴. التّشريف بالمنن في التعريف بالفتن از ابوالقاسم رضی اللّٰه عنہ، علی بن موسی، مشهور به: سید ابن طاووس م. ۶۶۴ هـ. (۲)
۵. نهاية البداية و النهاية في الملاحم و الفتن از حافظ ابوالفداء، اسماعیل بن کثیر دمشقی، م. ۷۷۴ هـ. (۳)
۶. الإشاعة لأشراط الساعة از محمد بن عبدالرسول حسینی شهر زوری، مشهور به: «برزنجی» م. ۱۱۰۳ هـ. (۴)
۷. بشارة الاسلام في علامات المهدي ﷺ از سید مصطفی آل سیدحیدر کاظمی، م. ۱۳۳۶ هـ. (۵)
۸. نوائب الدهور في علائم الظهور از سیدحسن میرجهانی، م. ۱۴۱۳ هـ. (۶)

-
۱. چاپ دار السیرة، قم، ۱۴۱۸ هـ. ۴۱۷ صفحه وزیری، تحقیق عبدالکریم عقیلی.
 ۲. چاپ مؤسسه صاحب الامر، قم، ۱۴۱۶ هـ. ۵۴۱ صفحه وزیری.
این کتاب دهها بار در ایران و لبنان به نام: الملاحم و الفتن به چاپ رسیده و چندین بار به فارسی برگردان شده، از جمله:
(۱) فتنه‌ها و آشوب‌های آخرالزمان، از محمدجواد نجفی
(۲) نشانه‌های ظهور آخرالزمان، از سیدمهدی آیت‌اللهی.
 ۳. چاپ مکتبه النصر الحدیثیة، ریاض، ۱۹۶۸ م. ۷۸۹ صفحه وزیری، در دو مجلد، تحقیق شیخ محمد فهیم ابو عبیه.
 ۴. چاپ دارالهجرة، دمشق، ۱۴۱۴ هـ. ۲۹۳ صفحه وزیری، تحقیق موفق فوزی الجبر.
 ۵. چاپ مکتبه الامین، قم، ۱۴۲۵ هـ. ۴-۸ صفحه وزیری، تحقیق نزارنعمه الحسن.
 ۶. چاپ انتشارات صدر، تهران، ۱۳۶۹ ش. ۱۶۷۵ صفحه وزیری، در چهار مجلد.

ملاحم و فتن / ۱۷

۹. اشراط الساعة از یوسف بن عبدالله بن یوسف الوایل (معاصر) (۱)

۱۰. معجم الملاحم و الفتن از سید محمود دهرخی (معاصر) (۲)

بسیاری از کتب پایه و مرجع به نشانه‌های ظهور و دیگر مسائل مهدویت در کشاکش روزگار از بین رفته و قسمت اعظم آنها به هنگام تهاجم مخالفان به کتابخانه‌های شیعیان طعمه حریق شده است.

کهن‌ترین اثر بر جای مانده از اوایل قرن سوم، کتاب ارزشمند: الفتن تألیف: نعیم بن حماد مروزی، م. ۲۲۹ هـ. می‌باشد.

اهمیت ویژه این کتاب در این است که مؤلف آن ۲۶ سال پیش از تولد حضرت ولی عصر علیه السلام دیده از جهان فرو بسته است و خود از محدثان مشهور زمان خود بود، که بخاری در صحیح خود از او روایت کرده است و بسیاری از علمای رجال بر صداقت و وثاقت او تأکید کرده‌اند، (۳) و تعدادی از نسخه‌های خطی آن تا زمان ما محفوظ مانده است (۴)

از دیگر ویژگی‌های این کتاب جامعیت آن است که بیش از ۲۰۰۰ حدیث پیرامون فتن، ملاحم و نشانه‌های ظهور در بردارد، در حالی که مثلاً در فتن ابوعلی ۱۳۶ حدیث و در ملاحم ابن منادی ۳۱۲ حدیث آمده است.

۱. چاپ دار ابن الجوزی، ریاض، ۱۴۲۱ هـ. ۴۸۳ صفحه وزیری.

۲. چاپ قم، ناشر مؤلف، ۱۴۲۰ هـ. ۱۷۱۲ صفحه وزیری. در چهار مجلد.

۳. ابن حجر وثاقت و صداقت او را از احمد حنبل، معین، عجللی و ابوحاتم نقل کرده و خود بر طبق نظر آنها اظهار نظر کرده است. بنگرید به: مقدمه فتح الباری، ج ۱، ص ۴۴۷.

۴. از جمله نسخه کتابخانه «عاطف افندی» در استانبول به تاریخ ۶۸۷ هـ. و نسخه بیریتیش میوزیم لندن به تاریخ ۷۰۶ هـ.

سید ابن طاووس ۳۰۸ حدیث از فتن مروزی را برگزیده، به پیوست
۱۱۵ حدیث از فتن سلیلی و ۹۳ حدیث از فتن زکریا بن یحیی بزاز، در
کتابی گرد آورده و آن را التّشریف بالمنن نام نهاده است. (۱)
در میان کتاب‌هایی که در این زمینه توسط معاصران به رشته تحریر
درآمده، کتاب‌های زیر گسترده‌ترین آنها می‌باشد:

۱. نوائب الدهور، از مرحوم میرجهانی، شامل ۵۵۵ حدیث.
 ۲. علامات المهدی المنتظر، از شیخ مهدی فتلاوی، شامل ۵۲۵ حدیث.
 ۳. یأتی علی الناس زمان، از سید محمود دهرخی، شامل ۹۲۰ مدخل.
 ۴. معجم الملاحم و الفتن، از وی، شامل ۱۸۰۰ سرفصل.
- روی این بیان جای تردید نیست که شمار نشانه‌های ظهور از مرز
۲۰۰۰ می‌گذرد، که بیشترین آنها تحقق یافته و تعداد اندکی از آنها باقی
مانده است.

همه این نشانه‌ها چون دانه‌های تسبیح با نظم خاصی در گذر زمان
روی می‌دهند، تا موجب تقویت ایمان و تحکیم اعتقاد باورداران شده،
هرگز دچار شک و تردید نشوند و در راهی که برگزیده‌اند ثابت و
استوار بمانند.

ولی این نشانه‌ها هرگز نزدیک شدن هنگامه ظهور را به صورت
روشن و شفاف بیان نمی‌کنند.

۱. اهمیت این کتاب در این است که دو کتاب فتن سلیلی و بزاز از بین رفته و تنها گزیده‌های
سید بن طاووس از آنها برای ما باقی مانده است.

شمارش معکوس

در میان تابلوهای راهنمایی که در کنار جاده‌ها نصب شده و اطلاعات لازم را در اختیار مسافران قرار می‌دهد، تنها یک تابلو هست که نزدیک شدن سیالک را به سرمنزل مقصود نشان می‌دهد و آن تابلو شمارشگر معکوس است.

در میان بیش از ۲۰۰۰ تابلویی که فراراه راهیان نور و منتظران ظهور نصب شده، تنها پنج تابلو وجود دارد که تاریخ قطعی ظهور و فیاصله مشخص سالکان کوی محبوب را تا سرمنزل مقصود نشان می‌دهد.

این تابلوهای پنجگانه علائم حتمی نام دارند.

حکمت بالغه حق تعالی ایجاب کرده که این تابلوها فقط در آستانه ظهور نصب شود، تا سالکان دیار یار، که همه اصول ایمنی را رعایت کرده، شب‌های تیره و تاریک دوران غیبت را پشت سر نهاده، چشم امید به افق دوخته، فرارسیدن لحظه وصال را شماره می‌کنند، با مشاهده نخستین تابلو، تاریخ دقیق وقت ظهور را پیش‌بینی نموده، با آرامش خاطر گام در کوی محبوب بگذارند.

علايم حتمی

در روایات فراوان در مورد پنج نشانه از نشانه‌های ظهور، به حتمی بودن آنها تأکید و تصریح شده است که به یک نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

شیخ صدوق یا سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عِلَامَاتٍ مَخْتُومَاتٍ: الْيَمَانِيُّ،
وَالسُّفْيَانِيُّ، وَالصَّيْحَةُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْخَسْفُ
بِالْبَيْدَاءِ؛^(۱)

پیش از قیام قائم علیه السلام پنج نشانه حتمی هست که عبارتند از:
یمانی، سفیانی، بانگ آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف
سرزمین بیداء.

شیخ صدوق این حدیث را با پنج واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که همه آنها مورد اعتماد و استناد هستند و اینک اشاره‌ای کوتاه به اسامی و میزان وثاقت آنها:

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰، ب ۵۷، ح ۷.

۱. محمد بن حسن بن احمد بن ولید

پیشتاز رجالیون مرحوم نجاشی بر وثاقت او تأکید کرده است. (۱)

۲. حسین بن حسن بن ابان

ابن داود حلی بر وثاقت او تصریح کرده است. (۲)

۳. حسین بن سعید بن حماد بن سعید مهران اهوازی

شیخ طوسی بر وثاقت او تصریح کرده است. (۳)

۴. محمد بن ابی عمیر

وی علاوه بر اینکه در میان خاصه و عامه از موثق‌ترین انسان‌ها بوده، (۴) از اصحاب اجماع نیز می‌باشد، یعنی: هر حدیثی که سندش تا او صحیح باشد، بررسی اسناد بعدی لازم نیست، زیرا او ملتزم بود که هرگز از افراد غیر موثق روایت نکند. (۵)

۵. عمر بن حنظله

در وثاقت او همین بس که امام صادق علیه السلام بر صداقت او در نقل حدیث تصریح نموده، (۶) و محمد بن ابی عمیر از او روایت کرده است.

۱. نجاشی، الرجال، ص ۳۸۳، رقم ۱۰۴۲.

۲. ابن داود، الرجال، ص ۲۷۰، رقم ۴۳۱.

۳. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۱۲، رقم ۲۳۰.

۴. همان، ص ۲۱۸، رقم ۶۱۷.

۵. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۶، ح ۱۰۵۰.

۶. به محضر امام صادق علیه السلام عرض شد: عمر بن حنظله حدیثی در مورد وقت نماز برای ما از

شما روایت کرده، امام علیه السلام فرمود: «او بر ما دروغ نمی‌بندد» و چون متن حدیث را نقل

کردند، فرمود: «راست گفته است». بنگرید به: کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۷۵.

علایم حتمی / ۲۳

در مورد علایم حتمی احادیث فراوانی نقل شده، ما به همین یک حدیث بسنده کردیم که سند معتبر و متن گویایی داشت.
و اینک بررسی فشرده‌ای پیرامون نخستین نشانه از نشانه‌های حتمی:

خروج سفیانی

از نظر تسلسل زمانی اولین نشانه از نشانه‌های حتمی که پیش از دیگر نشانه‌ها رخ می‌دهد و فرارسیدن انفجار نور و سپری شدن شب دیجور غیبت را نوید می‌دهد خروج سفیانی است.

خوشبختانه خروج سفیانی در روایات اسلامی بسیار دقیق، روشن و شفاف بیان شده و هرگز قابل انطباق با هیچ فرد دیگری نمی‌باشد.

جالب‌تر اینکه علاوه بر روایات کلی علایم پنجگانه، در مورد خروج سفیانی به طور مستقل بر حتمی بودن آن تصریح و تأکید شده است. ما در اینجا به چند حدیث مورد اعتماد و استناد اشاره می‌کنیم:

۱. عبدالله بن جعفر حمیری، از احمد بن محمد بن عیسی، از ابن

اسباط، از حضرت ابوالحسن امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود:

إِنَّ أَمْرَ الْقَائِمِ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ، وَ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ،

وَلَا يَكُونُ قَائِمٌ إِلَّا بِسُفْيَانِي؛^(۱)

قیام قائم عجله از سوی خداوند حتمی است، خروج سفیانی نیز از سوی خداوند حتمی است، هرگز بدون سفیانی قائمی نخواهد بود.

این حدیث را عبدالله بن جعفر حمیری با دو واسطه از امام رضا ع روایت کرده، و در کتاب گرانسنگ قرب الاسناد آن را ثبت کرده است. ابوالعباس، عبدالله بن جعفر حمیری، در عهد غیبت صغری می زیست، شخصیت برجسته قم و شیخ قمی ها بود، آثار فراوان از خود به یادگار نهاده، از جمله: قرب الاسناد الی الرضا ع.^(۱) شیخ طوسی بر وثاقت او تصریح کرده است.^(۲)

اما دو واسطه:

۱. احمد بن محمد بن عیسی اشعری

او را نیز شیخ طوسی توثیق نموده است.^(۳)

۲. علی بن اسباط

او را پیشتاز علمای رجال مرحوم نجاشی توثیق نموده است.^(۴)

در این حدیث که با سند صحیح به ما رسیده علاوه بر اینکه خروج سفیانی از نشانه های حتمی معرفی شده، تصریح گردیده که هرگز بدون سفیانی قائمی در کار نیست.

۱. نجاشی، الرجال، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳.

۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۶۷، رقم ۴۳۹.

۳. شیخ طوسی، الرجال، ص ۳۶۶.

۴. نجاشی، الرجال، ص ۲۵۲، رقم ۶۶۳.

خروج سفیانی / ۲۷

۲. شیخ صدوق با سلسله اسنادش از ابو حمزه ثمالی روایت می‌کند که گفت: به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم که پدر بزرگوارتان امام باقر علیه السلام می‌فرمود:

إِنَّ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَخْتُومِ؛

خروج سفیانی از نشانه‌های حتمی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «آری» (۱).

شیخ صدوق این حدیث را با ۵ واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده و علمای رجال بر وثاقت همه آنها تصریح کرده‌اند:

۱. محمد بن موسی بن متوکل

علامه حلی و ابن داود حلی بر وثاقتش تصریح کرده (۲) و سید ابن طاووس بر وثاقت او ادعای اجماع نموده است (۳).

۲. عبدالله بن جعفری حمیری

شیخ طوسی بر وثاقتش تصریح کرده است (۴).

۳. احمد بن محمد بن عیسی

گفتیم که بر وثاقت او نیز شیخ طوسی تصریح نموده است (۵).

۴. حسن بن محبوب

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲، ب ۵۷، ح ۱۴.

۲. علامه، الرجال، ص ۱۴۹، رقم ۵۸؛ ابن داود، الرجال، ص ۱۸۵، رقم ۱۵۱۳.

۳. سید بن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۵۸، فصل ۱۹.

۴. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۶۷، رقم ۴۳۹.

۵. همو، الرجال، ص ۳۶۶.

او را نیز شیخ طوسی توثیق نموده است.^(۱)

۵. ابو حمزه ثمالی

که مرحوم نجاشی بر وثاقت او تأکید کرده است.^(۲)

در این حدیث حتمی بودن خروج سفیانی از دو امام معصوم روایت شده است.

۳. نعمانی با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمُخْتَوَمِ وَ خُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ؛^(۳)

سفیانی از امور حتمی است و خروجش در ماه رجب است.

ابو زینب محمد بن ابراهیم نعمانی از شخصیت‌های برجسته قرن چهارم است که پیشتاز رجالیون او را به عنوان: عظیم القدر، شریف المنزله، صحیح العقیده و کثیر الحدیث ستوده است.^(۴)

نعمانی این حدیث را با پنج واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده، که همه آنها از نظر علمای رجال مورد اعتماد و استناد هستند:

۱. احمد بن محمد بن سعید، مشهور به ابن عقده

نجاشی بر صداقت، وثاقت، امانت و جایگاه رفیعش تأکید کرده است.^(۵)

۲. محمد بن فضل بن ابراهیم بن قیس بن رمانه

۱. همو، الفهرست، ص ۹۶، رقم ۱۶۲.

۲. نجاشی، الرجال، ص ۱۱۵، رقم ۲۹۶.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۰، باب ۱۸، ح ۱.

۴. نجاشی، الرجال، ص ۲۸۲، رقم ۱۰۴۳.

۵. نجاشی، الرجال، ص ۹۴، رقم ۲۲۳.

بر وثاقت او نیز نجاشی تصریح کرده است.^(۱)

۳. حسن بن علی بن فضال

شیخ طوسی بر تقوا، زهد و وثاقتش تأکید کرده است.^(۲)

۴. ابواسحاق، ثعلبة بن میمون

بر فقاہت، وثاقت، فضیلت و جلالت قدرش شیخ طوسی تأکید

نموده است.^(۳)

۵. عیسی بن اعین

شیخ نجاشی بر وثاقتش تصریح کرده است.^(۴)

در این حدیث بر حتمی بودن سفیانی تأکید شده و خروجش در ماه

رجب بیان شده است.

در حدیث دیگری در همین رابطه آمده است:

وَمِنَ الْمُحْتَمُونَ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ فِي رَجَبٍ؛^(۵)

خروج سفیانی در ماه رجب از نشانه‌های حتمی می‌باشد.

از این بحث مقدماتی به نتایج زیر رسیدیم:

۱. نشانه‌های ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بسیار فراوان

است و از مرز دو هزار می‌گذرد.

۱. همو، ص ۳۴۰، رقم ۹۱۱.

۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۹۷، رقم ۱۶۲.

۳. همو، اختیار معرفة الرجال، ص ۲۱۲، رقم ۷۷۶.

۴. نجاشی، الرجال، ص ۲۹۶، رقم ۸۰۳.

۵. نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۰، ب ۱۸، ح ۲.

۲. پنج نشانه از آنها از علایم حتمی است.
 ۳. یکی از علایم حتمی خروج سفیانی است.
- و اینک وقت آن رسیده که ویژگی های سفیانی را در پرتو احادیث وارده از پیشوایان معصوم بر شماریم:

ویژگی های سفیانی

۱. نام سفیانی

- مشهور آن است که نام سفیانی عثمان و نام پدرش عنبسه می باشد.^(۱)
- در برخی از منابع نام پدرش «عُیْبَةُ» آمده^(۲) که با توجه به اتحاد طریق به نظر می رسد که آن تصحیف شده «عنبسه» باشد.
- اسامی دیگری برای سفیانی نقل شده که از آن جمله است:
۱. حرب بن عنبسه بن مرة بن کلب بن سلمة بن یزید بن عثمان بن خالد بن یزید بن معاویة بن ابی سفیان.^(۳)
 ۲. عنبسه بن مرة بن کلب بن سلمة بن عبدالله بن عبدالمقتر بن عثمان بن معاویة بن ابی سفیان.^(۴)

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱، ب ۵۷، ح ۹؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۰؛ نیلی، منتخب الأنوار المضية، ص ۲۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵، ح ۳۶.

۲. طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۲؛ شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۱، ب ۳۴، ح ۲۶.

۳. سلمی، عقد الدرر، ص ۹۱.

۴. سید بن طاووس، التشریف بالمتن، ص ۲۹۶، ب ۷۹، ح ۴۱۷.

۳. عبدالله بن یزید، از قبیله بنی کلب.^(۱)

۴. عنبسه بن هند.^(۲)

۵. ابو عتبه، عروة بن محمد.^(۳)

۶. معاویه بن عتبه.^(۴)

هیچیک از اسامی یاد شده سند قابل اعتماد و استنادی ندارند و مشهور همان: عثمان بن عنبسه می باشد.

۲. القاب او

مشهورترین لقب او سفیانی است، او را از آن جهت سفیانی می نامند که از تبار ابوسفیان است.

از دیگر القابش: صخری منسوب به صخر پدر ابوسفیان می باشد.^(۵)

امیر مؤمنان از او به عنوان ضلیل یاد می کند^(۶) یعنی بسیار گمراه.^(۷)

برخی از شارحان نهج البلاغه آن را اشاره به سفیانی دانسته^(۸)

۱. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۲۱، ب ۲۹، ح ۸۱۴.

۲. ابن المنادی، البلاحم، ص ۷۷.

۳. مقدسی، فراند قوائد الفکر، ص ۲۰۵.

۴. سفارینی، لوائح الأنوار البهیة، ج ۲، ص ۷۵.

۵. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۷۶، ب ۴۵، ح ۱۰۲۸؛ سیوطی، الحساوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۰.

۶. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۱.

۷. ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۸۱.

۸. بحرانی، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۱.

۴. اوصاف جسمی

در روایات فراوان از اوصاف ظاهری سفیانی گفتگو شده و جای هرگونه شک و تردید را از بین برده است.

شیخ صدوق با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

إِنَّكَ لَوْ رَأَيْتَ السُّفْيَانِي لَرَأَيْتَ أَحْبَبَ النَّاسِ، أَشَقَّرَ،
أَحْمَرَ، أَزْرَقَ؛ (۲)

تو اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین انسان‌ها را دیده‌ای، او بور، سرخ روی و زاغ چشم است.

شیخ صدوق این حدیث را با شش واسطه روایت کرده که علمای رجال بر وثاقت همه آنها تصریح کرده‌اند:

۱. احمد بن زیاد بن جعفر همدانی

وی از مشایخ شیخ صدوق است و شیخ صدوق بر وثاقت او تأکید کرده، می‌فرماید: او ثقة، متدین و با فضیلت بود. (۳)

۲. علی بن ابراهیم بن هاشم

نجاشی بر وثاقت او تصریح کرده می‌فرماید: او ثقة، مورد اعتماد،

۱. عبدالامیر، الأسرار فیما کنی و عرف به الأشرار، ج ۴، ص ۲۸۸.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱، ب ۵۷، ح ۱۰.

۳. همان، ص ۳۶۹، ب ۲۴، ذیل ح ۶.

استناد و صحیح الاعتقاد بود.^(۱)

۳. ابراهیم بن هاشم

سید بن طاووس بر وثاقت او ادعای اجماع کرده است.^(۲)

۴. محمد بن ابی عمیر

شیخ طوسی او را از پارساترین، موثق‌ترین و عابدترین مردمان در میان خاص و عام معرفی کرده^(۳) و خود از اصحاب اجماع می‌باشد.^(۴)

۵. حماد بن عیسی

او نیز از اصحاب اجماع است^(۵) و شیخ طوسی بر وثاقت و جلالت قدرش تصریح نموده است.^(۶)

۶. عمر بن یزید

شیخ طوسی بر وثاقت او نیز تصریح کرده است.^(۷) در این حدیث شریف که با سند صحیح به دست ما رسیده، مشخصات ظاهری سفیانی، از قبیل: سرخ روی، بور و زاغ چشم بودن وی برای ما بیان شده است.

در حدیث دیگری امام باقر علیه السلام در همین رابطه می‌فرماید:

۱. نجاشی، الرجال، ص ۲۶۰، رقم ۶۸۰.

۲. سید بن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۵۸، فصل ۱۹.

۳. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۱۸، رقم ۶۱۷.

۴ و ۵. همو، اختیار معرفة الرجال، ص ۲۷۵، رقم ۷۰۵.

۶. همو، الفهرست، ص ۱۱۵، رقم ۲۴۰.

۷. همان، ص ۱۸۴، رقم ۵۰۲.

السُّفْيَانِيُّ أَحْمَرٌ، أَشَقَرٌ، أَرْزَقٌ؛^(۱)

سفیانى سرخ روى، بور و زاغ چشم است.

در احادیث دیگر به دیگر ویژگی‌های جسمی و اوصاف ظاهری سفیانی اشاره شده که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:
پیشوای پروا پیشگان امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

يَخْرُجُ ابْنُ آكِلَةِ الْاَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ، وَ هُوَ رَجُلٌ
رَبْعَةٌ، وَ خَشُّ الْوَجْهِ، ضَخْمُ الْهَامَةِ، بِوَجْهِهِ اَثَرُ الْجُدْرِي،
اِذَا رَأَيْتَهُ حَسِبْتَهُ اَعْوَرَ؛^(۲)

پسر هند جگر خواره از وادی یابس خروج می‌کند، او مردی میان بالا، با چهره‌های وحشتناک، سرستبر و آبله روى می‌باشد. هنگامی که او را ببینی او را یک چشم تصور می‌کنی.

از طریق عامه نیز از مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود:

السُّفْيَانِيُّ مِنْ وُلْدِ خَالِدِ بْنِ يَزِيدَ بْنِ اَبِي سَفْيَانَ، رَجُلٌ
ضَخْمُ الْهَامَةِ، بِوَجْهِهِ اَثَارُ جُدْرِي، وَ بِعَيْنِهِ نَكْتَةٌ بِياضٌ؛^(۳)

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۳۰۶، ب ۱۹، ح ۱۸.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱، ب ۵۷، ح ۹؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۲، ب ۴، ف ۱؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۰؛ نیلی، منتخب الأنوار المضية، ص ۲۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵، ح ۳۶.

۳. نعیم بن حنّاد، الفتن، ص ۲۲۲، ب ۲۹، ح ۸۱۸؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۷۳؛ مستقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۱۳؛ همو، کسز العیال، ج ۱۱، ص ۲۸۴، ح ۳۱۵۳۵؛ سفارینی، لوائح الأنوار البهية، ج ۲، ص ۷۵؛ مقدسی، فرآند فوائد الفكر، ص ۳۰۶.

ویژگی‌های سفیانی / ۳۷

سفیانی از تبار خالد بن یزید بن ابی سفیان است، او مردی سرستبر است، که چهره‌اش آثار آبله و در چشمش نقطه سفیدی است.

حافظ ابو عبدالله، نعیم بن حماد مروزی، م. ۲۲۹ هـ. با سلسله اسنادش از حارث بن عبدالله روایت کرده که گفت:

يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ، فِي الْوَادِي الْيَابِسِ، فِي
رَايَاتِ حُمْرٍ، دَقِيقِ السَّاعِدِينَ وَ السَّاقَتَيْنِ، طَوِيلُ الْعُنُقِ،
شَدِيدُ الصُّفْرَةِ، بِهِ أَثَرُ الْعِبَادَةِ؛^(۱)

مردی از تبار ابی سفیان از وادی یابس یا پرچم‌های سرخ
خروج می‌کند که بازوانش نازک، ساق‌های پایش لاغر،
گردنش دراز، چهره‌اش به شدت زرد و در سیمایش آثار
عبادت است.

در فصل‌های بعدی یادآور می‌شویم که او هرگز خدای را نپرستیده است،
اما نشان عبادتی که در این حدیث آمده، احتمالاً نشانی مزورانه باشد.
مروزی همچنین با سلسله اسنادش از «ضمرة» روایت کرده که گفت:

السُّفْيَانِيُّ رَجُلٌ أَيْضٌ، جَعْدُ الشَّعْرَةِ؛^(۲)

سفیانی مردی سفید پوست یا موهای مجعد می‌باشد.
وی همچنین در ضمن حدیث مفصلی از کعب الأحبار روایت کرده
که گفت:

السُّفْيَانِيُّ حَدِيثُ السِّنِّ، جَعْدُ الشَّعْرِ، أَيْضٌ، مَدِيدٌ

۱. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۲۳، ح ۸۲۱.

۲. همان، ح ۸۲۰.

الجِسم؛^(۱)

سفیانی جوانی نوری، با موهای مجعد، سفید چهره و لاغر اندام است.

و در حدیث دیگری آمده است:

وَ هُوَ رَبْعَةٌ مِنَ الرِّجَالِ، دَقِيقُ الْوَجْهِ، جَهْوَرِي الصَّوْتِ،
طَوِيلُ الْأَنْفِ، يَحْسَبُهُ مَنْ يَرَاهُ أَنَّهُ أَعْوَرُ؛^(۲)

او مردی میان بالا، صورت باریک، بلند آواز و بینی دراز است، هر کس او را ببیند گمان کند که او یک چشم دارد.

در مورد ویژگی‌های جسمی و نشانه‌های ظاهری سفیانی، تنها حدیث مورد اعتماد و استناد، حدیث شیخ صدوق بود که آن را با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، احادیث بعدی را به عنوان مؤید آوردیم، به ویژه احادیث مروزی را که سندهایش به معصوم نمی‌رسد.^(۳)

تعبیر سفید چهره که در حدیث ضمیره و کعب آمده، با تعبیر اشقر قابل جمع است، زیرا اشقر به کسی گفته می‌شود که گونه‌هایش سرخ و سفید باشد.^(۴)

۱. همان، ص ۲۳۵، ب ۳۳، ح ۸۷۲.

۲. مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۳۰۷.

۳. استناد به احادیث اصحاب در مورد فتن و ملاحم از این جهت است که آنها هیچ اطلاعی و هیچ ادعایی از حوادث آخر الزمان نداشتند، و آنچه نقل می‌کردند به استناد شنیده‌های خود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود، اگر چه در مواردی به آن تصریح نمی‌کردند.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۱۶۱.

۵. دیگر اوصاف سفیانی

در احادیث وارده از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به ذکر اوصاف ظاهری و ویژگی‌های جسمی سفیانی بسنده نشده، بلکه به اوصاف روحی و روانی او نیز اشاره شده است.

در حدیث شیخ صدوق که سند آن را در بخش پیشین بررسی کردیم و صحّت آن را اثبات نمودیم، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّكَ لَوْ رَأَيْتَ السُّفْيَانِي لَرَأَيْتَ أَخْبَثَ النَّاسِ، أَشْقَرَ،
أَحْمَرَ، أَزْرَقَ، يَقُولُ: يَا رَبِّ ثَارِي، ثَارِي، ثُمَّ النَّارَ. وَقَدْ
بَلَغَ مِنْ حُبِّهِ أَنَّهُ يَدْفِنُ أُمَّ وَوَلَدَ لَهُ وَهِيَ حَيَّةٌ، مَخَافَةَ أَنْ
تَدُلَّ عَلَيْهِ؛^(۱)

اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین انسان‌ها را دیده‌ای، او مردی
بور، سرخ روی و زاغ چشم است. او همواره می‌گوید: خدایا
انتقام، انتقام، سپس دوزخ. او به قدری خبیث است که مادر
بچه‌اش را زنده به گور می‌کند، از ترس اینکه مخفیگاهش را
نشان دهد.

امام باقر علیه‌السلام در همین رابطه می‌فرماید:

السُّفْيَانِي أَحْمَرُ، أَشْقَرُ، أَزْرَقُ، لَمْ يَعْبُدِ اللَّهَ قَطُّ، وَ لَمْ يَرَ
مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ قَطُّ، يَقُولُ يَا رَبِّ ثَارِي وَ النَّارَ، يَا رَبِّ

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۱، ب ۵۷، ح ۱۰.

ثاری و النار؛^(۱)

سفیانی سرخ رو، بور و زاغ چشم است، او هرگز خدا را نپرستیده است و هرگز وارد مکه و مدینه نشده است. او می گوید: خدایا انتقام وانگهی دوزخ، بار خدایا انتقام، سپس دوزخ.

و از طریق عامه آمده است:

السُّفْيَانِيُّ مِنْ وُلْدِ خَالِدِ بْنِ يَزِيدَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ، مَلْعُونٌ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَهُوَ أَكْثَرُ خَلْقِ اللَّهِ ظُلْمًا؛^(۲)

سفیانی از تبار خالد بن یزید بن ابی سفیان است، در آسمان و زمین لعنت شده است، او ستمکارترین مخلوقات خداست.

حافظ ابوصالح سلیلی در ضمن یک حدیث بسیار طولانی از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده که فرمود:

أَشَدُّ خَلْقِ اللَّهِ شَرًّا، وَ أَلْعَنُ خَلْقِ اللَّهِ حَدًّا، وَ أَكْثَرُ خَلْقِ اللَّهِ ظُلْمًا؛^(۳)

او در میان مخلوقات خدا از همه شرورتر، از همه ملعون تر و از همه ستمکارتر می باشد.

از مجموع احادیث یاد شده، شرارت، ملعنت، کینه توزی، و انتقامجویی او استفاده می شود.

در حدیث شیخ صدوق که صحیح ترین و معتبرترین حدیث این

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۶، ب ۱۹، ح ۱۸.

۲. سفارینی، لوائح الأنوار البهیة، ج ۲، ص ۷۵؛ مقدسی، فرائد فوائد الفكر، ص ۳۰۵.

۳. سید بن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۲۹۶، ب ۷۹، ح ۴۱۷.

ویژگی‌های سفیانی / ۴۱

بخش بود، بر سه ویژگی اخلاقی او تأکید شده است:

۱. سفیانی پلیدترین انسان روی زمین است.
 ۲. پرکینه‌ترین انسان است و همواره فریاد می‌زند: انتقام، انتقام.
 ۳. سنگدل‌ترین انسان است، بر احدی رحم نمی‌کند، حتی همسرش را زنده به گور می‌کند.
- پیش‌تر سند این حدیث را بررسی کردیم و صحّت و اعتبارش را اثبات کردیم.

۶. کارنامه سیاه سفیانی

در پایان این مقال، شماری از عملکردهای وحشیانه و بی‌رحمانه سفیانی را بررسی می‌کنیم:

۱. رسول اکرم ﷺ فرمود:

يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ: «السُّفْيَانِيُّ» فِي عُمُقٍ دِمَشْقَ، وَ
عَامَّةٌ مَنِ يَتَّبِعُهُ مِنْ كَلْبٍ، فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ وَ
يَقْتُلُ الصِّبْيَانَ؛^(۱)

مردی از دل دمشق خروج می‌کند که به او سفیانی می‌گویند، همه پیروانش از تیره کلب می‌باشد، آنقدر کشتار کند که حتی شکم زن‌ها را می‌شکافد و کودکان را از دم تیغ می‌گذراند.

۱. سلمی، عقد الدرر، ص ۷۳؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۲، ح ۳۸۶۹۸؛ همو، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۱۳؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۴۱؛ همو، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۱؛ قنوجی، الاذاعة لماکان وما یکون بین یدی الساعة، ص ۱۲۵.

حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث تأکید کرده که این حدیث بر اساس معیارهای بخاری و مسلم صحیح است. (۱)

۲. در حدیث دیگری از امیر مؤمنان علیه السلام آمده است:

فَيَقْتُلُ حَتَّى يَبْقُرَ بَطُونَ النِّسَاءِ وَ يَقْتُلُ الصَّبِيَّانَ؛ (۲)

آنقدر کشتار نماید که حتی شکم زن‌ها را می‌شکافد و کودکان را به قتل می‌رساند.

۳. و در حدیث دیگری در این رابطه می‌فرماید:

ثُمَّ يَبْعَثُ فَيَجْمَعُ الْأَطْفَالَ وَ يَغْلِي الزَّيْتَ لَهُمْ، فَيَقُولُونَ: إِنْ كَانَ آبَاؤُنَا عَصَوْكَ فَتَحْنُ مَا ذَنْبُنَا؟؛ (۳)

مأمورها را می‌فرستد، کودکان را گرد می‌آورد و دیگ‌های زیتون را برای آنها می‌جوشاند، آنها گویند: اگر پدران ما با تو مخالفت کرده‌اند، تقصیر ما چیست؟

۴. در ادامه همین حدیث آمده است:

وَ يَخْرُجُ السُّفْيَانِي وَ بِيَدِهِ حَرْبَةٌ، فَيَأْخُذُ امْرَأَةً حَامِلًا،
فَيُدْفَعُهَا إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ يَقُولُ: افْجُرِيهَا فِي وَسْطِ
الطَّرِيقِ. فَيَفْعَلُ ذَلِكَ وَ يَبْقُرُ بَطْنَهَا، فَيَسْقُطُ الْجَنِينُ مِنْ
بَطْنِ أُمِّهِ، فَلَا يَقْدِرُ أَحَدٌ أَنْ يُغَيِّرَ ذَلِكَ؛ (۴)

۱. حاکم، المستدرک للصّحیحین، ج ۴، ص ۵۲۰.

۲. مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۳۰۶.

۳. سلمی، عقد الدرر، ص ۹۳.

۴. همان، ص ۹۴.

ویژگی‌های سفیانی / ۴۳

سفیانی اسلحه به دست خروج می‌کند، زن حامله‌ای را دستگیر کرده به یکی از افرادش می‌گوید: در میان راه دامنش را آلوده کن، آنگاه شکمش را می‌شکافد و جبین‌اش را بیرون می‌آورد و کسی را توان اعتراض نمی‌باشد.

۵. امیر تقوای پیشگان در همین رابطه می‌فرماید:

وَ يَخْرُجُ قَوْمٌ مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى بِلَادِ الرُّومِ، فَيَبِغْثُ
السُّفْيَانِي إِلَى مَلِكِ الرُّومِ: رُدَّ إِلَيَّ عَيْدِي، فَيَرُدُّهُمْ إِلَيْهِ،
فَيَضْرِبُ أَعْنَاقَهُمْ بِدِمَشْقٍ؛^(۱)

گروهی از اولاد رسول اکرم ﷺ به بلاد روم پناهنده می‌شوند، سفیانی کسی را به نزد پادشاه روم می‌فرستد که بنده‌هایم را به سوی من برگردان. او نیز بر می‌گرداند، پس آنها را در دمشق گردن می‌زند.

۶. امیر مؤمنان علیه السلام در ضمن شمارش کارنامه سپاه سپاهیان سفیانی

می‌فرماید:

فَيَقْتُلُونَ بِالنُّزُوزِ سَبْعِينَ أَلْفًا وَيَبْقُرُونَ بُطُونَ
ثَلَاثِمِائَةِ امْرَأَةٍ؛^(۲)

۷۰۰۰۰ نفر را در بغداد می‌کشند و شکم ۳۰۰ زن را می‌شکافند.

۷. در برخی از تفاسیر عامه، در ذیل آیه ۵۱ از سوره سبأ آمده است:

۱. مقدسی، فرائد فوائد الفكر، ص ۲۲۰.

۲. سلمی، عقد الدرر، ص ۹۲.

سفیانی لشکری را به بغداد می فرستد، بیش از ۳۰۰۰ نفر را می کشند و شکم بیش از ۱۰۰ زن را می شکافند. (۱)

۸. در برخی دیگر از احادیث عامه، از کشته شدن ۷۰۰۰۰ نفر در عین التمر^(۲) و از تعدی به حریم ۳۰۰۰۰ تن در کوفه سخن رفته است. (۳)
۹. از اُرطاة نقل شده که گفت:

سفیانی همه کسانی را که با او مخالفت کنند از دم شمشیر می گذراند، آنها را با اره می برد و در دیگها می جوشاند. این کار تا شش ماه ادامه می یابد. (۴)

۱۰. و در ضمن یک حدیث طولانی از امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود:

با ۷۰۰۰۰ نفر به سوی عراق حرکت می کند، در کوفه، بصره و دیگر شهرها می گردد، ارکان اسلام را منهدم می کند، دانشمندان را می کشد، قرآن ها را می سوزاند، مساجد را ویران می کند، محرمات را مباح نماید، به نوازندگی فرمان دهد، کارهای ناشایست را تجویز کند، از فرایض الهی جلوگیری نماید، از جور و ستم پروا نکند، هر کس که نامش:

۱. طبری، جامع البیان، ج ۲۲، ص ۷۲؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۴، ص ۳۱۵.

۲. نام شهری است در نزدیکی انبار در غرب کوفه، بنگرید به: یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۷۵۹.

۳. مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۳۱۰؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۷۷.

۴. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۳۵، ب ۲۳، ح ۸۷۲.

ویژگی‌های سفیانی / ۴۵

محمد، علی، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه، زینب،
ام‌کلثوم، خدیجه و عاتکه باشد، به سبب دشمنی با خاندان
رسالت از دم شمشیر می‌گذرانند.^(۱)

آنچه به طور فشرده از نظر خوانندگان گرامی گذشت، قطره‌ای از
دریا، مشتی از خروار و اندکی از بسیار جنایاتی است که در احادیث
فریقین پیرامون کارنامه سیاه سفیانی آمده است.

به طوری که قبلاً نیز اشاره کردیم همه اینها از نظر سندی قوی
نیستند، ولی اینها مؤید حدیث بسیار قوی و معتبری هستند که در آغاز
این بخش از امام صادق علیه السلام نقل کردیم که فرمود:

اگر سفیانی را ببینی، خبیث‌ترین انسان‌ها را دیده‌ای، او سرخ
رو، زاغ چشم و بور است، فریاد می‌زند: انتقام، انتقام،
وانگهی دوزخ.

او به قدری پلید است که مادر بچه‌اش را زنده به گور می‌کند،
از ترس اینکه مخفیگاهش را نشان دهد.^(۲)

و توضیح دادیم که سندش بسیار قوی و مورد اعتماد و استناد است.

۱. مقدسی، فراند فوائد الفکر، ص ۳۲۰.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۱، ب ۵۷، ح ۱۰.

خروج یمانی

دومین نشانه از نشانه‌های حتمی که بی‌گمان پیش از ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه رخ می‌دهد، خروج یمانی از صنعا، پایتخت یمن می‌باشد. احادیث فراوان به حتمی بودن خروج یمانی دلالت می‌کند، از جمله:

۱. روایت عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام که فرمود:

پیش از قیام قائم علیه السلام پنج نشانه حتمی هست که عبارتند از: یمانی، سفیانی، بانگ آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف سرزمین پیدا. (۱)

در این بخش متن کامل حدیث را آوردیم، سند آن را بررسی کردیم و صحت آن را اثبات نمودیم.

۲. ثقة الاسلام کلینی با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ: الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ

۱. همان، ص ۶۵۰، ح ۷.

وَ الْخَسْفُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْيَمَانِي؛

پیش از قیام قائم عجله پنج نشانه هست: بانگ آسمانی، سفیانی، خسف، قتل نفس زکیه و یمانی.

راوی حدیث عمر بن حنظله می گوید: جانم به فدایت، اگر پیش از آنکه این نشانه‌ها رخ دهد، یکی از اهل بیت شما خروج کند، آیا ما نیز همراه او خروج کنیم؟ فرمود: «نه». (۱)

علامه مجلسی پس از نقل این حدیث شریف سند آن را بررسی کرده و فرموده:

سند این حدیث «نیکو» در حدّ «صحيح» است و شهید ثانی آن را «صحيح» دانسته است. (۲)

و اینک توضیح آن:

مرحوم کلینی این حدیث را با ۵ واسطه از امام صادق عجله روایت کرده که عبارتند از:

۱. محمد بن یحیی العطار

نجاشی بر وثاقت و وجاهت او تصریح کرده است. (۳)

۲. احمد بن محمد بن عیسی

شیخ طوسی او را توثیق نموده است. (۴)

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۵۸، ح ۴۸۳.

۲. علامه مجلسی، مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۴۰۶.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۲۵۳، رقم ۹۴۶.

۴. شیخ طوسی، الرجال، ص ۳۶۶.

۳. علی بن الحکم

شیخ طوسی او را به وثاقت و جلالت قدر توصیف کرده است. (۱)

۴. ابویوب خزاز (ابراهیم بن عیسی)

نجاشی او را با وثاقت و جایگاه بلند ستوده و فرموده: از اصحاب

امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بود. (۲)

۵. عمر بن حنظله

در وثاقت او همین بس که امام صادق علیه السلام به راستگویی او تصریح

نموده (۳) و محمد بن ابی عمیر که از اصحاب اجماع است، از او روایت

کرده است.

در این حدیث اگر چه به حتمی بودن نشانه‌های یاد شده تصریح

نشده، ولی پاسخ امام علیه السلام به پرسش راوی به آن دلالت می‌کند.

۳. امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری در همین رابطه فرمود:

پنج نشانه پیش از قیام قائم علیه السلام هست که عبارتند از: یمانی،

سفیانی، منادی آسمانی که از آسمان بانگ بر می‌آورد،

خسف سرزمین پیدا و قتل نفس زکیه. (۴)

۱. همو، الفهرست، ص ۱۵۱، رقم ۳۷۶.

۲. نجاشی، الرجال، ص ۲۰، رقم ۲۵.

۳. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۷۵.

۴. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۹، ب ۵۷، ح ۱؛ همو، الخصال، ج ۱، ص ۲۰۳.

ح ۸۲؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۹؛ نیلی، منتخب الانوار المضية، ص ۱۷۷؛

علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳؛ با اندک تغییری در تعبیر: سلمی، عقد

الدرر، ص ۱۱۱.

این حدیث با دو حدیث پیشین مؤید است، از این رهگذر نیازی به بررسی سندی ندارد.

۴. و در حدیث دیگری فرمود:

النِّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُومِ، وَ السُّفْيَانِي مِنَ الْمَحْتُومِ، وَ الْيَمَانِي
مِنَ الْمَحْتُومِ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزُّكِّيَّةِ مِنَ الْمَحْتُومِ، وَ كَفٌّ
يَطْلَعُ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمَحْتُومِ؛^(۱)

بانگ آسمانی حتمی است، سفیانی حتمی است، یمانی حتمی است، قتل نفس زکیه حتمی است، دستی که از آسمان پدیدار خواهد شد حتمی است.

در این حدیث شریف به حتمی بودن یمانی بالخصوص تصریح شده و مضمون آن با احادیث پیشین تأیید شده و نیازی به بررسی سندی ندارد، جز در مورد نشانه پنجم.^(۲)

۵. عبید بن زراره گوید: در محضر امام صادق علیه السلام از سفیانی گفتگو شد، امام علیه السلام فرمود:

أَنْتِي يَخْرُجُ ذَلِكَ؟ وَ لَمَّا يَخْرُجُ كَأْسِرُ عَيْنِيهِ بِصَنْعَاءَ؛^(۳)

چگونه ممکن است او خروج کرده باشد در حالیکه در هم کوبنده دیدگانش از صنعا خروج نکرده است؟

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۲، ب ۱۴، ح ۱۱.

۲. در این حدیث به جای «خسف پیدا»، دستی که از آسمان پدیدار گردد، یاد شده، و این نشانه در احادیث دیگری نیز در شمار نشانه‌های حتمی آمده است.

۳. نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۷، ب ۱۴، ح ۶۰.

ویژگی‌های یمانی / ۵۱

اگر از ضعف سند آن^(۱) چشم پوشی شود، بر حتمی بودن خروج یمانی به روشنی دلالت می‌کند، زیرا تصریح می‌کند که خروج سفیانی بدون یمانی هرگز نخواهد بود.

پس از ثبوت حتمی بودن خروج یمانی به شماری از ویژگی‌های او اشاره می‌کنیم:

ویژگی‌های یمانی

در احادیث مربوط به خروج یمانی بسیاری از ویژگی‌های او بیان شده که به شماری از آنها به طور فشرده اشاره می‌کنیم:

۱. محل خروج

در بسیاری از احادیث تصریح شده که یمانی از یمن خروج می‌کند، از جمله:

فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی روایت کرده که فرمود:

وَ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ، وَ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ، وَ
خَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ، وَ قَتْلُ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الرُّكْنِ
وَ الْمَقَامِ، اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ لَقَبُهُ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ، وَ
جَاءَتْ صِيحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ مَعَ عَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ،

۱. محمد بن علی کوفی در سند آن قرار گرفته و او مورد اعتماد نیست.

فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا؛^(۱)

خروج سفیانی از شام، یمانی از یمن، خسف سرزمین پیدا، کشته شدن نوجوانی از آل پیغمبر در میان رکن و مقام، که نامش محمد بن محمد و لقبش: نفس زکیه است و بانگی از آسمان که ندا می‌کند: حق با علی و شیعیان اوست. در این هنگام خروج قائم ما انجام می‌پذیرد.

این حدیث را شیخ صدوق با سلسله اسنادش از امام باقر علیه السلام روایت کرده، جز اینکه در آن نام نفس زکیه: محمد بن الحسن آمده است.^(۲) فضل بن شاذان این حدیث را فقط با دو واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده، و آنها عبارتند از:

۱. صفوان بن یحیی

که پیشتر از رجال یون مرحوم نجاشی بر وثاقت او تأکید کرده، فرموده: «ثقة، ثقة، عین؛ او موثق موثق و چشم و چراغ شیعه است.»^(۳)

۲. محمد بن حمران

که بر وثاقت او نیز نجاشی تصریح کرده است.^(۴) در این حدیث که سند آن در حدّ اعلاّی صحّت می‌باشد، تصریح

۱. فضل بن شاذان، اثبات الرجعة، مخطوط؛ «مختصر اثبات الرجعة»، تراثنا، ش ۱۵، ص ۲۱۶، ح ۱۸؛ میرلوحی، کفایة المهتدی، ص ۲۸۰، ح ۳۹؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۸۲، ح ۳۰.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱، ب ۳۲، ح ۱۶؛ کاظمی، بشارة الاسلام، ص ۱۴۰.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۱۹۷، رقم ۵۲۴.

۴. همان، ص ۲۵۹، رقم ۹۶۵.

ویژگی‌های یمانی / ۵۳

شده که یمانی از یمن خروج می‌کند و در حدیث قبلی تصریح شده بود که از صنعاء پایتخت یمن خروج خواهد کرد.

ابن حماد با سلسله اسناد خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

... ثُمَّ يَسِيرُ إِلَيْهِمْ مَنصُورٌ الْيَمَانِي مِنْ صَنْعَاءَ بِجُنُودِهِ، وَلَهُ قُوَّةٌ شَدِيدَةٌ...؛^(۱)

سپس یمانی پیروز از صنعاء با لشکریانش به سوی آنها عزیمت می‌کند و برای او جوش و خروش بسیار تندی هست.

جالب توجه است که محقق کتاب سند حدیث را صحیح دانسته،

ولی در مورد جابر بن یزید جعفی توقف نموده است،^(۲) در حالی که بزرگان عامه بر وثاقت و صداقت او اعتراف کرده‌اند، ولی چون او قائل به رجعت بود، احادیث او را روایت نمی‌کنند.^(۳)

۲. زمان خروج یمانی

بی‌گمان خروج یمانی در آستانه ظهور می‌باشد و یکی از نشانه‌های حتمی ظهور است، به طوری که برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء هرگز کسی نمی‌تواند وقتی تعیین کند، برای خروج سفیانی و یمانی نیز هرگز وقتی تعیین نمی‌شود. آنچه مسلم است این است که خروج یمانی مقارن با خروج سفیانی می‌باشد، چنانکه در احادیث فراوان به

۱. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۳۱، ح ۸۵۵.

۲. ابو عبدالله، ایمن محمد محمد عرفه، الفتن، پاورقی حدیث ۶۲۳ و ۸۵۵.

۳. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۰.

آن تصریح شده است، از جمله:

۱. هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

الْيَمَانِي وَالسُّفْيَانِي كَفَرَسِي رِهَان؛^(۱)

یمانی و سفیانی همانند دو اسب مسابقه پشت سر یکدیگر فرامی‌رسند.

۲. فضل بن شاذان با سلسله استنادش در ضمن یک حدیث طولانی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

... قَدْ يَكُونُ خُرُوجُهُ وَ خُرُوجُ الْيَمَانِي مِنَ الْيَمَنِ مَعَ

الرَّايَاتِ الْبَيْضِ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ شَهْرٍ وَاحِدٍ وَ سَنَةٍ وَاحِدَةٍ؛^(۲)

خروج سفیانی و یمانی از یمین با پرچمهای سفید در یک روز، یک ماه و یک سال رخ می‌دهد.

فضل بن شاذان این حدیث را با سه واسطه روایت کرده که هر سه در بالاترین حد وثاقت هستند:

۱. محمد بن ابی عمیر

وی به تعبیر شیخ طوسی، در میان خاصه و عامه، از موثق‌ترین

انسان‌ها بوده^(۳) و خود از اصحاب اجماع می‌باشد.^(۴)

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۵، ب ۱۸، ح ۱۵؛ شیخ طوسی، الأملی، ص ۶۶۱، م ۳۵، ح ۲۰؛

مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۳ و ۲۷۵.

۲. فضل بن شاذان، تراثنا، ش ۱۵، ص ۲۱۵؛ کفایة المهتدی، ص ۲۶۲؛ کشف الحق، ص ۱۶۹.

۳. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۱۸، رقم ۶۱۷.

۴. همو، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۶، ح ۱۰۵۰.

۲. جمیل بن دراج

نجاشی از او به عنوان استاد، ثقه و چهره برجسته طائفه امامیه نام برده است.^(۱)

۳. زرارة بن اعین

نجاشی او را به عنوان شیخ اصحاب، مقدم اصحاب، فقیه، متکلم، قاری، ادیب شاعر، جامع فضایل و تقوا و صداقت در نقل روایت ستوده است.^(۲)

در این حدیث شریف که در بالاترین حدّ صحّت می‌باشد، از خروج وی از یمن و تقارن آن با خروج سفیانی به صراحت سخن رفته است.

۳. شیخ طوسی از طریق فضل بن شاذان از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت:

يُخْرَجُ قَبْلَ السُّفْيَانِيِّ مِصْرِي وَ يَمَانِي؛^(۳)

پیش از سفیانی مصری و یمانی خروج می‌کنند.

در این حدیث اگر چه به نام امام معصوم علیه السلام تصریح نشده، ولی محمد بن مسلم هرگز آن را از غیر معصوم نقل نمی‌کند و ما آن را از این جهت آوردیم که در آن به تقدّم خروج یمانی بر سفیانی تصریح شده است.

۴. مرحوم نعمانی با سلسله اسنادش از امام رضا علیه السلام روایت کرده

۱. نجاشی، الرجال، ص ۱۲۶، رقم ۲۲۸.

۲. همان، ص ۱۷۵، رقم ۴۶۳.

۳. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۴۷، ح ۴۴۴؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۸، ح ۵۸؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰، ح ۵۳.

که فرمود:

قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ السُّفْيَانِي، وَالْيَمَانِي، وَالْمَرْوَانِي، وَشُعَيْبُ
بْنُ صَالِحٍ، وَكَفُّ يَقُولُ هَذَا وَهَذَا؛^(۱)

پیش از این امر خروج سفیانی، یمانی، مروانی، شعیب بن صالح و دستی که می‌گوید چنین و چنین.

در این حدیث از تقارن خروج یمانی با شورشی‌هایی چون: سفیانی، مروانی و شعیب بن صالح سخن رفته است.

۵. علامه مجلسی در ضمن یک حدیث بسیار طولانی از امیر مؤمنان علیه السلام روایت می‌کند که پس از تشریح نبردهای خونین در کوفه و پیرامون آن فرمود:

إِذْ أَقْبَلْتُ خَيْلَ الْيَمَانِي وَالْخُرَّاسَانِي يَسْتَبِقَانِ كَأَنَّهُمْ
فَرَسِي رِهَانٍ؛^(۲)

ناگهان سپاه یمانی و خراسانی همانند دو اسب مسابقه به دنبال یکدیگر پدیدار شوند.

در این حدیث از تقارن خروج یمانی و خراسانی گفتگو شده است و در روایات بعدی نیز به آن تصریح شده است.

۳. پرچم یمانی

در روایت صحیحی که از فضل بن شاذان نقل کردیم آمده بود که

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۲، ب ۱۴، ح ۱۲؛ شیخ حرّ، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۵، ح ۹۷؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳، ح ۹۹.
۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴، ح ۱۶۷؛ موسوعة احادیث امیرالمؤمنین، ج ۱، ص ۳۱۸.

ویژگی‌های یمانی / ۵۷

یمانی با پرچم‌های سفید از یمن خروج می‌کند^(۱) و در روایات صحیح دیگر تصریح شده که پرچم یمانی از همه پرچم‌هایی که مقارن با آن به اهتزاز در می‌آیند هدایت یافته‌تر است و اینک متن احادیث:

۱. فضل بن شاذان با سلسله اسنادش از امام صادق علیه السلام روایت کرده

که فرمود:

خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ: الْخُرَاسَانِي، وَ الشُّقْيَانِي، وَ الْيَمَانِي، فِي
سَنَةِ وَاحِدَةٍ، فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، فَلَيْسَ فِيهَا
رَايَةٌ يَأْهَدِي مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِي، تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ؛^(۲)

خروج سه تن: خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، یک
ماه و یک روز می‌باشد. در این میان پرچمی هدایت یافته‌تر از
پرچم یمانی نیست که به سوی حق هدایت می‌کند.

این حدیث را فضل بن شاذان به سه واسطه از امام صادق علیه السلام روایت

کرده که هر سه در حدّ والای وثاقت هستند:

۱. محمد بن ابی عمیر

شیخ طوسی در مورد وی می‌فرماید: او از راستگوترین و

موثق‌ترین انسان‌های روی زمین در میان خاصه و عامه می‌باشد.^(۳)

۱. فضل بن شاذان، اثبات الرجعة، مخطوط، «مختصر اثبات الرجعة»، ترائنا، ش ۱۵، ص ۲۱۵، ح ۱۶؛ میرلوحی، کفایة المهتدی، ص ۲۶۲؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۶۹.

۲. فضل بن شاذان، همان، ص ۲۱۶، ح ۱۷؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۷۳، ح ۲۹.

۳. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۱۸، رقم ۶۱۷.

۲. سیف بن عمیره

همه علمای رجال بر وثاقت او تأکید کرده‌اند،^(۱) حتی برخی رجالیون عامه نیز بر وثاقت و صداقت او تصریح کرده‌اند.^(۲)

۳. بکر بن محمد ازدی

همه علمای رجال بر وثاقت، صداقت، تقوا و جلالت قدرش متفق القول هستند.^(۳)

بسیاری از محدثان، چون: شیخ مفید، شیخ طوسی، امین الاسلام طبرسی و قطب راوندی این حدیث را با همین تعبیر با سلسله اسناد خود روایت کرده‌اند.^(۴)

۲. امام باقر علیه السلام در همین رابطه فرمود:

خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالْخُرَّاسَانِيِّ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ،
فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، نَظَامُ كَنْظَامِ الْخُرَزِيِّ، يَتَّبَعُ
بَعْضُهُ بَعْضًا، فَيَكُونُ الْبَأْسُ مِنْ كُلِّ وَجْهٍ؛ وَيَلُّ لِمَنْ
نَاوَاهُمْ. وَ لَيْسَ فِي الرَّايَاتِ رَايَةٌ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ،

۱. نجاشی، الرجال، ص ۱۸۹، رقم ۵۰۴؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۴۰، رقم ۳۳۳؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۵۶، رقم ۳۷۷.

۲. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۷۰، رقم ۳۱۸۲.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۱۰۸، رقم ۲۷۳؛ شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۹۲، رقم ۱۱۰۷؛ علامه حلی، خلاصة الاقوال، ص ۲۵.

۴. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۵؛ شیخ طوسی، الغيبة، ص ۴۴۶، ح ۴۴۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۴؛ قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۲؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۵۰؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۸، ح ۵۷؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰، ح ۵۲.

هِيَ زَايَةٌ هُدًى، لِأَنَّهٗ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ؛^(۱)

سفیانی، یمانی و خراسانی در یک سال، یک ماه و یک روز خروج می‌کنند، همانند دانه‌های تسبیح به دنبال یکدیگر قرار می‌گیرند، ترس و هراس از هر طرف فرامی‌گیرد، وای به حال کسی که با آنها درگیر شود. در میان پرچم‌ها پرچمی هدایت یافته‌تر از پرچم یمانی نیست، آن پرچم هدایت است، زیرا او به سوی صاحب شما فرامی‌خواند.

۴. آیین یمانی

از روایات فراوانی که پرچم یمانی را هدایت یافته‌ترین پرچم‌ها معرفی می‌کنند به روشنی استفاده می‌شود که یمانی پیرو مذهب اهل بیت و تابع آیین حق می‌باشد و در برخی از احادیث به این معنی تصریح شده است:

هنگامی که فتنه ابو مسلم خراسانی رخ داد و به صورت ظاهر آنها حق اهل بیت را مطالبه می‌کردند، در میان مردم او را طالب الحق نام نهادند. برخی از شیعیان روایات یمانی را با او تطبیق کردند و به محضر امام صادق علیه السلام عرضه داشتند: امیدواریم که او همان یمانی باشد. امام علیه السلام فرمود:

لَا، الْيَمَانِي يُوَالِي عَلِيًّا علیه السلام وَ هَذَا يَبْرَأُ (مِنْهُ)؛^(۲)

نه، زیرا یمانی از علی علیه السلام پیروی می‌کند، در حالی که او بیزاری می‌جوید.

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۵، ب ۱۴، ح ۱۲.

۲. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۶۱، م ۳۵، ح ۱۹؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷،

ص ۲۹۷؛ همو، ج ۵۲، ص ۲۷۵، ح ۱۷۰.

۵. نسب یمانی

یکی از اصحاب در محضر امام صادق علیه السلام حضور داشت، مشاهده نمود که آن حضرت در ضمن تعقیبات نماز ظهر عرضه می دارد:

بار خدایا برای ولیت و فرزند پیامبرت، که با اذن تو به سویت
فرا می خواند، وعدهات را محقق فرما.

عرضه داشت: آیا این دعا در حق شما بود؟ فرمود:

دَعَوْتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَائِقِيهِمْ وَ الْمُتَّقِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ
أَعْدَائِهِمْ؛

من برای نور آل محمد، سگاندار آنان و منتقم از دشمنان آنها
به فرمان خدا، دعا کردم.

عرض کرد: جانم به فدایت، او کی ظاهر می شود؟ فرمود:

إِذَا شَاءَ مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ؛

هنگامی که صاحب فرمان و آفریدگار جهان اراده کند.

پرسید: آیا ظهور او نشانه ای دارد؟ فرمود: بلی، عرض کردم:

مثلاً؟ فرمود:

خُرُوجُ رَايَةٍ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَ رَايَةٍ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَ فِئْتَةٌ
تُظِلُّ أَهْلَ الزُّورَاءِ، وَ خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّي زَيْدٍ
بِالْيَمَنِ، وَ انْتِهَابُ سِتَارَةِ الْبَيْتِ؛^(۱)

۱. سید بن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۷۱؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۲.

خروج پرچمی از مشرق و پرچمی از غرب، و فتنه‌ای که اهل بغداد را فراگیرد، و خروج مردی از تبار عمویم زید در یمن و به یغما رفتن پرده کعبه.

اگر در این حدیث شریف منظور از خروج مردی از یمن، خروج یمانی موعود باشد، حدیث صریح است در این که وی از تبار حضرت زید شهید است.

۶. اسم و لقب یمانی

در احادیث معصومین علیهم‌السلام در مورد نام و نشان یمانی چیزی به دست ما نرسیده است، ولی در میان اخبار ملاحم سر نخ‌هایی وجود دارد:

۱. سطح کاهن در ضمن پیشگویی‌های بسیار طولانی که برای ذی‌یزن پادشاه یمن مطرح ساخته، نشانه‌های ظهور حضرت مهدی از تبار حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را برشمرده، در ادامه می‌گوید:

ثُمَّ يَخْرُجُ مَلِكٌ مِنَ الْيَمَنِ، مِنْ صَنْعَاءَ وَ عَدَنَ، أبيضُ
كَالشَّطَنِ، اسْمُهُ حُسَيْنٌ أَوْ حَسَنٌ، فَيَذْهَبُ بِخُرُوجِهِ غَمْرُ
الْفِتَنِ؛ فَهُنَاكَ يَظْهَرُ مُبَارَكًا زَكِيًّا هَادِيًا مَهْدِيًّا وَ سَيِّدًا
عَلَوِيًّا، فَيَفْرَحُ النَّاسُ إِذَا آتَاهُمْ بِمَنْ أَلَّهِ الَّذِي هَدَاهُمْ،
فَيَكْشِفُ بِنُورِهِ الظُّلْمَاءَ وَ يَظْهَرُ بِهِ الْحَقُّ بَعْدَ الْخِفَاءِ، وَ
تُفَرِّقُ الْأَمْوَالَ بَيْنَ النَّاسِ بِالسَّوَاءِ، وَ يَعْمُدُ السَّيْفَ فَلَا
يَسْفِكُ الدِّمَاءَ، وَ يَعِيشُ النَّاسُ فِي الْبُشْرِ وَ الْهَنَاءِ، وَ يَغْسِلُ

بِمَاءٍ عَذْلِهِ عَيْنَ الدَّهْرِ مِنَ الْقَدَى، وَ يَزِدُّ الْحَقَّ عَلَى أَهْلِ
الْقُرَى، وَ يَكْتُرُ فِي النَّاسِ الضِّيَافَةَ وَ الْقِرَى، وَ يَرْفَعُ بِعَذْلِهِ
الْفَوَايَةَ وَ الْعَمَى، كَأَنَّهُ كَانَ غُبَاراً فَانْجَلَى، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ
قِسْطاً وَ عَدْلًا وَ الْآيَامَ حُبّاً، وَهُوَ عَلِمُ السَّاعَةِ بِلَا امْتِرَاءٍ؛^(۱)

سپس پادشاهی از یمن، از صنعا و عدن پدیدار شود که چون
پنبه سفید باشد، نامش حسن و یا حسین می باشد. با خروج
او امواج فتنه ها درهم می شکند. آنگاه حضرت مهدی، آن
فرخنده مبارک، آن هادی هدایت گر، آن سید علوی ظاهر
می شود، همگان از این عنایت الهی خوشنود شوند، با نور او
تاریکی رخت بر می بندد، حق پس از اختفا آشکار گردد، او
ثروت را به طور مساوی تقسیم کند، شمشیر را غلاف کند،
دیگر خونی ریخته نشود، مردمان در شادی و زندگی گوارا
فرو روند، با عدالت او خس و خاشاک از چشم روزگار
زدوده شود، حق به اهالی روستاها بازگردد، مهمانداری
و مهمان نوازی فراوان شود، با عدالت او کوری و گمراهی
از بین برود، همانند گرد و خاکی که با صاف شدن هوا
ناپدید می گردد، روی زمین را پر از عدل و داد نماید، و مهر
و محبت را به جهانیان ارزانی دارد. او بی گمان از نشانه های
رستاخیز است.

بخش آغازین این پیشگویی را مرحوم راوندی از ابن عباس روایت

۱. حافظ برسی، مشارق انوار الیقین، ص ۲۴۷؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱،

ص ۱۶۳؛ کاظمی، بشارة الاسلام، ص ۲۵۴.

ویژگی‌های یمانی / ۶۳

کرده^(۱) و قسمت اعظم آن را ابن المنادی با سلسله اسنادش از ابن عباس نقل کرده است.^(۲)

حافظ ابونعیم اصفهانی نیز برخی از پیشگویی‌های او را پیرامون تولد پیامبر رحمت، با سلسله اسنادش آورده و آنها را از دلایل نبوت پیامبر رحمت برشمرده، ابن هشام نیز برخی از پیشگویی‌های او را در همین رابطه آورده است.^(۳)

پیشگویی‌های سطح علی‌رغم این همه توجه محدثان و سیره نویسان حجّت شرعی نیست، ولی تنها منبعی است که از نام یمانی و سیمای نورانی او سخن گفته است.

۲. در شماری از احادیث ملاحم و فتن از یمانی به عنوان: **أَمِيرُ الْعُصْبِ** تعبیر شده:

نعیم بن حماد از ارطاة نقل کرده که گفت:

أَمِيرُ الْعُصْبِ يَمَانِي؛

فرمانده سپاهان یمانی است.

آنگاه از ولید نقل کرده که گفت: در دانش کعب چنین است که:

يَمَانِي قُرَشِي، وَ هُوَ أَمِيرُ الْعُصْبِ؛^(۴)

۱. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۲۱۲.

۲. ابن المنادی، الملاحم، ص ۴۹-۵۳، ح ۱۰.

۳. ابونعیم، دلایل النبوة، ج ۱، ص ۱۲۲، ۱۲۵ و ۱۴۰، ح ۶۹، ۷۰ و ۸۲. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۲۸، ۱۵۸، ۱۹۰-۱۹۴.

۴. نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۲۰۸.

او یمانی و قرشی است و او فرمانده سپاهیان است.

در حدیث دیگری تصریح شده که منظور از «عُصَب» یمنی‌ها می‌باشد. (۱)

۳. و در برخی احادیث از او منصور تعبیر شده، از جمله:
عبدالله بن عمرو، خطاب به اهالی یمن گفت:

يَا مَعْشَرَ الْيَمَنِ تَقُولُونَ إِنَّ الْمَنْصُورَ مِنْكُمْ، وَالَّذِي نَفْسِي
بِيَدِهِ إِنَّهُ لَقُرْشِي أَبُوهُ، وَلَوْ أَشَاءُ أَنْ أُسَمِّيَهُ إِلَى أَقْصَى جَدِّ
هُوَ لَهُ لَفَعَلْتُ؛ (۲)

ای جماعت یمن شما می‌گویید که «منصور» از شماست،
سوگند به خدایی که جانم در اختیار اوست، او از سوی
پدر از قریش است، اگر بخواهم نسب او را تا آخرین نیایش
برمی‌شمارم.

۷. سپاه یمانی

در احادیث فراوان از سپاه یمانی ستایش شده، از جمله:

يُطِيعُهُ أَهْلُ الْيَمَنِ وَ تَقْبِلُ الْجِيُوشُ أَمَامَهُ مِنَ الْيَمَنِ قُرْسَانُ
هَمْدَانَ وَ خَوْلَانَ؛ (۳)

اهالی یمن از او اطاعت می‌کنند، سپاهیان از یمن پیشاپیش او

۱. همان، ص ۱۲۰، ح ۲۸۲؛ سید بن طاووس، التشریف باليمن، ص ۷۷، ب ۲۰، ح ۲۲.

۲. ابن حماد، الفتن، ص ۳۰۰، ح ۱۱۵۳.

۳. سید بن طاووس، التشریف باليمن، ص ۲۹۵، ب ۷۹، ح ۴۱۷.

حرکت می‌کنند، تک‌سواران همدان و خولان.

رسول اکرم ﷺ در حدیث دیگری فرمود:

وَأَهْلُ الْيَمَنِ حَتَّى يَأْتُوهُ فَيُبَايِعُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛^(۱)

اهالی یمن به سوی آن حضرت می‌شتابند و در میان رکن و

مقام با وی بیعت می‌کنند.

۸. تقارن یمانی با جنبش حسنی

در احادیث فراوان از تقارن خروج یمانی با حرکت سید حسنی

گفتگو شده، از جمله:

کلینی از یعقوب سراج روایت کرده که به محضر امام صادق ﷺ

عرضه داشت: فرج شیعیان شما کی می‌باشد؟ فرمود:

إِذَا اِخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهِيَ سُلْطَانُهُمْ وَ طَمَعَ فِيهِمْ مَنْ

لَمْ يَكُنْ يَطْمَعُ فِيهِمْ وَ خَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعْنَئَهَا، رَفَعَ كُلُّ ذِي

صَيْصِيَةِ صَيْصِيَّتَهُ وَ ظَهَرَ الشَّامِيُّ وَ أَقْبَلَ الْيَمَانِيُّ وَ تَحَرَّكَ

الْحَسَنِيُّ وَ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ

بِتَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛^(۲)

هنگامی که اولاد عباس دچار اختلاف شوند و قدرتشان

ضعیف شود و طمع کند در آنها افرادی که طمع نمی‌کردند، هر

صاحب قدرتی اسحله‌اش را بردارد، شامی (سفیانی) پدیدار

۱. همان، ص ۲۸۱، ب ۷۰، ح ۴۰۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۸۹، ح ۲۸۵.

گشته، یمانی روی آورده، حسنی به حرکت درآمده، صاحب این امر با مواریث رسول اکرم ﷺ از مدینه به سوی مکه عزیمت کند.

در این حدیث شریف از تقارن خروج یمانی با جنبش سید حسنی و ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه گفتگو شده، و همانند ده ها حدیث دیگر از تقارن آنها با زوال دولت عباسی سخن رفته است.

این حدیث از نظر سندی محکم و استوار است، مرحوم کلینی آن را با چهار واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده، که هر چهار نفر مورد وثوق هستند:

۱. محمد بن یحیی العطار

مرحوم نجاشی او را با عناوینی چون: شیخ زمان خود، ثقة، عین و کثیر الحدیث ستوده است. (۱)

۲. احمد بن محمد بن عیسی

شیخ طوسی بر وثاقت او تصریح کرده است. (۲)

۳. حسن بن محبوب

او را نیز شیخ طوسی توثیق نموده است. (۳)

۴. یعقوب سراج

نجاشی بر وثاقت او تصریح کرده است. (۴)

۱. نجاشی، الرجال، ص ۳۵۲، رقم ۹۴۶.

۲. شیخ طوسی، الرجال، ص ۳۶۶.

۳. همو، الفهرست، ص ۹۶، رقم ۱۶۲.

۴. نجاشی، الرجال، ص ۴۵۱، رقم ۱۲۱۷.

علامه مجلسی پس از نقل حدیث یاد شده بر صحت آن تأکید کرده است. (۱)

از این حدیث که سندش بسیار محکم و استوار است، استفاده می‌شود که دولت عباسی تا آستانه قیام یمانی پابرجا می‌باشد، در حالی که دولت بنی عباس با خروج هولاکو خان به سال ۶۵۶ هـ. منقرض گردید. با توجه به تأکید فراوان در احادیث معصومین علیهم‌السلام بر امتداد دولت عباسیان تا هنگامه ظهور، بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که پیش از هنگامه ظهور دولتی پدید می‌آید که بنیانگذاران آن از تبار عباسیان و یا بر شیوه آنان می‌باشد.

حسن بن جهم می‌گوید: به محضر امام رضا علیه‌السلام عرض کردم: اینها می‌گویند: سفیانی هنگامی خروج می‌کند که دولت بنی عباس منقرض شده باشد. فرمود:

كَذَّبُوا، إِنَّهُ يَقُومُ وَإِنَّ سُلْطَانَهُمْ لَقَائِمٌ؛ (۲)

دروغ گفته‌اند، سفیانی در حالی خروج می‌کند که دولت آنها پابرجا می‌باشد.

حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام در این رابطه فرمود:

مُلْكُ بَنِي الْعَبَّاسِ مَكْرٌ وَ خَدَعٌ، يَذْهَبُ حَتَّى يُقَالَ: لَمْ يَبْقَ

مِنْهُ شَيْءٌ، ثُمَّ يَتَجَدَّدُ حَتَّى يُقَالَ: مَا مَرَّ بِهِ شَيْءٌ؛ (۳)

۱. علامه مجلسی، مرآت العقول، ج ۲۶، ص ۱۵۵، ح ۲۸۵.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۳، ب ۱۸، ح ۱۱.

۳. همان، ص ۳۰۲، ح ۹.

دولت بنی عباس سر تا سر مکر و حيله است، از بين می رود به طوری که گفته می شود هیچ اثری از آن نمانده است، سپس از نو تجدید می شود، به طوری که گفته می شود: هیچ حادثه‌ای بر آن پیش نیامده بود.

بر این اساس روایات فراوان دلالت روشن دارند بر اینکه دولت بنی عباس تا آستانه ظهور ادامه دارد و هلاکت آنها به وسیله سفیانی و یمانی خواهد بود. و در حدیثی آمده که هلاکت آنها به وسیله خراسانی و یمانی می باشد.^(۱)

۹. کارکرد یمانی

در احادیث فراوان از پیکار سخت و نبرد طاقت فرسای یمانی با سپاه سفیانی گفتگو شده که به جهت محدود بودن صفحات کتاب از آنها چشم پوشی می کنیم و اشاره می کنیم که علاوه بر لشکرکشی ها و درگیری های یمانی با سپاه سفیانی در نقاط مختلف عراق، در بیت المقدس نیز با سپاه قریش درگیر می شود و آنها را تار و مار می کند،^(۲) در عکا نیز حادثه شگفتی پدید می آورد،^(۳) همانند دو اسب مسابقه سپاه سفیانی را دنبال می کند^(۴) و همه آنها را تار و مار می کند،

۱. همان، ص ۲۵۹، ح ۱۸.

۲. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۳۰۰، ح ۱۱۵۱.

۳. همان، ح ۱۱۵۰.

۴. نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۵، ب ۱۸، ح ۱۵.

حتی گزارشگری از آنها باقی نمی‌گذارد.^(۱)

۱۰. لزوم همیاری با سپاه یمانی

در احادیث فراوان از یمانی ستایش شده و تصریح شده که در میان پرچم‌هایی که در آن روز در اهتزاز خواهد بود، پرچمی هدایت یافته‌تر از پرچم یمانی وجود ندارد و در برخی از آنها بر ضرورت یاری کردن او تأکید شده و اینک متن حدیث:

امام باقر علیه السلام در ضمن یک حدیث بسیار طولانی می‌فرماید:

فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَمَ بَيْعِ السِّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَكُلِّ مُسْلِمٍ، وَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَأَنْهَضْ إِلَيْهِ، فَإِنَّ رَايَتَهُ رَايَةٌ هُدًى، وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِيَ عَلَيْهِ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى السَّحَقِ وَإِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ؛^(۲)

هنگامی که یمانی خروج کند فروختن اسلحه بر مردمان، حتی دیگر مسلمانان جایز نیست، چون یمانی خروج کند به سویش بشتاب، زیرا پرچم او پرچم هدایت است، هر هیچ مسلمان جایز نیست که بر او بتازد، زیرا او به سوی حق و به راه راست فرامی‌خواند.

یمانی در احادیث ملاحم و فتن جایگاه بسیار رفیعی دارد، ما به

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۲۲، ذیل آیه ۵۱ از سوره سیأ.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۶، ب ۱۴، ح ۱۳.

همین مقدار بسنده می‌کنیم و دامن از شرح و بسط بیشتر فرامی‌چینیم، فقط اشاره می‌کنیم که بر اساس روایتی که فضل بن شاذان با سند صحیح از امام رضا علیه السلام روایت کرده، سفیانی و پسر سفیانی به دست یمانی کشته می‌شوند^(۱) و این منافات ندارد با احادیثی که ذبح آنها را توسط حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداء بیان کرده‌اند، زیرا حضرت فرمان صادر می‌کند و یمانی اجرا می‌کند و در نتیجه به هر دو نسبت داده می‌شود.

۱. فضل بن شاذان، اثبات الرجعة، مخطوط، «مختصر اثبات الرجعة»، تراثنا، ش ۱۵، ص ۲۱۵، ح ۱۶؛ میرلوحی، کفایة المهتدی، ص ۲۶۲؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۶۹.

بانگ آسمانی

سومین نشانه از نشانه‌های حتمی که مقارن ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه رخ می‌دهد، بانگ آسمانی است.

در احادیث معتبر و قابل استنادی که در قسمت آغازین این بخش نقل کردیم و سند آنها را بررسی کرده، صحت آنها را اثبات نمودیم، بانگ آسمانی نیز در شمار نشانه‌های حتمی آمده بود که دیگر تکرار نمی‌کنیم.

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام به صراحت می‌فرماید:

الْبَدَأُ مِنَ الْمَخْتُومِ؛^(۱)

بانگ آسمانی از نشانه‌های حتمی است.

و در حدیث دیگری فرمود:

أَخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ مِنَ الْمَخْتُومِ وَالنِّدَاءُ مِنَ الْمَخْتُومِ؛^(۲)

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۲، ب ۱۴، ح ۱۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۵۸، ح ۴۸۴.

اختلاف بنی عباس از نشانه‌های حتمی است و ندای آسمانی
از نشانه‌های حتمی است.

در توقیع شریفی که از ناحیه مقدسه به افتخار آخرین سفیر از
سفرای چهارگانه صادر شده، از پایان یافتن سفارت و فرارسیدن غیبت
کبری سخن رفته است، آمده است:

أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ
فَهُوَ كَاذِبٌ مَفْتَرٌ؛^(۱)

آگاه باش که هر کس پیش از خروج سفیانی و ندای آسمانی
ادعای مشاهده کند او دروغگوی افتراپرداز است.

این توقیع شریف نیز به حتمی بودن ندای آسمانی اشعار می‌دارد.
این احادیث سه گانه نیازی به بررسی سندی ندارند، زیرا مضمون
آنها با احادیث صحیح قبلی تأیید می‌شود.

ویژگی‌های بانگ آسمانی

بانگ آسمانی که در لسان احادیث از آن به «ندا»، «صوت» و «صیحه»
تعبیر شده، ویژگی‌های فراوانی دارد که به برخی از آنها در اینجا اشاره می‌کنیم:

۱. قرآن و بانگ آسمانی

مفسران برخی از آیات قرآن کریم را به بانگ آسمانی به هنگام ظهور

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۶، ب ۴۵، ح ۴۴؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۲۹۵.

ح ۳۶۵؛ اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۶۰.

آن مصلح الهی تفسیر کرده‌اند که از آن جمله است:

۱. ﴿ وَ اسْتَمِعْ یَوْمَ یُنَادِی الْمُنَادِی مِنْ مَّكَانٍ قَرِیبٍ ، یَوْمَ

یَسْمَعُونَ الصَّیْحَةَ بِالْحَقِّ ، ذَلِكْ یَوْمُ الْخُرُوجِ ۝ ۱۱)

گوش فرا ده، هنگامی که منادی از جایگاه نزدیکی ندا سر می‌دهد. روزی که صیحه را به حق می‌شنوند، آن روز، روز خروج است.

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه شریفه فرموده:

یُنَادِی الْمُنَادِی بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ آیه؛

منادی با نام قائم و نام پدرش علیه السلام ندا سر می‌دهد.

سپس فرموده: و منظور از صیحه:

صیْحَةُ الْقَائِمِ مِنَ السَّمَاءِ؛ (۲)

بانگ آسمانی مربوط به قائم علیه السلام می‌باشد.

قندوزی در تفسیر این آیه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

یُنَادِی الْمُنَادِی بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ آیه علیه السلام وَ الصَّیْحَةُ

فِی هَذِهِ الْآیَةِ صیْحَةُ مِنَ السَّمَاءِ ، وَ ذَلِكْ یَوْمُ

خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام؛ (۳)

۱. سوره ق (۵۰)، آیه ۴۱ و ۴۲.

۲. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۲۷؛ فیض کاشانی، الصافی، ج ۶، ص ۵۴۳؛

بحرانی، البرهان، ج ۹، ص ۲۰۴؛ همو، المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، ص ۲۰۹.

۳. قندوزی، یتابع المودة، ج ۳، ص ۲۵۱، ب ۷۱، ح ۵۰.

منادی به نام قائم و نام پدرش علیه السلام ندا سر می دهد، و منظور از صیحه در این آیه صیحه آسمانی است، که آن روز، روز خروج قائم علیه السلام است.

آنگاه از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود: منظور از خروج در این آیه شریفه:

أَيُّ خُرُوجٍ وَلَدَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ علیه السلام؛^(۱)

خروج فرزندان حضرت مهدی قائم علیه السلام می باشد.

مرحوم فیض در تفسیر جمله ﴿ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴾ فرموده:

صدای منادی آسمانی به همگان به یک طرز مساوی می رسد.^(۲)

۲. ﴿ إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ

لَهَا خَاضِعِينَ ﴾؛^(۳)

اگر بخواهیم از آسمان برای آنها نشانه‌ای نازل می کنیم که گردن‌هایشان در برابر آن منقاد گردد.

در احادیث فراوان از پیشوایان معصوم علیهم السلام این آیه شریفه به بانگ آسمانی تفسیر شده که به شماری از آنها فقط اشاره می کنیم:

۱. مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

هی آیه تُخْرِجُ الْفِتَاةَ مِنْ خُدْرِهَا، وَ تُوقِظُ النَّائِمَ،

۱. همان، ص ۲۹۷، ب ۷۸، ح ۸.

۲. فیض کاشانی، الصّافی، ج ۶، ص ۵۴۳.

۳. سوره شعراء (۲۶)، آیه ۴.

و تَفْرَعُ الْيَقْظَانَ؛^(۱)

آن نشانه ایست که دوشیزگان را از سرپرده‌ها بیرون می‌کند، خفتگان را بیدار می‌کند و بیداران را به وحشت می‌اندازد.

۲. امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمود:

النِّدَاءُ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ رَجُلٍ وَ أَيْبِهِ؛^(۲)

منظور ندایی از آسمان به نام مردی و نام پدرش می‌باشد.

۳. و در حدیث دیگری فرمود:

نَزَلَتْ فِي قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، يُنَادِي بِاسْمِهِ

مِنَ السَّمَاءِ؛^(۳)

درباره قائم آل محمد، صلوات الله عليهم، نازل شده که به نام او از آسمان ندا می‌شود.

۴. و در ضمن یک حدیث طولانی فرمود:

وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَبَيِّنٌ، حَيْثُ يَقُولُ: ﴿إِنْ

نَشَأْ...﴾ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ أَحَدٌ إِلَّا خَضَعَ وَذَلَّتْ

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۱، ب ۱۴، ح ۸.

۲. حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۵۹، ح ۵۲۶؛ استرآبادی، الرجعة، ص ۱۶۱.

ح ۸۹؛ بحرانی، البرهان، ج ۷، ص ۲۱۵، ح ۱۱؛ همو، المحجة، ص ۱۶۰.

۳. سید شرف‌الدین، تأویل الآيات الباهرة، ج ۱، ص ۳۸۶؛ شیخ حرّ، اثبات الهداة، ج ۳،

ص ۵۶۳، ب ۳۲، ح ۶۴۲؛ بحرانی، البرهان، ج ۷، ص ۲۱۳، ح ۸؛ حلیة الأبرار، ج ۵،

ص ۲۹۳، ب ۳۰، ح ۸.

رَقَبَتُهُ لَهَا؛^(۱)

به خدا سوگند این در کتاب خدای عزوجل آشکار است، آنجا که می فرماید: «اگر بخواهیم...» در آن روز احدی در روی زمین نمی ماند جز اینکه سر فرود آورد و گردنش در برابر آن بانگ آسمانی منقاد شود.

۵. رئیس مذهب حقه، امام جعفر صادق علیه السلام در این رابطه فرمود:

أَمَّا إِنْ النَّدَاءَ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبَّيْنُ؛

به خدا سوگند بانگ آسمانی به نام قائم علیه السلام در کتاب خدا آشکار است.

راوی پرسید: در کجای آن؟ فرمود: در: ﴿طَسَمَ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ

الْمُبِينِ﴾ آیه شریفه: ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ...﴾ سپس فرمود:

إِذَا سَمِعُوا الصَّوْتِ أَصْبَحُوا وَكَأَنَّمَا عَلَى رُؤُسِهِمُ الطَّيْرُ؛^(۲)

هنگامی که آن بانگ را می شنوند به حالی در می آیند که گویی بر سرشان پرنده است.

۶. و در حدیث دیگری فرمود:

إِنَّ الْقَائِمَ لَا يَقُومُ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ تَسْمَعُ الْفَتَاةُ

فِي خِدْرِهَا وَ يَسْمَعُ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ؛

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۰، ب ۱۴، ح ۱۹؛ بحرانی، البرهان، ج ۷، ص ۲۱۲، ح ۴؛ همو، حلیة الابرار، ج ۵، ص ۲۹۱، ب ۳۰، ح ۴.

۲. نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۳، ب ۱۴، ح ۲۳؛ بحرانی، المحجة، ص ۱۵۷؛ همو، حلیة الابرار، ج ۵، ص ۲۹۵، ب ۳۰، ح ۱۱.

بانگ آسمانی / ۷۷

قائم علیه السلام قیام نمی‌کند جز هنگامی که منادی از آسمان بانگ برآورد، که آن را در سرایرده‌ها به گوش دوشیزگان و در شرق و غرب به گوش جهانیان برساند.

سپس فرمود: و در همین رابطه نازل شده آیه شریفه: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلُ...﴾ (۱).

۷. عمر بن حنظله نشانه‌های حتمی را از امام صادق علیه السلام استماع کرده، عرضه می‌دارد: اگر پیش از تحقق این نشانه‌ها یکی از اهل بیت شما خروج کند، آیا ما نیز با او همراهی کنیم؟ امام علیه السلام می‌فرماید: «نه».

روز بعد به محضر امام رسیده آیه شریفه را تلاوت می‌کند و عرضه می‌دارد: آیا این همان بانگ آسمانی است؟ امام علیه السلام می‌فرماید:

أَمَّا لَوْ كَانَتْ خَضَعَتْ أَعْنَاقُ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ (۲)

هنگامی که این نشانه رخ دهد، گردن دشمنان خدای تبارک و تعالی در برابر آن خاضع می‌شود.

قبلاً این حدیث را بررسی کردیم و صحت سند آن را اثبات نمودیم.

۸. و در حدیث دیگری در همین رابطه فرمود:

تَخْضَعُ رِقَابُهُمْ يَغْنَى بَنِي أُمِيَّةَ وَ هِيَ الصَّيْحَةُ مِنَ السَّمَاءِ

۱. شیخ طوسی، الغيبة، ص ۱۷۷، ح ۱۲۴؛ شیخ حر، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۲، ح ۲۹۰؛

علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵، ح ۱۵.

۲. کلینی، الکافی، ح ۸، ص ۲۵۸، ح ۴۸۲؛ بحرانی، حلیة الأبرار، ج ۵، ص ۲۸۹، ب ۳۰، ح ۱.

بِاسْمِ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛^(۱)

گردنهایشان یعنی: گردن‌های بنی امیه در برابر آن، یعنی صیحه آسمانی که به نام صاحب این امر ندا می‌شود، خاضع می‌شوند.

۹. عماره همدانی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: برخی ما را نکوهش می‌کنند و می‌گویند شما تصور می‌کنید که بانگی از آسمان شنیده خواهد شد، امام علیه السلام فرمود:

لَا تَزِرُ عَنِّي، وَازِرِهِ عَنِّي، كَأَنَّ أَبِي يَقُولُ: هُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلُ...﴾؛^(۲)

شما از من روایت نکنید، از پدرم روایت کنید، پدرم می‌فرمود که آن (بانگ آسمانی) در قرآن کریم است: «اگر بخواهیم...».

۱۰. حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی فرمود:

وَ هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ، يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ؛

او همان امامی است که منادی آسمانی از آسمان بانگ بر آورده به سوی او فرامی‌خواند، این ندا را همه اهالی زمین می‌شنوند.

۱. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱۸؛ شیخ حر، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۵۲، ب ۳۲، ح ۵۷۵؛ فیض کاشانی، الصافی، ج ۵، ص ۳۱۶.
 ۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۱، ب ۱۴، ح ۲۰؛ بحرانی، البرهان، ج ۷، ص ۲۱۲، ح ۵؛ همو، حلیة الابرار، ج ۵، ص ۲۹۱، ب ۳۰، ح ۴.

و در پایان فرمود:

این همان سخن خدای عزوجل است که فرمود: ﴿إِنْ
نَشَأْ...﴾ (۱)

حموینی متن کامل این حدیث شریف را با سلسله اسنادش از امام
رضا علیه السلام روایت کرده است. (۲)

۲. محتوای بانگ آسمانی

در احادیث فراوان مضمون و محتوای بانگ آسمانی بیان شده که ما
در اینجا فهرست وار آنها را بر می شماریم:

۱. امام رضا علیه السلام فرمود: بدنی یا قرص خورشید پدیدار شده بانگ می زند:

أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ فُلَانًا عَلَى هَلَاكِ الظَّالِمِينَ؛ فَعِنْدَ ذَلِكَ
يَأْتِي الْمُؤْمِنِينَ الْفَرَجُ وَ يَشْفِي اللَّهُ صُدُورَهُمْ وَ يَذْهَبُ
غَيْظَ قُلُوبِهِمْ؛ (۳)

آگاه باشید که خداوند فلانی را برای هلاک کردن ستمگران
برانگیخت. در آن هنگام فرج مؤمنان فرا می رسد، خداوند
سینه های آنان را شفا می دهد و خشم دل هایشان را می زداید.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲، ب ۲۵، ح ۵؛ خزّاز، کفاية الاشر، ص ۲۷۱؛

طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۴۱؛ فیض کاشانی، الصافی، ج ۵، ص ۳۱۶.

۲. حموینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۲۷، ح ۵۹۰؛ قندوزی، ينابيع المودة، ج ۳،
ص ۲۹۷، ب ۷۸، ح ۸.

۳. نعمانی، الغيبة، ص ۱۸۱، ب ۱۰، ح ۲۸؛ حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۷۸.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: منادی آسمانی به نام صاحب این امر بانگ زده می گوید:

أَلَا إِنَّ الْأَمْرَ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، فَفِيمَ الْقِتَالِ؛^(۱)

آگاه باشید که فرمان از آن فلان پسر فلان است، دیگر بیکار برای چیست؟!

۳. ابن حماد با اسناد خود از سعید بن مسیب روایت کرده که فتنه ها پایان نپذیرد جز باندای منادی آسمانی که بانگ برآورد:

أَلَا إِنَّ الْأَمِيرَ فُلَانٌ؛

آگاه باشید که امیر فلانی است.

وی دست هایش را درهم پیچید و سه بار گفت:

ذَلِكَ الْأَمِيرُ حَقًّا؛^(۲)

اوبه حق امیر است.

۴. سعید بن مسیب در نقلی دیگر گفت: اختلاف و پراکندگی پیش می آید، تا هنگامی که دستی از آسمان پدیدار گردد و منادی آسمان بانگ برآورد که:

أَلَا إِنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ؛^(۳)

آگاه باشید که امیر شما فلانی است.

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۶، ب ۱۴، ح ۳۳.

۲. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۶۴، ح ۹۸۱؛ متقی هندی، البرهان، ص ۷۴، ب ۱، ح ۵؛

ابن المنادی، الملاحم، ص ۱۹۶، ح ۱۴۴.

۳. نعیم، الفتن، ص ۲۶۶، ح ۹۹۰.

از ارطاة نیز همین تعبیر نقل شده است.^(۱)

۵. نعیم بن حمّاد از زُهری روایت کرده که گفت: هنگامی که حضرت مهدی آماده رو در رویی با سفیانی شود، بانگی از آسمان شنیده شود که می‌گوید:

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ أَصْحَابُ فَلَانِ (المهدی)؛^(۲)

آگاه باشید که اولیای خدا یاران فلان، یعنی مهدی علیه السلام می‌باشند.

۶. امام رضا علیه السلام در شمار نشانه‌های حضرت مهدی علیه السلام از بانگ آسمانی و فراگیر بودن آن سخن گفته، در پایان می‌فرماید: منادی آسمانی به سوی او فرامی‌خواند و می‌گوید:

أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ، فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيهِ؛^(۳)

آگاه باشید که حجّت خدا در کنار خانه خدا ظهور کرده، از او پیروی کنید که حق با او و در اوست.

حموینی عین همین تعبیر را با سلسله اسناد خود از امام رضا علیه السلام روایت کرده است.^(۴)

۱. همان، ص ۲۶۷، ح ۹۹۳.

۲. همان، ص ۲۶۶، ح ۹۹۲؛ متقی هندی، البرهان، ص ۷۵، ح ۱۲.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۲، ب ۳۵، ح ۵؛ خزاز، کفایة الأثر، ص ۲۷۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۴۱.

۴. حموینی، فرائد السّمطین، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۵۹۰؛ قندوزی، یسایع المودّة، ج ۳، ص ۲۹۷، ب ۷۸، ح ۸.

۷. ابن حمّاد از امام باقر علیه السلام روایت کرده که منادی از آسمان بانگ برآورده می‌گوید:

أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ؛^(۱)

آگاه باشید که حق در آل محمد علیهم السلام است.

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که مردم اولین بانگ آسمانی را بشنوند که می‌گوید:

أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَشِيعَتِهِ؛

آگاه باشید که حق در علی بن ابیطالب و شیعیان آنحضرت است.

همگی ایمان می‌آورند.^(۲)

۹. ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام پرسید: بانگ آسمانی چگونه خواهد بود؟ فرمود: منادی آسمانی در اول روز بانگ بر می‌آورد:

أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ؛^(۳)

آگاه باشید که حق در علی و شیعیان اوست.

۱۰. نعیم بن حمّاد با سلسله اسنادش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: در محرم سال ظهور منادی از آسمان ندا می‌کند که:

أَلَا إِنَّ صَفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فُلَانٌ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَاطِيعُوا؛^(۴)

۱. نعیم بن حمّاد، الفتن، ص ۲۶۴، ح ۹۸۲.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۰، ب ۱۴، ح ۱۹.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲، ب ۵۷، ح ۱۴.

۴. نعیم بن حمّاد، الفتن، ص ۲۶۶، ح ۹۸۸، متقی هندی، البرهان، ص ۷۵.

بانگ آسمانی / ۸۳

برگزیده خدا از میان مردمان فلانی است، به فرمانش گوش
فرا دهید و از او اطاعت کنید.

۱۱. در نقل حمیری از امام رضا علیه السلام آمده است که بدنی در قرص
خورشید مشاهده می شود که می گوید:

إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ فُلَانًا فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا؛^(۱)

خداوند فلانی را برانگیخته، به او گوش فرا دهید و از او
اطاعت کنید.

۱۲. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فتنه ای رخ می دهد که اگر یک طرفش
آرام شود، طرف دیگرش شعله ور گردد، تا هنگامی که منادی از آسمان
بانگ بر آورد که:

إِنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ؛^(۲)

امیر شما فلانی است.

۱۳. سلمی از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده که فرمود: هنگامی که
منادی از آسمان ندا کند:

إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ؛

حق در آل محمد صلی الله علیه و آله است.

در آن هنگام مهدی علیه السلام ظاهر شود.^(۳)

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۴۰، ح ۴۳۱؛ حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۰۹.

ح ۱۰۹؛ مسعودی، اثبات الوصیة، ص ۲۲۷.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۷۱، ب ۱، ح ۱.

۳. ۱۹۷.۲. مقدسی سلمی، عقد الدرر، ص ۱۰۶، ب ۴.

۱۴. ابن منادی از آن حضرت روایت کرده که فرمود: هنگامی که منادی از آسمان بانگ برآورد:

إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ؛

حق در آل محمد علیهم السلام است.

نام مهدی علیه السلام بر سر زبان‌ها می‌افتد، مهر او بادل‌ها عجین شود، نام دیگری بر زبان مردم نباشد. (۱)

۱۵. امام صادق علیه السلام فرمود: منادی از آسمان ندا می‌کند:

إِنَّ فُلَانًا هُوَ الْأَمِيرُ؛

فلانی امیر است.

منادی دیگر بانگ برآورد:

إِنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْقَائِمُونَ؛ (۲)

به راستی علی و شیعیانش رستگارانند.

۱۶. امام باقر علیه السلام فرمود: امر ما از آفتاب آشکارتر است. سپس

فرمود: منادی از آسمان ندا سر می‌دهد:

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ هُوَ الْإِمَامُ (بِأَسْمِهِ)؛

فلان پسر فلانی امام است.

از او نام می‌برد. (۳)

۱. ابن المنادی، الملاحم، ص ۱۹۶، ج ۱۴۳: متقی هندی، البرهان، ص ۷۳.

۲. نعمانی، الفییه، ص ۲۶۴، ج ۲۸.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰، ب ۵۷، ج ۴.

۱۷. و در حدیث دیگر فرمود: منادی ندا می‌کند:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَانُ بْنُ فُلَانٍ - بِاسْمِهِ
وَ اسْمِ أَبِيهِ -؛

مهدی آل محمد علیه السلام، فلان پسر فلانی است.

با نام خود و نام پدرش. (۱)

۱۸. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که مهدی علیه السلام خروج کند،

فرشته‌ای از بالای سرش بانگ بر می‌آورد:

إِنَّ هَذَا مَهْدِيٌّ فَاتَّبِعُوهُ؛ (۲)

به راستی این مهدی است، پس از او پیروی کنید.

۱۹. حذیفه گوید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: چون هنگامه

ظهور قائم علیه السلام فرا رسد، منادی از آسمان بانگ برآورد:

أَيُّهَا النَّاسُ قُطِعَ عَنْكُمْ مَدَّةُ الْجَبَّارِينَ وَ وَلِيَ الْأَمْرَ خَيْرُ أُمَّةٍ
مُحَمَّدٍ، فَالْحَقُّوا بِمَكَّةَ؛ (۳)

هان ای مردمان روزگار جبّاران سیری شد و بهترین فرد

امت پیامبر صلی الله علیه و آله زمام امور را به دست گرفت، پس خود را به

مکه برسانید.

۲۰. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: بانگ آسمانی چه بانگی می‌زند؟

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۴، ح ۲۷.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۷۲، ب ۱، ح ۲.

۳. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴، ح ۷۳.

فرمود:

يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ؛^(۱)

منادی ندا سر می دهد به نام قائم علیه السلام و نام پدرش.

۲۱. امام باقر علیه السلام فرمود: چون بانگ آسمانی را در ماه رمضان

شنیدید هیچ تردیدی به خود راه ندهید که آن صدای جبرئیل است و

نشانه اش این است که:

يُنَادِي بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ وَ اسْمِ أَبِيهِ؛^(۲)

با نام مهدی و نام پدرش علیه السلام ندا سر می دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود: این امر در حالی رخ می دهد که مردم بیش از

هر زمان دیگری در نومیدی و در دریای غم غوطه ور باشند، در آن

هنگام است که:

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ؛^(۳)

منادی از آسمان با نام قائم و نام پدرش ندا سر می دهد.

۲۳. سیف بن عمیر گوید: در نزد منصور دوانیقی بودم، ابتداءً

به من گفت: ای سیف بن عمیر! به ناگزیر یک منادی خواهد

بود که:

يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛

از آسمان به نام مردی از فرزندان علی بن ابیطالب علیه السلام ندا

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۷، ب ۱۴، ح ۱۵.

۲. متقی هندی، البرهان، ص ۷۴، ب ۱، ح ۷.

۳. نعمانی، الغيبة، ص ۱۸۱، ب ۱۰، ح ۲۹.

سر می دهد .

در ادامه گفت : ای سیف به خدا این حق است ، چون این ندا سر داده شود ما پیش از همگان به آن پاسخ می دهیم ، زیرا این ندا در مورد یکی از عموزادگان ما می باشد .

سیف پرسید : آیا از تبار حضرت فاطمه است ؟ گفت : آری .
آنگاه منصور گفت : ای سیف ، اگر نبود که من آن را از ابو جعفر امام محمد باقر علیه السلام شنیده ام ، اگر همه اهل زمین می گفت ، من آن را نمی پذیرفتم ، ولی چه کنم که او امام محمد باقر است .^(۱)

۲۴ . امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود :

يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ قُمْ؛^(۲)

با نام قائم ندا بر آید که ای فلان پسر فلان برخیز .

۲۵ . امیر مؤمنان علیه السلام فرمود : امر مردم سامان نگیرد و برگرد محوری گرد نیابند ، تا هنگامی که منادی از آسمان بانگ بر آورد که :

عَلَيْكُمْ بِفُلَانٍ، وَ تَطْلُعُ كَفُّ تَشِيرُ؛^(۳)

به سوی فلانی بشتابید . آنگاه کف دستی در آسمان ظاهر شود و به سوی او اشاره کند .

در منابع عامه این حدیث از سعید بن مسیب نقل شده است .^(۴)

۱ . مقدسی سلمی ، عقد الدرر ، ص ۱۱۰ ، ب ۴ ، ف ۲ .

۲ . نعمانی ، الغیبة ، ص ۲۷۹ ، ب ۱۴ ، ح ۶۴ .

۳ . کامل سلیمان ، روزگار رهایی ، ج ۲ ، ص ۸۶۷ ، ح ۱۳۳۱ .

۴ . نعیم بن حماد ، الفتن ، ص ۲۶۵ ، ح ۹۸۵ ؛ متقی هندی ، البرهان ، ص ۷۵ .

برخی از این فرازهای یاد شده از شخص پیامبر ﷺ و برخی از دیگر معصومین ﷺ و برخی دیگر از اصحاب نقل شده، اگر چه آنها تصریح نکرده‌اند که آن را از رسول اکرم ﷺ شنیده‌اند، ولی مضمون آنها در احادیث دیگر از پیشوایان معصوم روایت شده است.

از جمع‌بندی روایات یاد شده به این نتیجه می‌رسیم که مقارن با ظهور موفور السرور حضرت بقیه الله ارواحنا فداء، منادی آسمانی حضرت مهدی ﷺ را با نام خود و نام پدر بزرگوارش معرفی می‌کند و به جهانیان اعلام می‌کند که هان ای اهل عالم:

۱. حجت خدا ظاهر شد.
۲. حق با اوست.
۳. حق با آل محمد ﷺ است.
۴. حق با حضرت علی ﷺ و شیعیان اوست.
۵. خداوند او را برای نابودی ستمگران برانگیخته است.
۶. دیگر دوران ستمگران سپری گردید.
۷. او امیر شماست و فرمان به دست اوست.
۸. از او اطاعت کنید.
۹. به سوی او در مکه معظمه بشتابید.
۱۰. یاران او اولیای پروردگارند.

۳. زبان پیام آسمانی

در همایش‌های بین‌المللی سخنرانان به یکی از زبان‌های رایج

بانگ آسمانی / ۸۹

سخنرانی می‌کنند، مترجم‌های زبردست همزمان آن را به دیگر زبان‌های مورد نیاز ترجمه می‌کنند و شرکت کنندگان از گوشی‌های از پیش تنظیم شده، با زبانی که با آن آشنایی دارند استماع می‌کنند.

بانگ آسمانی بدون نیاز به این ابزارها، به قدرت آفریدگار، برای هر فردی با زبان مادری خود القاء می‌شود و هر کسی آن را با زبان خود می‌شنود، و اینک متن احادیث:

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ عليه السلام؛

منادی به نام قائم علیه السلام ندا سر می‌دهد.

زراره پرسید: آیا این ندا همگانی است یا خصوصی است؟ فرمود:

عَامٌّ، يَسْمَعُ كُلُّ قَوْمٍ بِلِسَانِهِمْ؛^(۱)

همگانی است، هر قومی آن را با زبان خودشان می‌شنوند.

۲. هنگامی که امام صادق علیه السلام نشانه‌های حتمی را بر شمرد، ابو حمزه

ثمالی پرسید: بانگ آسمانی چگونه خواهد بود؟ فرمود:

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ، يَسْمَعُهُ كُلُّ قَوْمٍ

بِأَلْسِنَتِهِمْ؛ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيِّ وَشِيعَتِهِ؛^(۲)

منادی از آسمان ندا سر می‌دهد در اول روز، که هر

قومی آن را با زبان خودشان می‌شنوند، که حق با علی

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰، ب ۵۷، ح ۸.

۲. شیخ طوسی، الغيبة، ص ۴۳۵، ح ۴۲۵؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۹.

و شیعیان اوست.

۳. متقی هندی از مقدسی سلمی نقل کرده که او گفته است:

این ندا همه اهل زمین را فرا می‌گیرد و اهل هر زبانی آن را با
زبان خود می‌شنود.^(۱)

۴. زمان پیام آسمانی

از مجموع احادیث وارده پیرامون بانگ آسمانی استفاده می‌شود که
در آستانه ظهور چندین بار ندای آسمانی شنیده می‌شود، ولی آن ندایی
که از نشانه‌های حتمی است، در ماه رمضان، در شب جمعه، در شب
بیست و سوم خواهد بود و اینک متن احادیث:

۱. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ
شَهْرُ اللَّهِ، وَ الصَّيْحَةُ فِيهِ هِيَ صَيْحَةُ جِبْرِئِيلَ؛

بانگ آسمانی جز در ماه رمضان نخواهد بود، زیرا ماه
رمضان ماه خداست و بانگ آسمانی بانگ جبرئیل است.

سپس فرمود:

يَكُونُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فِي لَيْلَةِ جُمُعَةٍ، لَيْلَةَ ثَلَاثِ
وَعِشْرِينَ، فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ، وَ اسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا؛^(۲)

۱. متقی هندی، البرهان، ص ۷۵، ب ۱، ح ۱۰.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۴، ب ۱۴، ح ۱۳؛ شیخ حر، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۵.

بانگ آسمانی در ماه رمضان، در شب جمعه و در شب بیست و سوم خواهد بود، هرگز در آن تردید نکنید، به آن گوش فرا دهید و از آن پیروی کنید.

۲. امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود:

الصَّيْحَةُ الَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، تَكُونُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ، لِثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مَضِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؛^(۱)

آن صیحه‌ای که در ماه رمضان خواهد بود، در شب جمعه، ۲۳ شب گذشته از آن رخ خواهد داد.

۳. فضل بن شاذان باسند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ علیه السلام فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ يَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ؛^(۲)

در شب بیست و سوم ماه رمضان به نام قائم علیه السلام ندا می‌شود و در روز عاشورا قیام می‌کند.

در روایات فراوان تصریح شده که ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در ۲۳ رمضان و قیام جهانی آن حضرت در روز عاشورا می‌باشد، از جمله:

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۶۵۰، ۶۵۲، ح ۶ و ۱۶.

۲. فضل بن شاذان، اثبات الرجعة، مخطوط؛ «مختصر اثبات الرجعة»، تراثنا، ش ۱۵، ص ۲۱۸، ح ۲۰؛ میرلوحی، کفایة المهتدی، ص ۲۸۶؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۸۷، ح ۳۲؛ شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰، ب ۳۲، ح ۶۸۷؛ محدث نوری، کشف الاستار، ص ۲۲۲.

۴. فضل بن شاذان در حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود:

إِنَّ الْقَائِمَ يُنَادِي بِاسْمِهِ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ
رَمَضَانَ وَ يَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ؛^(۱)

قائم علیه السلام در شب ۲۳ رمضان به نامش بانگ زده می شود و در روز عاشورا قیام می کند.

۵. در برخی از روایات عامه به شب جمعه و ماه رمضان تصریح شده، به شب بیست و سوم اشاره نشده، مانند:

إِذَا كَانَ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ جُمُعَةٍ، فَاسْمَعُوا
وَاطِيعُوا؛^(۲)

چون بانگ در ماه رمضان و شب جمعه رخ دهد، به آن گوش بسپارید و از آن اطاعت کنید.

۶. در برخی دیگر از روایات عامه به سند خود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که در مقام تشریح صیحه رمضان فرمود:

هَذِهِ فِي النِّصْفِ مِنْ رَمَضَانَ، لَيْلَةَ جُمُعَةٍ، فَتَكُونُ هَدْيَةً

۱. فضل بن شاذان، همان؛ میرلوحی، کفایة المهتدی، ص ۲۷۷؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۸۸؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۵۲، ح ۴۵۸؛ شیخ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۴، ب ۳۲، ح ۳۵۲.
۲. متقی هندی، البرهان، ص ۷۴، ب ۱، ح ۷؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۱۰۵؛ مقدسی، فرائد فوائد الفكر، ص ۲۵۸.

بانگ آسمانی / ۹۳

تُوقِظُ النَّائِمَ وَ تَقْعِدُ الْقَائِمَ وَ تُخْرِجُ الْعَوَاتِقَ مِنْ خُدُورِهِنَّ؛
فِي لَيْلَةِ جُمُعَةٍ فِي سَنَةِ كَثِيرَةِ الزَّلَازِلِ؛^(۱)

صبحه ماه رمضان در نیمه آن در شب جمعه می باشد، پس صدای شکستی خواهد بود که خفتگان را بیدار کند، ایستاده‌ها را از پای در آورد، بانوان را از سرپرده‌ها بیرون کند، و آن در شب جمعه، در یک سال پر زلزله خواهد بود.

۷. و در نقلی دیگر فرمود:

إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ النِّصْفِ، لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ، يَكُونُ صَوْتُ مِنَ
السَّمَاءِ، يَضَعُقُ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفًا وَ يَصُمُّ سَبْعُونَ أَلْفًا؛^(۲)

چون شب نیمه و شب جمعه باشد، بانگی از آسمانی شنیده می شود که ۷۰۰۰۰ نفر در اثر آن هلاک شوند و ۷۰۰۰۰ نفر ناشنوا گردند.

در میان روایات یاد شده تنها روایات ۲۳ رمضان معتبر و قابل استناد می باشد، اما روایاتی که از شب نیمه رمضان سخن گفته‌اند به هیچ وجه قابل اعتماد و استناد نیستند، زیرا:

۱. همه آنها از طریق عامه رسیده‌اند و از طریق اهل بیت نرسیده‌اند.
۲. آنها مربوط به ندانمی باشند، بلکه مربوط به یک صدای دلخراش هستند که موجب هلاک شدن، کر و کور شدن می باشند، چنانکه در متن آنها تصریح شده است.

۱. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۱۸۵، ح ۶۴۱.

۲. هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۱۰.

۳. در برخی از آنها به تعبیر « هَدَّةٌ » آمده، مثل روایت هیثمی و حاکم نیشابوری، و « هَدَّةٌ » به معنای صدای فرو ریختن دیوار، کوه و امثال آنها می باشد. (۱)

۴. و در برخی از آنها تعبیر « هَزَّةٌ » آمده، مثل روایت دیلمی، (۲) و آن به معنای حرکت، لرزه و زلزله می باشد. (۳)

۵. پس اگر در برخی از آنها « صوت » تعبیر شده، مانند روایت ثعلبی، (۴) صوت به معنای صدا می باشد و قابل جمع با صدای فرو ریختن دیوار، کوه، زلزله، رانش زمین و امثال آن می باشد.

از این بررسی کوتاه به این نتیجه می رسیم که بانگ آسمانی که از نشانه های حتمی می باشد، در ماه رمضان، در شب جمعه و در شب بیست و سوم آن، مقارن با ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود، و اینک بررسی سندی آن:

سومین روایتی که در این بخش نقل کردیم، فضل بن شاذان آن را با سه واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده:

۱. احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی

نجاشی از دیدار وی با امام رضا و امام جواد علیهما السلام و جلالت قدر او در نزد آن دو امام همام خبر داده (۵) و شیخ طوسی بر وثاقت او تأکید کرده

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۹.

۲. دیلمی، الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۵، ص ۴۵۵، ح ۸۷۲۹.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۸۶.

۴. ثعلبی، الکشف والبیان، ج ۷، ص ۱۵۷؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۳، ص ۸۹.

۵. نجاشی، الرجال، ص ۷۵، رقم ۱۸۰.

است. (۱) و خود از اصحاب اجماع می باشد. (۲)

۲. عاصم بن حمید

نجاشی پیشوای رجالیون او را به صداقت، وثاقت و چشم و چراغ شیعه بودن ستوده است. (۳)

۳. محمد بن مسلم

نجاشی او را به تقوا، فقاہت و وجاہت ستوده، سپس فرموده: از موثق ترین مردمان بود. (۴)

روی این بیان روایت شب ۲۳ رمضان در اوج صحّت می باشد، در مقابل روایات شب نیمه یا چشمپوشی از عامی بودن، حتی از نظر خود عامه مورد اعتماد نمی باشند، زیرا:

۱. محقق فتن نعیم بن حمّاد، سند آن را ضعیف دانسته و سه تن از روایانش را به عنوان ضعیف بر شمرده است. (۵)

۲. حاکم نیز پس از نقل روایت، متن آن را غریب و سند آن را غیر قابل اعتماد دانسته است. (۶)

۳. ذهبی در ذیل مستدرک آن را مجعول، متروک و ساقط از اعتبار

۱. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۶۱، رقم ۶۳؛ همو، الرجال، ص ۳۶۶.

۲. همو، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۶، رقم ۱۰۵۰.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۳۰۱، رقم ۸۲۱.

۴. همان، ص ۳۲۳، رقم ۸۸۲.

۵. ابو عبد الله ایمن محمد محمد عرفة، الفتن، ص ۱۸۵، ذیل ح ۶۴۱.

۶. حاکم، مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۵۱۸.

دانسته است.^(۱)

۴. هیشمی نیز سند آن را متروک معرفی کرده است.^(۲)

روی این بیان سومین نشان از نشانه‌های حتمی بانگ آسمانی است و زمان آن شب جمعه، شب بیست و سوم ماه رمضان می‌باشد.

۵. گستره پیام آسمانی

در روایات فراوان تأکید شده که بانگ آسمانی را همه خلایق می‌شنوند و اینک برخی از روایات:

۱. امام رضا علیه السلام پس از ستایش فراوان از یوسف زهرا می‌فرماید:

كَأَنِّي بِهِمْ آيِسٌ مَا كَانُوا، قَدْ نُوذُوا نِدَاءً أَسْمَعُهُ مَنْ بِالْبُعْدِ
كَمَا يَسْمَعُهُ مَنْ بِالْقُرْبِ؛

گویی آنها را با چشم خود می‌بینیم در هنگامی که پیش از هر وقت دیگر کابوس نومیدی آنها را فراگرفته، ندایی می‌شود که همه کسانی که دور یا نزدیک هستند آن را می‌شنوند.

آنگاه به تفصیل مضمون ندا را بیان فرمود.^(۳)

۲. امام یاقر علیه السلام در این رابطه فرمود:

۱. همان.

۲. هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۰.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۱، ب ۱۰، ح ۲۸؛ خزاز، کفایة الاثر، ص ۱۵۹؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۳۹، ح ۴۳۱؛ حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۷۸؛ قطب راوندی، الخرائج و الخرائج، ج ۳، ص ۱۱۶۸، ح ۶۵؛ شیخ حر، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۶، ح ۵۰.

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ ﷺ، فَيَسْمَعُ مَنْ
بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ، لَا يَسْبِقِي رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ،
وَلَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ، وَلَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَي رِجْلَيْهِ، فَزَعَا مِنْ
ذَلِكَ الصَّوْتِ؛^(۱)

با نام قائم ﷺ منادی از آسمان ندا می زند، هر کسی که در
شرق یا در غرب باشد، آن را می شنود، هیچ خفته‌ای نباشد
جز اینکه بیدار شود، هیچ ایستاده‌ای نباشد جز اینکه بنشیند،
هیچ نشسته‌ای نباشد جز اینکه برخیزد، از ترس و هراسی که
از آن صدا به آنها می رسد.

۳. و در همین رابطه فرمود:

يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ، حَتَّى تَسْمَعَهُ الْعَذْرَاءُ فِي
خُدْرِهَا، فَتُخْرِضُ أَبَاهَا وَ أَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ؛^(۲)

با نام قائم و نام پدرش ﷺ ندا سر داده می شود، این بانگ را
دوشیزگان در سرایرده‌ها می شنوند، پدران و برادرانشان را به
جنبش و خیزش تشویق می کنند.

۴. و در نقلی دیگر فرمود:

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْمَهْدِيِّ، فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ
وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ، حَتَّى لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ؛^(۳)

منادی از آسمان به نام مهدی ﷺ ندا سر می دهد، هر کس که

در شرق یا غرب باشد آن را می شنود، هیچ خفته‌ای نمی ماند
جز اینکه بیدار می شود.

۵. امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی از بانگ آسمانی در
شب بیست و سوم رمضان سخن گفته، در پایان می فرماید:

فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِّمَّا خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا سَمِعَ الصَّيْحَةَ؛
فَتُوقِظُ النَّائِمَ وَ يَخْرُجُ إِلَى صَحْنِ دَارِهِ، وَ تُخْرِجُ الْعَذْرَاءَ
مِنْ خَدْرِهَا، وَ يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ، وَ هِيَ صَيْحَةُ
جِبْرِئِيلَ؛^(۱)

از آنچه خداوند روح در آن آفریده، چیزی باقی نمی ماند، جز
اینکه آن بانگ را می شنود، پس خفتگان بیدار شوند و به
صحن خانه در آیند، دوشیزگان از سرپرده بیرون روند و
حضرت قائم علیه السلام آن بانگ را بشنود و خروج کند، که آن بانگ
جبرئیل است.

بر این اساس گستره بانگ آسمانی بسیار گسترده است، همه موجودات
زنده را از شرق عالم تا غرب آن فرا می گیرد.

۶. جایگاه پیام آسمانی

در همه احادیثی که از بانگ آسمانی سخن به میان رفته، تعبیر: «مِنْ
السَّمَاءِ» دارد، یعنی: از آسمان و در برخی از آنها تعبیر «مِنْ جَوْفِ
السَّمَاءِ» آمده بود، یعنی: از دل آسمان.^(۲)

۱. سلمی، عقد الدرر، ص ۱۳۷.

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۹۰، ب ۱۶، ح ۶.

۲. همان.

بانگ آسمانی / ۹۹

در اینجا تذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که در برخی از آنها تعبیر «قَرْنُ الشَّمْسِ» آمده بود، یعنی: «قرص خورشید»^(۱) و در برخی دیگر به «أَوَّلُ النَّهَارِ»، یعنی: «اول روز» تصریح شده بود^(۲) با توجه به اینکه بانگ آسمانی معهود بر اساس روایات صحیحه در شب بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود، دیگر نداها از نشانه‌های حتمی نیست و لذا در مورد سند آنها بحث نکردیم.

۷. بانگ آسمانی و بانگ شیطانی

در روایات مربوط به بانگ آسمانی از بانگ دیگری گفتگو شده که به دنبال بانگ آسمانی بانگ دیگری از سوی شیطان شنیده می‌شود که برای فتنه انگیزی و اغوای مردم تلاش مذبوحانه خود را انجام و آخرین تیری که در چله کمان دارد رها می‌کند و می‌گوید که: حق با فلانی است، و اینک برخی از روایات:

۱. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: در پایان روز ابلیس ملعون بانگ بر می‌آورد که:

أَلَا إِنَّ فُلَانًا قُتِلَ مَظْلُومًا، لِيُشَكَّكَ النَّاسَ وَ يَفْتِنَهُمْ؛^(۳)

آگاه باشید که فلانی مظلوم کشته شد، تا مردم را به شک انداخته، وارد فتنه سازد.

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۱۸۱؛ شیخ طوسی، الغيبة، ص ۴۴۰؛ حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۰۹.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲، ب ۵۷، ح ۱۴.

۳. نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۴، ب ۱۴، ح ۱۳.

۲. و در همین رابطه فرمود: در پایان روز ابلیس بانگ بر آورد که:

أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي السُّفْيَانِي وَ شِيعَتِهِ، فَيَرْتَابُ عِنْدَ ذَلِكَ
الْمُبْطِلُونَ؛^(۱)

آگاه باشید که حق با سفیانی و پیروان اوست. پس در آن
هنگام طرفداران باطل به شک و تردید می افتند.

۳. امام صادق علیه السلام در این رابطه فرمود: سپس ابلیس در پایان روز از
زمین بانگ بر آورد:

أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عُثْمَانَ وَ شِيعَتِهِ؛^(۲)

آگاه باشید که حق با عثمان و پیروان اوست.

در اینجا منظور از عثمان، عثمان بن عفنه یعنی سفیانی می باشد.^(۳)

۸. بازشناسی دو صدا

خداوند منان از روی حکمت بالغه اش برای آزمون انسان ها در
جهان خلقت عقل و نفس را در کنار هم آفریده و انسان را به پیروی
عقل و دوری از نفس فرمان داده، در مقابل پیامبران الهی شیاطین انس
و جن را قرار داده، راه و چاه را ارایه داده، قدرت تشخیص حق و باطل

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲.

۲. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۳۵، ح ۴۲۵.

۳. ولی در برخی از آنها به عثمان بن عفان تصریح شده است و در آنها احتمال این معنی هست
که در حدیث مطلق آمده باشد. راویان به تصور اینکه منظور خلیفه سوم است، لفظ «بن
عفان» را به آن افزوده باشند.

بانگ آسمانی / ۱۰۱

را در دسترس همگان قرار داده است.

در هنگامه ظهور نیز در مقابل بانگ آسمانی، بانگ زمینی شیطان را خبر داده و به همگان هشدار داده، توسط پیشوایان معصوم به همه اخطار کرده که از بانگ اولی پیروی کرده، از بانگ دوم بیزاری بجویید. برای بانگ اول نشانه‌های روشن تعیین کرده و برای همگان اطلاع‌رسانی کرده، از جمله:

۱. این بانگ از آسمان است و بانگ دوم از روی زمین.
 ۲. این بانگ از شش جهت انسان را فرامی‌گیرد و آن از یک سمت است.
 ۳. این بانگ همگان را به پیروی آل محمد و فرزندان علی فرامی‌خواند و آن به پیروی دشمنان دین.
 ۴. بانگ آسمانی در شب جمعه، شب بیست و سوم ماه رمضان است و آن بانگ در پایان روز بعد.
 ۵. این بانگ را همگان می‌شنوند، در همه تأثیر می‌گذارد و هر کسی به زبان مادری خودش، ولی آن بانگ چنین ویژگی‌هایی ندارد.
- در احادیث فراوان تأکید شده که امر ما از خورشید روشن‌تر است،^(۱) و لذا هر کس طالب حق باشد هرگز دچار شک و تردید نخواهد شد، آنهم با آنهمه اطلاع‌رسانی که به صورت کاملاً شفاف بیان شده است.

۹. برهان قاطع

در برخی از روایات بانگ آسمانی به عنوان روشن‌ترین دلیل و

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۵۰، ب ۵۷، ح ۴.

محکم‌ترین برهان برای ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه معرفی شده است.

امام باقر علیه السلام در آخرین فراز یک حدیث بسیار طولانی می‌فرماید:

فَإِنْ أَشْكَلَ ذَلِكَ كُلُّهُ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ الصَّوْتَ مِنَ السَّمَاءِ لَا

يُشْكَلُ عَلَيْهِمْ، إِذَا نُودِيَ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ؛^(۱)

اگر همه اینها بر کسی مشتبه شود، دیگر بانگ آسمانی بر کسی مشتبه نمی‌شود، هنگامی او را با نام خود، نام پدر و نام مادرش صدا کنند.

در احادیث عامه از اسماء بنت عمیس نقل شده که گفت:

إِنَّ أَمَارَةَ ذَلِكَ الْيَوْمِ أَنْ كَفَأَ مِنَ السَّمَاءِ مُدْلَاةً يَنْظُرُ

إِلَيْهَا النَّاسُ؛^(۲)

تشانه روز بانگ آسمانی آن است که کفِ دستی از آسمان آویخته شود و مردمان آن را تماشا کنند.

و در احادیث اهل بیت آمده است که:

الْعَامُ الَّذِي فِيهِ الصَّيْحَةُ، قَبْلَهُ الْآيَةُ فِي رَجَبٍ؛

سالی که در آن بانگ آسمانی است، پیش از آن نشانی در ماه رجب هست.

راوی پرسید: آن نشان چیست: امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۲، ب ۱۴، ح ۶۷.

۲. تعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۶۶، ح ۹۹۲؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۲.

بانگ آسمانی / ۱۰۳

وَجْهٌ يَطَّلِعُ فِي الْقَمَرِ وَ يَدُ بَارِزَةٌ؛^(۱)

سیمایی در ماه می درخشد و دستی ظاهر می شود.

روی این بیان بانگ آسمانی با آنهمه وضوح و شفافیت، بیاز هم نشانه‌هایی برای آن تعیین شده، تا بر احدی پوشیده نماند.

۱۰. وظیفه ما

در غالب احادیث که محتوای بانگ آسمانی را بیان کرده‌اند، جمله «إِسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا» از منادی آسمانی نقل شده، یعنی بر همگان فرمان می دهد که از مهدی آل محمد صلوات الله علیه اطاعت کنند و فرمانش را با گوش جان بشنوند.

در برخی از احادیث تعبیر: «الْتَفِيرِ الْتَفِيرِ» نیز دارد، یعنی به سویش بشتابید.

امام باقر علیه السلام در ضمن حدیث مفصلی می فرماید:

فَإِذَا نَادَى فَالْتَفِيرِ الْتَفِيرِ، فَوَ اللهُ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ
وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ؛^(۲)

هنگامی که منادی بانگ بر آورد، پس به سویش بشتابید و عجله کنید، گویی با چشم خود می بینم که در میان رکن و مقام از مردم بیعت می گیرد.

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۲، ب ۱۴، ح ۱۰.

۲. همان، ص ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۲۲.

رسول اکرم ﷺ در این رابطه می فرماید: چون هنگامه ظهور قائم عجله فرارسد، منادی آسمانی ندا سر دهد:

أَيُّهَا النَّاسُ قُطِعَ عَنْكُم مَّدَّةُ الْجِبَارِينَ، وَ ولى الأَمْرَ خَيْرُ
أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ، فَالْحَقُّوا بِمَكَّةِ؛^(۱)

هان ای مردمان، دوران ستمگران سپری شد، بهترین فرد
از امت محمد ﷺ زمام امور را به دست گرفت، پس به
مکه پیوندید.

پس وظیفه منتظران این است که به مجرد شنیدن بانگ آسمانی مرکبی
تیز پا فراهم آورده با شتابی هر چه تمام تر به سوی مکه معظمه بشتابند و
به خیل مشتاقان پیوندند و دست بیعت به حجت پروردگار بسپارند.

خَسْفِ بَيْدَاءِ

چهارمین نشانه از نشانه‌های حتمی از نظر تسلسل زمانی، خسف سرزمین بیدا است.

«بیدا» در لغت به معنای دشت هموار، پهناور، خالی از سکنه و آب و علف^(۱).

در میان مکه و مدینه دشت پهناور شنزاری است که «بیدا» نام دارد.^(۲)

هنگامی که سپاه سفیانی به این سرزمین برسد، جبرئیل امین به این سرزمین بانگ بر می‌آورد: ای بیدا، این گروه ستمگر را نابود کن. پس زمین دهان باز می‌کند و همه آنها را در کام خود فرو می‌برد.

از بررسی روایات ملاحم و فتن استفاده می‌شود که این حادثه در حدود یک‌ماه بعد از ظهور رخ می‌دهد.

روی این بیان آن را نمی‌توان از نشانه‌های ظهور دانست، بلکه باید

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۴۸.

۲. یاقوت، معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۲۳.

آن را از نشانه‌های قیام حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه دانست، زیرا براساس روایات فراوان بین ظهور و قیام آن حضرت دقیقاً سه ماه و ۱۷ روز فاصله هست.

فضل بن شاذان با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود:

يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ عليه السلام فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ
رَمَضَانَ وَ يَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ؛^(۱)

در شب ۲۳ رمضان به نام قائم علیه السلام ندا سر داده می‌شود و در روز عاشورا قیام می‌کند.

بر این اساس خسف پیدا از نشانه‌های قیام جهانی آن حضرت است که در فاصله ظهور و قیام رخ می‌دهد.

ویژگی‌های خسف پیدا

خسف پیدا یکی از نشانه‌های حتمی است و ویژگی‌هایی دارد که با هیچ خسف دیگری اشتباه نمی‌شود، در اینجا به شماری از ویژگی‌های آن به طور فشرده اشاره می‌کنیم:

۱. جایگاه خسف پیدا در قرآن

قرآن کریم در دو مورد پیرامون خسف سپاه سفیانی در سرزمین پیدا

۱. فضل بن شاذان، اثبات الرجعة، مخطوط؛ «مختصر اثبات الرجعة»، تراثنا، ش ۱۵، ص ۲۱۸، ح ۲۰؛ میرلوحی، کفایة المهتدی، ص ۲۸۶؛ خاتون آبادی، کشف الحقیق، ص ۱۸۷، ح ۳۲؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰، ب ۳۲، ح ۶۸۷؛ محدّث نوری، کشف الاستار، ص ۲۲۲.

سخن گفته است:

۱. ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا
مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى
أَدْبَارِهَا ... ﴾ (۱)

ای کسانی که کتاب داده شده‌اید، به آنچه فرو فرستادیم و خود
تصدیق کننده کتابی است که با شماست، ایمان بیاورید، پیش
از آنکه بر چهره‌هایی بزنیم و آنها را به پشت سرشان برگردانیم.

خداوند منان در این آیه شریفه اهل کتاب را از روزی هشدار داده که
در آن روز به چهره‌هایی زده شده، صورتشان به پشت سرشان
برگردانیده می‌شود.

مبّرّد گفته: این تهدید الهی تا کنون انجام نشده، ولی به حال خود
باقی است، تا پیش از رستاخیز، یا مسخ شدن افرادی و برگشتن
صورتشان به عقب سرشان تحقق پیدا کند. (۲)

اما این تهدید الهی کی جامه عمل خواهد پوشید؟ در احادیث فراوان از
پیشوایان معصوم علیهم‌السلام روایت شده، که به شماری از آنها اشاره می‌کنیم:
۱. امام باقر علیه‌السلام در یک حدیث طولانی از کارنامه سپاه سفیانی و
جنایات و حشیانه او سخن گفته، در پایان از ورود سپاه سفیانی به
سرزمین بیدگفتگو کرده می‌فرماید: آنگاه منادی آسمانی ندا سر می‌دهد:

۱. سوره نساء (۴)، آیه ۴۷.

۲. ثعلبی، الکشف والبیان، ج ۳، ص ۳۲۴.

يَا بِيَدَاءِ أَيْدِي بِالْقَوْمِ؛

ای سرزمین بیدا این گروه را نابود کن.

پس زمین دهان می‌گشاید و آنها را در کام خود فرو می‌برد، به جز سه تن، که از تیره کلب هستند و خداوند صورت آنها را به پشت سرشان بر می‌گرداند، و در حق آنها نازل شده، آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ...﴾ (۱).

۲. این حدیث به همین تعبیر از طریق عامه نیز از امام باقر علیه السلام روایت شده است. (۲)

احادیث دیگری در این رابطه وارد شده که در ذیل آیه بعدی تقدیم می‌شود:

۲. ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ (۳)

اگر آنان را مشاهده کنی هنگامی که دچار وحشت شده‌اند و رهایی ندارند و از مکان نزدیک گرفتار می‌شوند.

در احادیث فراوان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام در تفسیر این آیه شریفه داستان خسف بیدا به تفصیل بیان شده که به

۱. عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۴۰۲، ح ۹۹۰؛ نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۰، ب ۱۴، ح ۶۷؛ شیخ

مفید، الاختصاص، ص ۲۵۶؛ بحرانی، البرهان، ج ۳، ص ۱۱۵، ح ۲۴۱۳ و ۲۴۱۲.

۲. سلمی، عقد الدرر، ص ۸۹.

۳. سوره سبأ (۳۴)، آیه ۵۱.

برخی از آنها فقط اشاره می‌کنیم:

۱. حدیفة بن الیمان از رسول اکرم ﷺ به تفصیل در مورد کارکرد سپاه سفیانی در سرزمین بابل و کوفه روایت نقل کرده، در مورد سپاه اعزامی او به مدینه و قتل عام آن به مدت سه شبانه روز سخن گفته و در پایان روایت کرده که فرمود:

ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى مَكَّةَ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ،
بَعَثَ اللَّهُ جِبْرِيْلَ فَيَقُولُ: يَا جِبْرَائِيْلُ اذْهَبْ فَأَبْدِهِمْ،
فَيَضْرِبُهَا بِرِجْلِهِ ضَرْبَةً، يَخْسِفُ اللَّهُ بِهِمْ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ فِي
سُورَةِ سَبَأٍ: ﴿وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزَعُوا فَلَافَوْتَ ...﴾ وَلَا يَنْفَلِتُ
مِنْهُمْ إِلَّا رَجُلَانِ، أَحَدُهُمَا بَشِيرٌ وَالْآخَرُ نَذِيرٌ وَهُمَا مِنْ
جُحَيْنَةَ، فَلِذَلِكَ جَاءَ الْقَوْلُ: وَعِنْدَ جُحَيْنَةَ الْخَبْرُ الْيَقِيْنُ؛^(۱)

آنگاه به قصد مکه بیرون می‌روند، چون به سرزمین پیدا
می‌رسند، خداوند جبرئیل را می‌فرستد و می‌فرماید: ای
جبرئیل برو و آنان را نابود کن، پس جبرئیل با پای خود
ضربتی می‌زند، خداوند به وسیله آن همه آنها را در کام زمین
فرو می‌برد. این است معنای فرمایش خداوند در سوره سبأ:
«اگر آنها را مشاهده کنی...» پس از آنها رهایی پیدا نمی‌کند
به جز دو تن، که یکی بشیر و دیگری نذیر، و هر دو از
«جُحَيْنَةَ» هستند. به همین جهت گفته شده: «خبر قطعی در
نزد جُحَيْنَةَ است».

۱. طبری، جامع البیان، ج ۲۲، ص ۷۳؛ ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۸، ص ۹۵؛ طبرسی،

مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۲۲.

«جُهینه» از تیره قضاعه می باشد و «جُهَنی» به او منسوب است، نامش: زید بن لیث بن سود بن أسلم بن حاف بن قضاعه، مقیم کوفه بود. (۱)
ابن اثیر گوید: بلکه نام او: «جُهینه» پسر زید می باشد. (۲)
ابن سکیت و اصمعی آن را «جُفینه» ضبط کرده اند، ولی ابن کلبی تأکید کرده که «جُهینه» درست است، آنگاه داستانی نقل کرده و در پایان شعر اخنس را آورده که در آخرین مصراع گفته: «وَ عِنْدَ جُهَيْنَةَ الْخَبْرِ الْبَقِيْنُ». (۳)
روی این بیان آخرین فراز از حدیث یاد شده جزء حدیث نیست، بلکه مفسران به دنبال حدیث پیامبر اکرم به آن استناد جسته اند.

۲. مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام در بخش پایانی حدیثی می فرماید:

ثُمَّ يَأْتِي الْمَدِيْنَةَ بِجَيْشٍ جَرَّارٍ، حَتَّى إِذَا انْتَهَى إِلَى بِيْدَاءِ
الْمَدِيْنَةِ خَسَفَ اللهُ بِهِ؛

سپس لشکر جرّاری به مدینه می آورد، هنگامی که به سرزمین
بیدای مدینه می رسند، خداوند آنان را در کام زمین فرو می برد.

سپس فرمود: این است کلام خداوند منان که فرمود: ﴿ وَ لَوْ تَرَى
إِذْ فَزِعُوا ... ﴾. (۴)

۳. امیر مؤمنان در نامه خود به معاویه، خروج سفیانی را به تفصیل

۱. سمعانی، الأنساب، ج ۳، ص ۲۹۴.

۲. ابن اثیر، اللباب فی تهذیب الأنساب، ج ۱، ص ۲۲۳.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۱۲.

۴. نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۵، ب ۱۸، ح ۱۴.

خَسَفِ بَيْدَاءِ / ۱۱۱

شرح می‌دهد، در پایان از کارنامه سپاه سفیانی خبر می‌دهد، سپس می‌فرماید:

فَإِذَا دَخَلُوا الْبَيْدَاءَ وَ اسْتَوَتْ بِهِمُ الْأَرْضُ خَسَفَ اللَّهُ بِهِمُ
الْأَرْضَ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿ وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا فَوْتَ
وَ أُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ﴾ .

قَالَ: مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِهِمْ، فَلَا يَبْقَى مِنْ ذَلِكَ الْجَيْشِ أَحَدٌ،
غَيْرَ رَجُلٍ وَاحِدٍ، يُقَلِّبُ اللَّهُ وَجْهَهُ مِنْ قِبَلِ قَفَاهُ؛ (۱)

چون به سرزمین پیدا رسیدند و در آنجا مستقر شدند،
خداوند آنها را در کام زمین فرو می‌برد، خداوند متعال
می‌فرماید: ﴿ وَ لَوْ تَرَى إِذْ فَرَعُوا ... ﴾

آنها از زیر گامهایشان در زمین فرو می‌روند و کسی از آنها
باقی نمی‌ماند، به جز یک نفر که خداوند صورتش را به پشت
سرش بر می‌گرداند.

۴. در حدیث دیگری بعد از بیان خسف پیدا فرمود:

یکی از افراد سپاه به دنیال شترش می‌رود، چون بر می‌گردد
کسی را نمی‌یابد و سرنخی از آنها پیدا نمی‌کند، همو گزارش
آنها را برای مردم بازگو می‌کند. (۲)

۵. ابو حمزه ثمالی گوید: از امام زین العابدین علیه السلام و از حسن بن
حسن (حسن مثنی) شنیدم، که هر دو در تفسیر این آیه فرمودند:

۱. سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ص ۱۵۹.

۲. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۵۸، ح ۹۵۰.

هُوَ جَيْشُ الْبَيْدَاءِ، يُؤْخَذُونَ مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِهِمْ؛^(۱)

آنها سپاه بیدا هستند که از زیر پاهایشان گرفتار می شوند.

۶. امام باقر علیه السلام مسیر حضرت مهدی علیه السلام را از مکه تا «مَرَّ»^(۲) و از

آنجا تا سرزمین بیدا ترسیم می کند، سپس فرو رفتن سپاه سفیانی را در بیدا بیان کرده به آیه شریفه استناد می کند.^(۳)

۷. و در حدیث دیگری فرمود: منظور از: ﴿فَرِعُوا﴾ وحشت آنها از

بانگ آسمانی است، و منظور از ﴿أُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ یعنی: از زیر پاهایشان در کام زمین فرو می روند.^(۴)

۸. ابن عباس نیز در تفسیر این آیه گفت: آنها لشکر سفیانی هستند

که از زیر پاهایشان در زمین فرو می روند.^(۵)

۹. ابن عباس در حدیث دیگری به تفصیل از خسف بیدا سخن گفته،

در پایان از شبانی گفتگو کرده که به گوسفندان خود سر می زند و بر می گردد و می بیند که از سپاه سفیانی خبری نیست، تعجب می کند که چگونه در این مدت کوتاه کوچ کردند، پس قطیفه ای را مشاهده می کند که نیمی از

۱. ابو حمزه ثمالی، تفسیر القرآن الکریم، ص ۲۷۴؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۲۱.

۲. «مَرَّ» نام گذرگاهی در پنج میلی مکه معظمه است (یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۰۴).

۳. سید شرف الدین، تأویل الآیات، ج ۲، ص ۴۷۸؛ بحرانی، البرهان، ج ۸، ص ۱۲۸؛ جمو، المحجة، ص ۱۸۰.

۴. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۵؛ فیض کاشانی، الصافی، ج ۶، ص ۱۰۷.

۵. سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۴۰.

آن در دل زمین فرو رفته، هر چه تلاشی می‌کند که آن را بیرون آورد ممکن نمی‌شود، پس متوجه می‌شود که سپاهیان در کام زمین فرو رفته‌اند. (۱)

۱۰. در منابع عامه از تفسیر ابوبکر نقاش در ضمن یک حدیث بسیار طولانی، کارنامه سپاه سقیانی و کارکرد سپاه او را بر شمرده، در پایان از هلاک شدن ۷۰۰۰۰ نفر سپاهیان در سرزمین پیدا و برگشتن صورت گزارشگر به پشت سرش با ضربه جبرئیل و با استناد به آیه شریفه خبر داده‌اند. (۲)

۲. خَسْفِ در اَمْتِ اسلامی

در شماری از احادیث از وقوع خَسْفِ در امت اسلامی سخن رفته است:

۱. حاکم با سلسله اسنادش از رسول اکرم ﷺ روایت کرده که فرمود:

فِي أُمَّتِي خَسْفٌ وَ مَسْخٌ وَ قَذْفٌ؛ (۳)

در میان امت من خَسْفِ، مَسْخِ و سنگباران واقع خواهد شد.

۲. متقی هندی بیش از ۱۰ روایت در این رابطه نقل کرده است. (۴)

۳. شیخ صدوق با سلسله اسنادش از پیامبر اکرم ﷺ در میان حوادث

دهگانه‌ای که باید پیش از رستاخیز انجام شود، از سه خَسْفِ در شرق و غرب و جزیره العرب نام برده است. (۵)

۱. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۵۶، ح ۹۴۲؛ متقی هندی، البرهان، ص ۱۳۰.

۲. سلمی، عقد الدرر، ص ۷۶-۷۹.

۳. حاکم، مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۴۴۵.

۴. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۶، ح ۲۸۷۱۰-۲۸۷۲۰.

۵. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۴۹، ح ۵۲؛ حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۵۰.

۳. شماره سپاه سفیانی

در روایات خسف پیدا از شمار سپاهیان سفیانی به اختلاف سخن رفته است:

۱. در نقلی هفتاد هزار تن^(۱)

۲. به نقلی سی هزار نفر^(۲)

۳. به نقلی دیگر دوازده هزار نفر^(۳)

در اینجا یادآوری این نکته لازم است که اینها شمار سپاهیان اعزامی به مدینه است و ممکن است شمار هلاک شده‌ها مجموع این ارقام باشد.

۴. هدف از لشکرکشی

در غالب روایات خسف پیدا تصریح شده که هدف از این لشکرکشی پیکار با حجت خدا می باشد، ولی هنگامی آنها به مدینه منوره می رسند که حجت خدا به مکه معظمه عزیمت نموده باشد، از این رهگذر به مدت سه شبانه روز مدینه را قتل و غارت می کنند، سپس به دنبال حجت خدا عازم مکه می شوند.^(۴)

و در نقلی آمده است:

هنگامی که سفیانی از کشته شدن «زُهری» فرمانده سپاه

۱. سلمی، عقد الدرر، ص ۷۹. ۲. همان، ص ۸۱.

۳. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۵۸، ح ۹۵۱.

۴. حاکم، مستدرک الصحیحین، ج ۴، ص ۴۲۹.

خَسْفِ بَيْدَاءِ / ۱۱۵

خود آگاه می‌شود، ۷۰۰۰۰ نفر به سوی مدینه بسیج می‌کند، آنها در بیداء لشکر آرایی می‌کنند و هدف آنها پیکار با حجیت خدا و تخریب خانه خدا می‌باشد. (۱)

۵. کارنامه سپاه سفیانی

در احادیث فراوان از جنایات بی‌شمار سپاه سفیانی به ویژه از قتل و غارت مدینه منوره گفتگو شده که ما فقط به یک نمونه اشاره می‌کنیم: هنگامی که سفیانی به مصر برسد، لشکری آراسته به دنبال کسی می‌فرستد که در مکه معظمه است، آن لشکر مدینه را ویران می‌کنند، شدیدتر از داستان «حَرّه»، هنگامی که به بیداء می‌رسند در کبام زمین فرو می‌روند. (۲)

داستان حَرّه سپاه‌ترین کارنامه سپاه یزید بن معاویه است که یک سال بعد از داستان کربلا به فرمان او در منطقه حَرّه از محلات مدینه منوره انجام گرفت.

جاده جانگداز حَرّه به قدری شرم‌آور است که هیچ مورّخی به خود اجازه نداده که مشروح آن را بر صفحات کاغذ منعکس نماید.

۶. شمار گزارشگرها

در مورد شمار افرادی که در سرزمین بیداء در زمین فرو نمی‌روند، ولی صوریشان به پشت سریشان بر می‌گردد، تا گزارشگر حادثه خسف

۱. سلسی، عقد الدرر، ص ۷۹.

۲. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۵۷، ح ۹۴۶؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۷.

بیدا باشند، در احادیث به اختلاف سخن رفته است:

۱. یک نفر^(۱)

۲. دو نفر^(۲)

۳. سه نفر^(۳)

۴. اندک^(۴)

۷. اسامی گزارشگران

در مورد اسامی گزارشگرها نیز به اختلاف گفتگو شده، از جمله:

۱. بشیر و نذیر^(۵)

۲. وَثَر و وَتِير^(۶)

۳. وَبَر و وَبِير^(۷)

در مورد نسب آنها نیز به اختلاف سخن رفته، به روایتی از قبیله

کَلْب،^(۸) به روایتی از تیره مراد^(۹) و به نقلی از قبیله قُضَاعَه و تیره جُهینَه می باشد.

۱. همان، ص ۲۵۹، ح ۹۵۷؛ سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ص ۱۵۹.

۲. سلمی، عقد الدرر، ص ۸۲؛ عیاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۱۹۵.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۰، ب ۱۴، ح ۶۷.

۴. سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۴۱.

۵. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۵۹، ح ۹۵۵؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۷.

۶. عیاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۴۹.

۷. ابن حماد، الفتن، ص ۲۵۹، ح ۹۵۴.

۸. همان؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۷.

۹. عیاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۴۹.

از امام باقر علیه السلام رایت شده که فرمانده سپاه سفیانی از قبیله کلب است و او نیز در خسف پیدا به عنوان گزار شگر باقی می ماند. وی به نقلی از تیره مذحج می باشد. (۱)

۸. جایگاه سرزمین پیدا

سرزمین پیدا بی گمان در میان مکه و مدینه می باشد و در متن احادیث به آن تصریح شده است. (۲) ولی در مورد محل دقیق آن به اختلاف سخن رفته:

۱. یاقوت آن را به مکه نزدیکتر دانسته. (۳)
۲. زبیدی آن را در ناحیه ذوالخليفة - مسجد شجره - معرفی کرده. (۴)
۳. در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز آمده است: چون به سرزمین پیدا در ذوالخليفة رسیدند، در کام زمین فرو روند. (۵)
۴. سلمی نیز از «ابوجعفر» - احتمالاً طبری - نقل کرده که منظور از پیدا همان بیدای مدینه است. (۶)
۵. از ابن مسعود نقل شده که سپاه سفیانی در میان جَمَّوین

۱. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۵۹، ۹۵۳.

۲. ابوداود، صحیح سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۸.

۳. یاقوت، معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۲۳.

۴. زبیدی، تاج العروس.

۵. متقی هندی، البرهان، ص ۱۱۶، ح ۱۷.

۶. سلمی، عقد الدرر، ص ۶۸.

خسف می شوند. (۱)

یاقوت گفته جَمَّوین دو رشته کوه کم ارتفاع در سمت راست رهگذری است که از مدینه عازم مکه معظمه باشد.

وی فاصله آن را از مدینه سه میل معرفی کرده است. (۲)

نگارنده گویند: در پرس و جویی که در ایام حج از اهالی مدینه کردیم، آنها نیز بیدا را از نواحی مدینه معرفی کردند و تأکید کردند که اکنون نیز به نام بیدا معروف است، سپس تابلوی بیدا را در مسیر مسجد شجره مشاهده کردیم.

روی این بیان سرزمین بیدا در نزدیکی مدینه و از نواحی آن به شمار می آید.

۹. هویت سپاه بیدا

بر اساس روایات فراوان همه سپاه بیدا سپاه سفیانی نیستند، بلکه شماری از آنها از روی اجبار با آنها همراهی نموده اند و برخی دیگر رهگذر می باشند.

در مورد این افراد از رسول اکرم ﷺ سؤال شد، فرمودند:

همه آنها در آن سرزمین خسف می شوند، ولی در روز رستاخیز هر کدام بر اساس اعتقاد درونی خود محشور می شود. (۳)

۱. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۵۷، ح ۹۴۸.

۲. یاقوت، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۵۸.

۳. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۵۶، ح ۹۴۴؛ سلمی، عقد الدرر، ص ۶۷، ۶۸ و ۷۴؛ متقی

هندی، البرهان، ص ۱۳۳، ح ۴۴-۴۷.

۱۰. پیام خسف پیدا

در روایات فراوان تصریح شده که خسف پیدا در آستانه قیام حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه تحقق می‌یابد و از قیام قریب‌الوقوع آن حضرت خبر می‌دهد. از این رهگذر برخی از محدثان روایات خسف پیدا را در فصل حوادث متصل به خروج حضرت مهدی علیه السلام آورده‌اند. (۱)

در احادیث عامه آمده است:

إِذَا خُسِفَ بِجَيْشِ الْبَيْدَاءِ فَهُوَ عَلَامَةٌ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ؛ (۲)

هنگامی که سپاه سفیانی در سرزمین پیدا فروروند، آن نشانه خروج حضرت مهدی علیه السلام است.

برای خسف پیدا نیز نشانه‌هایی بیان شده که از آن جمله است:

۱. زواج مشروبات الکلی

۲. شیوع ساز و آواز

۳. انحرافات جنسی

۴. رواج ربا

۵. فراگیر شدن گناه. (۳)

به طوری که ملاحظه شد احادیث مربوط به سپاه سفیانی و فرورفتن آنها در سرزمین پیدا بسیار فراوان است و به اعتراف محدثان نزدیک به

۱. همان، ص ۱۰۹-۱۳۴.

۲. سید بن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۱۶۱، ج ۲۱۰.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۶-۲۸۲، ج ۳۸۷۱۴-۳۸۷۳۶.

۱۲۰ / در آستانه ظهور

حد تواتر می باشد،^(۱) ولی ما به جهت محدود بودن صفحات کتاب به همین مقدار بسنده کردیم.

۱. همو، البرهان، ص ۱۱۲.

قتل نفس زکیه

پنجمین و آخرین نشانه از نشانه‌های حتمی، قتل نفس زکیه در میان رکن و مقام است.

پیش از ورود به بحث به یک نکته اشاره می‌کنیم:

در لسان آیات و احادیث چهار تن به عنوان نفس زکیه شناخته شده‌اند:

۱. نفس زکیه، معاصر حضرت موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام مدتی کوتاه در محضر حضرت خضر علیه السلام بود و از محضر وی نکته‌ها آموخت.

حضرت خضر علیه السلام از پیامبران عظیم الشان بود^(۱) پیش از حضرت ابراهیم علیه السلام دیده به جهان گشوده^(۲) هم اکنون در قید حیات است و بیش از ۶۰۰۰ سال از عمر شریفش می‌گذرد.^(۳)

۱. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۲۰.

۲. دیاربکری، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۱۰۶.

۳. کامل سلیمان، یوم الخلاص، ص ۱۵۷.

بر اساس روایات، خداوند منان فقط از این جهت به او عمر طولانی عطا فرموده که در دوران غیبت امام عصر علیه السلام باورداران با طول عمر او به امکان طول عمر آن حضرت استناد کنند.^(۱)

حضرت موسی علیه السلام سفر پر مشقتی در پیش گرفته، به محضر حضرت خضر علیه السلام رسیده، از وی خواسته که او را به محضر خود بپذیرد و از معلومات ویژه خود به او نیز افاضه کند.

حضرت خضر اشعار داشته که او ظرفیت این مسائل را ندارد، سرانجام توافق نموده، به سفر علمی تربیتی خود پرداخته، سه مورد از رفتارهای حضرت خضر موجب اعجاب و حیرت حضرت موسی شده، از جمله کشتن نوجوانی که در حال بازی با همسالان خود بود و از نظر حضرت موسی بی گناه بود.

حضرت موسی علیه السلام به حضرت خضر علیه السلام گفت:

﴿ اَقْتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ ﴾؛^(۲)

آیا انسان بی گناهی را کشتی که کسی را نکشته بود؟

با توجه به مقام شامخ هر دو بزرگوار، طبعاً این جمله از روی اعتراض نبود، بلکه به عنوان سؤال و به قصد فراگیری بود، ولی فراز بعدی که گفت:

﴿ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ﴾؛^(۳)

به راستی کار ناپسندی انجام دادی.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲ و ۳. سوره کهف (۱۸)، آیه ۷۴.

قتل نفس زکیه / ۱۲۳

این جمله در پاسخ یک شرط مجذوف است، یعنی اگر واقعاً بدون جهت او را کشته باشی، کار بسیار ناپسندی را مرتکب شده‌ای.^(۱)

حضرت خضر علیه السلام بر اساس وحی الهی می‌دانست که آن نوجوان شخصی فاسد و کافر بود^(۲) و بیم آن می‌رفت که پدر و مادر با ایمانش را به کفر و طغیان بکشند.^(۳)

حضرت موسی علیه السلام که از وضع خانوادگی و عقیدتی آن نوجوان مطلع نبود^(۴) او را نفس زکیه خواند.

نفس زکیه به معنای شخص بی‌گناه است، حضرت موسی او را بی‌گناه خواند، زیرا ندیده بود که او گناه کند، و یا او را کوچکتر از سن بلوغ و غیر مکلف می‌پنداشت.^(۵)

به کسی که هرگز گناه نکند، یا از گناه توبه کند،^(۶) و یا با تهذیب نفس و کسب فضایل خود را تزکیه کند، زکیه گفته می‌شود.^(۷)

کسی که در این آیه شریفه از او نفس زکیه تعبیر شده، شخص با

۱. سید مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۱۲۰.

۲. ثعلبی، الکشف والبیان، ج ۶، ص ۱۸۴؛ طبری، جامع البیان، ج ۱۶، ص ۳-۶.

۳. سوره کهف (۱۸)، آیه ۸۰.

۴. حضرت موسی علیه السلام پیامبر اولوالعزم بود، ولی خداوند برای مصالحی آنچه را که به حضرت خضر وحی کرده بود به او وحی نکرده بود، چنانکه در آغاز خلقت انسان، خداوند اسما را به حضرت آدم آموخت، ولی به فرشته‌ها نیاموخت.

۵. شیخ طوسی، التبیان، ج ۷، ص ۷۵؛ زمخشری، الکشاف، ج ۲، ص ۷۳۶.

۶. ثعلبی، الکشف والبیان، ج ۶، ص ۱۸۴.

۷. راغب، المفردات، ص ۲۱۳.

ایمانی نبود، بلکه کافر و تبه‌کار بود،^(۱) این تعبیر یا بر حسب پندار حضرت موسی و یا به معنای کسی که خونی بر گردنش نبوده تا مستحق قصاص شود به کار رفته است.^(۲)

۲. نفس زکیه، معاصر امام صادق علیه السلام

مشهورترین مصداق نفس زکیه، محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام بود.

پدرش عبدالله محض معروف بود.

عبدالله محض فرزند حسن مثنی، فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام بود.

مادر عبدالله فاطمه دختر امام حسین علیه السلام بود.

محمد بن عبدالله که در تاریخ به «نفس زکیه» شهرت یافته، شخص عابد، فاضل، موجه و از هر جهت شایسته‌ای بود. ولی متأسفانه همین شایستگی‌ها موجب شد که هم خودش هلاک شود و هم دیگران را به هلاکت بیندازد.

به دلایل خاصی مادر مورد اولاد ائمه با احتیاط فراوان دآوری می‌کنیم، و لذا در مورد او نیز بسیار کوتاه و فشرده سخن می‌گوییم:

ابوالفرج اصفهانی به صراحت می‌نویسد: نفس زکیه از دوران کودکی خود را مهدی می‌خواند و به هنگام اظهار دعوت، رسماً روی منبر می‌گفت:

إِنَّكُمْ لَا تَشْكُونَ أُنِّي أَنَا الْمَهْدِي، وَأَنَا هُوَ؛^(۳)

۱. بحرانی، البرهان، ج ۶، ص ۲۵۸، ح ۲۳.

۲. یعنی: معادل (بِغَيْرِ نَفْس).

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۰۳.

قتل نفس زکیه / ۱۲۵

شما شک و تردید ندارید در این که من مهدی هستم و من همان (مهدی موعود) هستم!

با کمال تأسف باید بگوییم که پدرش عبدالله نیز او را «مهدی» می پنداشت و با صراحت تمام می گفت:

قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ ابْنِي هَذَا هُوَ الْمَهْدِي، فَهَلُمَّ فَلْتُبَايِعُوهُ؛^(۱)

به راستی شما می دانید که این پسر من مهدی است، پس بیایید که همگی با او بیعت کنیم!

روزی که در «أَبْوَا»^(۲) برای بیعت با او گرد آمدند، سقّاح و منصور نیز در آنجا حضور داشتند، منصور برای تشویق حاضران گفت: چرا خود را گول می زنید؟ همه گردن‌ها به سوی این جوان کشیده شده و احدی این مقبولیت را در میان همگان ندارد. آنگاه همه حاضران با او بیعت کردند.^(۳)

امام جعفر صادق علیه السلام وارد شد، همگان برخاستند، احترام کردند، عبدالله آن حضرت را در کنار خود نشانید و به ایشان عرض کرد:

ما در اینجا گرد آمده‌ایم که با «مهدی» محمد بن عبدالله بیعت کنیم!

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۹۱.

۲. ابواء نام روستایی در نزدیکی «ودان» میان راه مکه و مدینه است. که در ۱۹ میلی شقیه و ۲۷ میلی جحفه می باشد. قبر آمنه بنت وهب مادر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آنجا قرار دارد که چند سال پیش توسط وهابیان با خاک یکسان گردید.

۳. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۹۱.

امام علیه السلام فرمود:

لَا تَفْعَلُوا، فَإِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَمْ يَأْتِ بَعْدُ، إِنْ كُنْتُمْ تَرَى أَنَّ
إِبْنَكُمْ هَذَا هُوَ الْمَهْدِيُّ، فَلَيْسَ بِهِ، وَلَا هَذَا أَوَانُهُ؛^(۱)

این کار را نکنید، هنوز وقت این کار نرسیده، اگر خیال
می‌کنی که پسر ت همان مهدی است، نه او مهدی نیست و
زمان آن نرسیده است.

منصور آن روز پیراهن زردی پوشیده بود، امام علیه السلام او را به عبدالله
نشان داد و فرمود: او هر دو پسر ت را خواهد کشت.
عبدالله نصیحت امام را رد کرد، امام علیه السلام فرمود:

این مقام به تو و فرزندان ت نمی‌رسد، بلکه به سفاح سپس به
منصور می‌رسد و این منصور پسر ت را در أحجار الزيت
می‌کشد و آن دیگری را در طفوف.^(۲)

منصور دوانیقی پیش از آنکه به قدرت برسد، هنگامی که از او نام
می‌برد، می‌گفت: مَهْدِيُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ مهدی ما خاندان.^(۳)
هر وقت دیدگان مبارک امام صادق علیه السلام بر نفس زکیه می‌افتاد
دیدگانش پر از اشک می‌شد و می‌فرمود:

مردم در حق او حرف‌هایی می‌زنند، لکن او کشته می‌شود. ما
نام او را در کتاب علی علیه السلام در میان خلفای امت نیافتیم.^(۴)

۱. شیخ مفید، همان؛ ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۱۷۸، ۲۱۵.

۲. ابوالفرج، همان. ۳. همان، ص ۲۰۳.

۴. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۹۳.

قتل نفس زکیه / ۱۲۷

هنگامی که بنی العباس به قدرت رسیدند، سفاح و منصور تلاش فراوان کردند که محمد و ابراهیم را دستگیر کرده به قتل برسانند، زیرا هر دو با او بیعت کرده بودند.^(۱)

منصور به صاحب منصب‌های خود دستور می‌داد که به محمد بن عبدالله نامه بنویسند، او را به خروج دعوت کنند و خود را از طرفداران او وانمود کنند. و لذا او خیال می‌کرد اگر روزی با منصور مواجه شود همه درجه‌داران منصور به او خواهند پیوست.^(۲)

سرانجام مسأله آنقدر بالا گرفت که امر بر خود نفس زکیه مشتبه شد و شخصاً از امام صادق علیه السلام بیعت خواست!^(۳)

هنگامی که امام صادق علیه السلام از بیعت امتناع کرد، دستور داد که امام را به زندان ببرند و بر او سخت بگیرند!

دو ماه تمام امام در زندان به سر برد و کلیه اموالش به فرمان نفس زکیه مصادره گردید.^(۴)

منصور پسر عمویش عیسی بن موسی را برای نبرد با محمد فرستاد، سرانجام روز دوشنبه ۱۴ رمضان ۱۴۵ هـ در احجار الزیت کشته شد.^(۵) از مالک بن انس اجازه خواستند که با محمد بن عبدالله خروج کنند، اجازه داد، گفتند: بیعت منصور بر گردن ما می‌باشد، گفت: شما از روی

۱. ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۱۹۸.

۲. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۹، ص ۲۲.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۲، ح ۱۷.

۴. همان، ص ۳۶۳.

۵. ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۹، ص ۳۱؛ طبری، تاریخ، ج ۶، ص ۵۲۳.

اجبار با او بیعت کرده‌اید، کسی که مجبور شده، بیعتی بر او نمی‌باشد، پس همگان با او خروج کردند.^(۱)

والی مدینه جعفر بن سلیمان، فقیه مدینه محمد بن عجلان را دستگیر کرد و دستور داد که دستش را ببرند، حاضرین گفتند: او فقیه مدینه است، امر بر او مشتبه شده، او واقعاً خیال می‌کرد که محمد بن عبدالله همان مهدی موعود است، پس والی از وی درگذشت.^(۲)

وی همچنین عبدالله بن جعفر بن عبدالرحمن بن مسور را جلب کرد و نکوهش کرد، عبدالله گفت: من هنگامی که با محمد بن عبدالله خروج کردم هیچ تردیدی نداشتم که او همان مهدی موعود است.^(۳)

عثمان بن خالد زبیری را منصور احضار کرد و او را به شدت توبیخ کرد، وی گفت: من و شما در مکه با یک نفر بیعت کردیم، من به بیعت خود وفا کردم ولی تو بیعت خود را شکستی. منصور دستور داد که گردنش را بزنند.^(۴)

چند نکته

در پایان این مقال مناسب است که به چند نکته اشاره کنیم:

۱. پیروان نفس زکیه برای اثبات مهدویت وی حدیثی جعل کرده به پیامبر اکرم ﷺ نسبت دادند که در مورد نسب حضرت و نام وی

۱. ذهبی، همان، ص ۲۳؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۶۱.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۴۲.

۳. همان، ص ۲۴۳.

۴. طبری، تاریخ، ج ۶، ص ۵۳۳؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۹، ص ۳۲.

فرموده است:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى
يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلٌ مِّنِّي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِيءُ إِسْمَهُ إِسْمِي
وَإِسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ أَبِي؛^(۱)

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی نماید که مردی از من از اهل بیت من در آن روز برانگیخته شود که نامش مطابق نام من و نام پدرش مطابق نام پدر من می باشد.

محدثان و صاحبان مجامع حدیثی چون احمد حنبل، ابن ماجه و دیگران این حدیث را با اسناد معتبر و قابل استناد از رسول اکرم ﷺ روایت کرده اند، که در آنها جمله «إِسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ أَبِي» وجود ندارد. پیروان نفس زکیه با جعل این فراز و افزودن آن به ذیل یک حدیث معتبر خواستند مهدویت او را استوار سازند، جز اینکه ایشان کشته شد و از این ادعای مهدویت طرفی نیست.^(۲)

احمد حنبل در مسند خود این حدیث را با سه طریق از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده که هر سه با جمله: «يُوَاطِيءُ إِسْمَهُ إِسْمِي» ختم شده و جمله: «وَإِسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ أَبِي» را ندارد.^(۳)

۱. ابوداود، صحیح سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۷، کتاب المهدی.

۲. ولی گروهی از چارودیه معتقد هستند که «محمد بن عبدالله» که در مدینه قیام کرد، نمرده و زنده است و هرگز نمی میرد تا جهان را پیر از عدل و داد نماید (ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۹، ص ۲۷۲).

۳. احمد حنبل، المسند، ج دارالفکر، بیروت، ج ۲، ص ۱۰، ح ۳۵۷۱؛ ص ۱۱، ح ۳۵۷۲؛

طبرانی این حدیث را از چهارده طریق از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده که با «يُؤَاطِيءُ إِسْمُهُ إِسْمِي» ختم شده و جمله «وَإِسْمُ أَبِيهِ إِسْمُ أَبِي» را ندارد. (۱)

و در موردی که این اضافه را دارد، تصریح کرده که حدیث مرفوعه است، یعنی عبدالله بن مسعود آن را از پیامبر شنیده، بلکه از شخص دیگری شنیده و اسم او را ذکر نکرده است. (۲)

۲. پس از نفس زکیه، منصور دوانیقی بیشترین سوء استفاده را از این حدیث مجعول نمود، پسرش را «محمد» نام نهاد و به «مهدی» ملقب نمود.

با توجه به اینکه نام منصور «عبدالله» بود، این حدیث مجعول کاملاً با او منطبق شد و از دوران کودکی او را مهدی لقب داد. و در برابر صدها حدیثی که به صراحت حضرت مهدی ﷺ را از نسل فاطمه ﷺ، از تبار امیر مؤمنان ﷺ و از صلب امام حسین ﷺ معرفی نموده، حدیثی جعل کرد و به پیامبر نسبت داد که:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِ الْعَبَّاسِ عَمِّي؛

مهدی از تبار عمویم عباس می باشد!!

سیوطی پس از نقل آن می نویسد:

این حدیث را منحصرأ «محمد بن ولید» نقل کرده و کنار او

۱. طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۱۳۱-۱۳۷، ح ۱۰۲۰۸-۱۰۲۳۰.

۲. همان، ص ۱۳۳، ح ۱۰۲۱۳.

جعل حدیث بود.^(۱)

۳. محمد بن عبدالله از آغاز تولد زبانش می‌گرفت^(۲) بر فراز منبر نیز گاهی زبانش می‌گرفت، با دست خود بر سینه‌اش می‌زد تا گفتارش را ادا کند،^(۳) از این رهگذر حدیثی جعل کرده به ابوهریره نسبت دادند که گفت:

إِنَّ الْمَهْدِيَّ إِسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، فِي لِسَانِهِ رُتَّةٌ؛^(۴)

نام مهدی محمد بن عبدالله است و در زبانش عیبی هست.

ابن منظور گوید: «رُتَّةٌ» عبارت است از:

۱. شتاب در گفتار

۲. بی‌تأمل سخن گفتن

۳. لام را بآء تلفظ کردن

۴. حرف را معیوب ادا کردن

۵. حرف را به صورت زشت تکرار کردن

۶. نامفهوم حرف زدن

۷. غیر فصیحانه سخن گفتن.^(۵)

بسیار جای شگفت است که برای تقویت مهدویت او برای مهدی

آل محمد نسبت ناروا داده، او را معیوب و عاجز در سخن معرفی

۱. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۷۲.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۰۴.

۳. همان، ص ۲۰۵.

۴. همان.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۲۹.

می‌کنند، در حالی که باید امام از همه فصیح‌تر، بلیغ‌تر، تواناتر و در ادای مقصود توانمندتر باشد.

۴. برای استوار نمودن مهدویت او گفتند که او به هنگام ولادت خال سیاهی در میان دو شانه‌اش به شکل یک تخم مرغ بزرگ داشت! (۱)
آنچه مسلم است رسول اکرم ﷺ در میان دو شانه‌اش مهر نبوت داشت و براساس برخی از روایات در میان دو شانه امام کاظم و امام جواد علیهما السلام نیز مهری همانند مهر نبوت بود. (۲)

ولی پیروان نفس زکیه به این مقدار بسنده نکردند و به صراحت گفتند: اگر قرار بود بعد از پیامبر اکرم ﷺ پیامبر دیگری برانگیخته شود، بی‌گمان محمد بن عبدالله بن الحسن برانگیخته می‌شد! (۳)
بر اساس همین تفکر غلط بود که عیسی بن زید به امام صادق علیه السلام گفت: «أَسْلِمُ تَسْلَمُ»؛ «اسلام بیاور تا سالم بمانی!»
امام صادق علیه السلام فرمود:

أَخَذْتُ نُبُوَّةَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ﷺ؟

آیا بعد از پیامبر خاتم پیامبر دیگری مبعوث شده؟

محمد بن عبدالله گفت: نه، ولیکن بیعت کن تا جان و مال و فرزندان سالم بمانند. (۴)

۱. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبيين، ص ۲۰۲ و ۲۰۵.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۸.

۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبيين، ص ۲۱۳.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۶۲، ح ۱۷.

قتل نفس زکیه / ۱۳۳

۵. در همین راستا از زبان فاطمه دخت امیرالمؤمنین علیها السلام نقل کردند که گفته است: پدرم امیرمؤمنان به ما فرمود: کوچکترین فرزند من مهدی را درک خواهد نمود و من کوچکترین فرزند او هستم. پدرم برای مهدی نشانه هایی ذکر کرده که جز در تو نمی بینم!!^(۱)

در صدها روایت تاکید شده که حضرت مهدی نهمین فرزند امام حسین علیها السلام است، از همه آنها صرف نظر نموده به یک حدیث مجعول استناد کردند.

۶. آنگاه از زبان فاطمه دخت امام علی علیها السلام روایت کردند که روزی به نزد محمد بن عبدالله آمده، در حضور جمع زنبیل سر به مهری در آورد و به محمد داد و گفت:

این زنبیل را برادرم امام حسین علیها السلام با مهر خود مهر کرد و به من داد و امر کرد آن را به این پسر بدهم!^(۲)

شبهه این مطالب را از مادر بزرگش فاطمه بنت الحسین علیها السلام نیز نقل کردند.^(۳)

آنقدر از این سخنان پوچ و بیهوده در میان طرفداران وی نقل کردند که غالب آنها به مهدویت او گرویدند و تردیدی نداشتند که او همان مهدی موعود است!^(۴)

۷. سوکمندانه باید گفت: پدرش عبدالله آنقدر از مهدویت پسرش سخن

۱. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۰۴.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۰۱.

۴. همان، ۱۹۸.

گفته بود که خود نیز باور کرده بود و لذا هنگامی که وی در زندان بود، پسرش محمد به او پیغام داد: اگر یک نفر از فرزندان پیامبر کشته شود بهتر است از آنکه بیش از ده نفر کشته شوند. او در پاسخ گفت: «خدا محمد را حفظ کند، به او بگو: راهی پیش گیر که برای خداوند فردای قیامت بگویی: ما را آفریدی و در میان ما کسی بود که این امر را دنبال کند» (۱).

۸. هنگامی که محمد و برادرش ابراهیم از پدر خود اجازه خروج خواستند، او در پاسخ گفت: شتاب نکنید تا زمام امور را به دست بگیرید، سپس گفت:

اگر منصور شما را نگذارد که کریمانه زندگی کنید، هرگز نمیتواند مانع شود از اینکه کریمانه جان بسپارید. (۲)

۹. پیروان وی احادیث مربوط به نفس زکیه را به او تفسیر کرده او را در تاریخ به عنوان نفس زکیه مشهور کردند و روایت کردند که:

النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ؛

نفس زکیه از اولاد امام حسن علیه السلام می باشد. (۳)

۱۰. آنگاه از خود محمد بن عبدالله نقل کردند که در کنار أحجار

زیت گفت: نفس زکیه همینجا کشته می شود! (۴)

۱۱. آنگاه از خواهرش زینب روایت کرده اند که محمد به من گفت:

۱. همان، ص ۱۸۵.

۲. همان، ص ۱۹۰.

۳. همان، ص ۲۰۹.

۴. همان.

قتل نفس زکیه / ۱۳۵

اگر امروز ظهر فرارسد و باران ببارد بدانکه من امروز کشته می‌شود، پس تنورها را روشن کنید و نامه‌ها را مهیا سازید، هنگامی که من کشته شدم، آنها را در تنور بیندازید. منظورش نامه‌های بیعت بود که از اقطار و اکناف به او رسیده بود. (۱)

ابن ابی الحدید در ادامه می‌نویسد: نشان قتل نفس زکیه در میان آنها این بود که در مدینه خونی روان گردد که به خانه عاتکه وارد شود. آنها در شگفت بودند که چگونه ممکن است خون به قدری روان شود که به خانه‌ها وارد شود، چون باران بارید در اثر بارش خون وارد خانه عاتکه شد. (۲)

۱۲. از رسول اکرم ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود:

چگونه می‌شود حال شما هنگامی که احجار زیت در میان خون‌ها غرق شود؟ (۳)

۱۳. احجار زیت در مدینه نام دو محل بود:

۱. در نزدیکی زوراء که پیامبر اکرم آنجا نماز باران می‌خواند.

۲. در منطقه حرّه، که حادثه حرّه آنجا رخ داد. (۴)

۱۴. احجار زیت سنگ‌هایی بود که زیتون فروش‌ها مشک‌های

خود را بر فراز آنها می‌گذاشتند.

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۰۷.

۲. همان، ۳۰۸.

۳. ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۳۰۷.

۴. سهودی، وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۱۲۲.

۱۵. زَوْرَاءُ نام محلی در نزدیکی بازار مدینه، یا همان باز
مدینه می باشد. (۱)

۱۶. از ابوهریره روایت کرده اند که گفت:

در مدینه حادثه ای رخ می دهد که احجار زیت در آن
غرق می شود، که فاجعه حرّه در برابر آن جز یک تازیانه به
شمار نمی آید. (۲)

دو بار احجار زیت با خون آغشته شد:

۱. در فاجعه حرّه که در سال ۶۲ هـ. توسط یزید انجام گرفت.

۲. به هنگام کشته شدن نفس زکیه، در سال ۱۴۵ هـ. (۳)

این بود کوتاه سخن پیرامون نفس زکیه معاصر امام صادق علیه السلام.

۳. نفس زکیه، در آستانه ظهور

مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه ای که به خطبه الْمَحْزُونِ معروف
است، در میان نشانه هایی که در آستانه ظهور رخ می دهد می فرماید:

وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ فِي سَبْعِينَ (۴)

کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه با هفتاد نفر.

۱. یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۵۶.

۲. سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۷.

۳. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۱۲۲.

۴. حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۴۳، ح ۵۲۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳،

ص ۸۲، ح ۸۶؛ ج ۵۲، ص ۲۷۳، ح ۱۶۷.

قتل نفس زکیه / ۱۳۷

شیخ مفید روایات وارده در مورد نشانه‌های قیام حضرت مهدی علیه السلام را در یک جمع‌بندی به شمارش درآورده، در میان آنها از نفس زکیه یاد کرده می‌فرماید:

وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ فِي سَبْعِينَ مِنَ الصَّالِحِينَ؛^(۱)

کشته شدن نفس زکیه با هفتاد تن از صالحان در پشت کوفه.

و این سومین نفس زکیه است که همراه با هفتاد تن از صالحان در آستانه ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه در نجف اشرف کشته می‌شود، و اینک چهارمین نفس زکیه:

۴. نفس زکیه، از نشانه‌های حتمی

آخرین نشانه از نشانه‌های حتمی کشته شدن نفس زکیه در آستانه قیام جهانی حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه در میان رکن و مقام به هنگام قرائت پیام امام علیه السلام می‌باشد.

سه مورد از افرادی که به عنوان نفس زکیه شهرت یافته‌اند و ما در این بخش از آنها سخن گفتیم، نفس زکیه معهود نمی‌باشند، زیرا:

۱. نفس زکیه معاصر حضرت خضر علیه السلام در حدود ۵۰۰۰ سال پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام کشته شده.

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸؛ ابن قتال، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۱۵؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۴۷؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰، ح ۸۲.

۲. نفس زکیه معاصر امام صادق علیه السلام نیز ۱۱۰ سال پیش از تولد آن حضرت کشته شده است.

۳. نفس زکیه‌ای که با ۷۰ تن از صالحان در آستانه ظهور کشته می‌شود در نجف اشرف کشته می‌شود، ولی نفس زکیه موعود در مکه معظمه، در داخل مسجد الحرام، در میان رکن و مقام کشته می‌شود. و لذا مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه «مخزون» می‌فرماید:

وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ فِي سَبْعِينَ، وَ الْمَذْبُوحُ
بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛^(۱)

کشت شدن نفس زکیه با ۷۰ تن در پشت کوفه و آنکه در میان رکن و مقام ذبح می‌شود.

شیخ مفید نیز از مولایش الهام گرفته هر دو را در کنار هم یاد کرده می‌نویسد:

کشته شدن نفس زکیه با ۷۰ تن از صالحان در پشت کوفه، و آنکه در میان رکن و مقام ذبح می‌گردد.^(۲)

در بخش آغازین این کتاب حدیثی را با سند صحیح از امام صادق علیه السلام روایت کردیم که پنج چیز پیش از قیام قائم علیه السلام از نشانه‌های حتمی است^(۳) آنگاه سند آن را بررسی کرده صحّت و اصالت آن را اثبات نمودیم.

۱. حلی، مختصر البصائر، ص ۴۴۳.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰، ب ۵۷، ح ۷.

قتل نفس زکیه / ۱۳۹

پنجمین و آخرین نشانه از نشانه‌های حتمی قتل نفس زکیه است.

ویژگی‌های نفس زکیه

ویژگی‌های نفس زکیه‌ای که از نشانه‌های حتمی است، در روایات معصومین علیهم‌السلام به شرح زیر آمده است:

۱. امام صادق علیه‌السلام در یک حدیث طولانی شماری از نشانه‌های ظهور را بر می‌شمارد، آنگاه در ضمن نشانه‌های حتمی می‌فرماید:

وَقَتْلُ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، إِسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَ لَقَبُهُ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ؛^(۱)

کشته شدن جوانی از آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میان رکن و مقام، که نامش: محمد فرزند محمد، و لقبش: «نفس زکیه» می‌باشد.

این حدیث را فضل بن شاذان با دو واسطه از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده، که هر دو مورد اعتماد و استناد هستند:

۱. صفوان بن یحیی

پیشتر از رجالیون او را به عنوان: ثَقَّةٌ، ثَقَّةٌ، عَيْنٌ، ستوده است.^(۲) شیخ طوسی او را از اصحاب امام کاظم علیه‌السلام و وکیل امام رضا علیه‌السلام معرفی کرده، بر وثاقتش تصریح کرده،^(۳) آنگاه از امام جواد علیه‌السلام روایت

۱. فضل بن شاذان، اثبات الرجعة (مخطوط)، «مختصر اثبات الرجعة» تراثنا، ۱۵، ص ۲۱۷، ح ۱۸؛ میرلوحی، کفایة المهتدی، ص ۲۸۰؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۸۲، ح ۳۰.

۲. نجاشی، الرجال، ص ۱۹۷، رقم ۵۲۴.

۳. شیخ طوسی، الرجال، ص ۳۵۲.

کرده که فرمود:

خداوند از صفوان بن یحیی و محمد بن سنان راضی باشد، که
من از آنها راضی هستم، آنها هرگز مرا نافرمانی نکردند. (۱)

۲. محمد بن حمران

نجاشی بر وثاقت او نیز تصریح کرده است. (۲)

روی این بیان حدیث یاد شده از بالاترین رتبه اصالت و صحّت
برخوردار است. بر اساس این روایت صحیح، آن نفس زکیه که در میان
رکن و مقام کشته می شود، از تبار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد، نامش
محمد، نام پدرش نیز محمد و لقبش نفس زکیه می باشد.

۲. حدیث دیگری به این مضمون از امام باقر علیه السلام روایت شده، که در
مورد ویژگی های نفس زکیه دقیقاً با روایت فوق منطبق است، جز
اینکه نام پدرش به جای محمد، در آن «حسن» آمده است. (۳)

در منابع عامه نیز این حدیث از امام باقر علیه السلام روایت شده، جز اینکه
در مورد نفس زکیه به قتل جوانی از آل محمد در میان رکن و مقام
بسنده شده است. (۴)

۳. شیخ مفید از طریق فضل بن شاذان از امام باقر علیه السلام روایت کرده
که فرمود:

۱. همو، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۰۲، رقم ۹۶۳.

۲. نجاشی، الرجال، ص ۲۵۹، رقم ۹۶۵.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱، ب ۳۲، ح ۱۶؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲،
ص ۲۹۲؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۲۴.

۴. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمّة، ص ۳۰۳.

وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتَمِ؛^(۱)

قتل نفس زکیه نیز از نشانه‌های حتمی است.

شیخ صدوق و شیخ طوسی همین تعبیر را از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند.^(۲)

۴. در یک حدیث بسیار طولانی امام باقر علیه السلام فرمود:

مَا أَشْكَلَ عَلَيْكُمْ فَلَمْ يُشْكَلْ عَلَيْكُمْ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ ﷺ
وَرَأْيَتُهُ، وَسِلَاحُهُ، وَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ مِنْ وُلْدِ
الْحُسَيْنِ علیه السلام؛^(۳)

اگر هر چیزی بر شما مشتبه شود، هرگز پیمان پیامبر، پرچم پیامبر، سلاح پیامبر و نفس زکیه از اولاد امام حسین علیه السلام هرگز بر شما مشتبه نمی‌شود.

بر این اساس نسب نفس زکیه به امام حسین علیه السلام می‌رسد و آنچه ابوالفرج اصفهانی نقل کرده که «نفس زکیه از اولاد امام حسن می‌باشد» از سوی پیروان نفس زکیه (محمد بن عبدالله حسن) جعل شده است.^(۴)

۱. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۹؛ نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۷، ب ۱۴، ح ۱۵.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲، ب ۵۷، ح ۱۴؛ شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۳۵، ح ۴۲۵؛ شیخ حرّ، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۲۲، ب ۲۴، ح ۳۱.

۳. عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۲۲۲؛ بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۲۶، ح ۶۹۴؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۴. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۰۹.

۵. امیرمؤمنان صلوات الله علیه در مورد نفس زکیه می فرماید:

قَتَلَ نَفْسٍ حَرَامٍ، فِي يَوْمٍ حَرَامٍ، فِي بَلَدٍ حَرَامٍ، عَنْ قَوْمِ
قُرَيْشٍ، وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، مَا لَهُمْ مَلِكٌ بَعْدَهُ
غَيْرَ خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً؛^(۱)

ریختن خون حرام، در روز حرام، در شهر حرام، از تیره‌ای از
قریش؛ به خداوندی که دانه را شکافت و انسان را آفرید،
سوگند؛ که پس از آن بیش از ۱۵ روز حکومت نخواهند کرد.

منظور از خون حرام؛ انسان بی‌گناه، روز حرام؛ ماه ذیحجه، شهر
حرام؛ مکه معظمه می باشد.

۶. امام صادق علیه السلام در این رابطه خطاب به منصور فرمود:

فَلَا تَزَالُونَ فِي مُهْلَةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ وَفُشْحَةٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ، حَتَّى
تُصِيبُوا مِنَّا دَمًا حَرَامًا فِي شَهْرِ حَرَامٍ فِي بَلَدٍ حَرَامٍ؛^(۲)
شما از نظر دنیا و حکومت در مهلت و فراخی هستید، تا
روزی که خون حرامی را از ما در ماه حرام و در شهر
حرام بریزید.

۷. امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث دیگری فرمود:

وَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَجَلٌ حَتَّى يُهْرَبُوا الدَّمَ الْحَرَامَ فِي
الشَّهْرِ الْحَرَامِ، وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى غِرْتَوْقٍ مِنْ قُرَيْشٍ

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۸، ب ۱۴، ح ۱۷؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴، ح ۱۰۰.

۲. حائری یزدی، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۵۲.

قتل نفس زکیه / ۱۴۳

يَتَخَبَّطُ فِي دَمِهِ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ لَمْ يَبْقَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ
عَازِرٌ وَ لَمْ يَبْقَ لَهُمْ مُلْكٌ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ؛^(۱)

برای آنها در جهان مهلتی است تا هنگامی که خون حرامی در
ماه حرام بریزند، به خدا سوگند گویی به نوجوانی از قریش
می نگریم که در خون خود دست و پا می زند، پس از این
جنایت، دیگر در روی زمین کسی از آنها عذری نپذیرد و
برای آنها حکومتی در جهان نباشد.

۸. امام باقر علیه السلام در این رابطه فرمود:

لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام وَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ أَكْثَرُ مِنْ
خَمْسَةِ عَشْرَةَ لَيْلَةً؛^(۲)

بین قتل نفس زکیه و قیام حضرت قائم علیه السلام جز ۱۵ شب
فاصله نیست.

۹. امام باقر علیه السلام می فرماید: قائم علیه السلام به یکی از یارانش می فرماید: برو
به سوی اهل مکه و بگو: ای اهل مکه من فرستاده فلانی هستم، او به
آنها می گوید:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ الْخِلَافَةِ، وَ نَحْنُ
ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَ سُلَالَةُ النَّبِيِّينَ، وَ إِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَ اضْطَهَدْنَا وَ
فَهَرْنَا وَ ابْتُرْنَا حَقًّا مِنْذُ قُبُضِ نَبِيِّنَا إِلَى يَوْمِنَا هَذَا، فَنَحْنُ

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۱۲۱.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۹، ب ۵۷، ح ۲؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲،

ص ۲۷۴؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۴۵، ح ۴۴۰؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۱.

نَسْتَنْصِرُكُمْ فَاَنْصُرُونَا؛

ما اهل بیت رحمت، معدن رسالت و خلافت، ذریه پیامبر و از تیار پیامبرانیم، به ما ستم رفته، ما پایمال و منکوب شدیم، از روزی که پیامبرمان رحلت کرده تا به امروز حق ما از ما گرفته شده، ما از شما یاری می طلبیم، ما را یاری کنید.

هنگامی که آن جوان این پیام را ابلاغ می کند، به سویش می شتابند و او را در میان رکن و مقام سر می برند، او نفس زکیه است. (۱)

۱۰. سلمان فارسی سه روز بعد از شهادت رسول اکرم ﷺ خطبه مفصلی ایراد کرده، در پایان به نشانه های ظهور پرداخته، پس از تشریح جنایات سفیانی، از نفس زکیه سخن گفته می فرماید:

أَمَّا إِنِّي سَأُحَدِّثُكُمْ بِالنَّفْسِ الطَّيِّبَةِ الزَّكِيَّةِ وَ تَضْرِيحِ دَمِهِ
بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، الْمَذْبُوحِ، كَذْبِیحِ الْكَبِشِ؛ (۲)

به شما خبر می دهم از نفس زکیه طیبه، و آغشته شدنش به خون خود در میان رکن و مقام، که او را همانند قوچ سر می برند.

۱۱. عمار یاسر نیز در این رابطه فرمود:

فَعِنْدَ ذَلِكَ تُقْتَلُ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ وَ أَخُوهُ بِمَكَّةَ ضَيْعَةً؛ (۳)

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲. حائری یزدی، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۵.

۳. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۶۴، ح ۴۷۹؛ ابن حماد، الفتن، ص ۲۶۶، ح ۹۸۹؛ سید بن

طاووس، التشریف بالمنن، ص ۱۳۲، ب ۱۲۱، ح ۱۴۶؛ متقی هندی، البرهان، ص ۱۱۲؛

علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸، ح ۴۵.

قتل نفس زکیه / ۱۴۵

در آن هنگام نفس زکیه و برادرش را در مکه به تباهی می‌کشند.

سیوطی آن را «صَنِيعَةً» نقل کرده، یعنی او را با توطئه و دسیسه می‌کشند.^(۱)

۱۲. شیخ طوسی با سلسله اسنادش از ابراهیم جریری نقل کرده که گفت:

نفس زکیه جوانی از آل محمد علیهم‌السلام می‌باشد که نامش محمد بن الحسن است و بدون جرم و گناه کشته می‌شود، چون او را کشتند، دیگر کسی از آسمانی‌ها عذر آنها را نمی‌پذیرد و احدی از زمینی‌ها از آنها حمایت نمی‌کند.^(۲)

۱۳. ابن ابی شیبیه از طریق مجاهد، از یکی از اصحاب نقل کرده که گفت:

حضرت مهدی خارج نشود جز هنگامی که نفس زکیه کشته شود، چون او کشته شود ساکنان زمین و آسمان بر آنها خشمگین شوند.^(۳)

۱۴. مقدسی شافعی نشانه‌های ظهور را بر شمرده، در پایان می‌نویسد:
آخرین نشانه، قتل نفس زکیه است، در آن هنگام حضرت مهدی، صاحب سیره شایسته ظهور می‌کند.^(۴)

۱. سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۲.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۶۴، ح ۴۸۰؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷، ح ۷۸.

۳. متقی هندی، البرهان، ص ۱۱۲؛ ابن ابی شیبیه، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۹، ح ۱۹۹.

۴. مقدسی، عقد الدرر، ص ۱۱۶.

۱۵. وی از عبدالله بن بشار نقل کرده که گفت:

نفس زکیه از اهل بیت است و به هنگام کشته شدن او حضرت
مهدی علیه السلام ظهور می کند. (۱)

۱۶. آنگاه سوکنامه مفصلی از عبدالله بن بشار پیرامون شهدای
اهل بیت نقل کرده، که در پایان می گوید:

وَ آخِرُ عِنْدَ الْبَيْتِ يُقْتَلُ ضَيْعَةً يَقُومُ فَيَدْعُو لِإِمَامٍ فَيُنْحَرُ (۲)

یعنی: یکی دیگر در کنار کعبه کشته می شود و تباہ می گردد، او بر می خیزد و
مردم را به سوی امام فرا می خواند، پس کشته می شود.

همو گوید:

وَ فِي قَتْلِ نَفْسٍ بَعْدَ ذَاكَ زَكِيَّةٌ أَمَارَاتُ حَقِّ عِنْدَ مَنْ يَتَذَكَّرُ (۳)

آنگاه در کشته شدن نفسی پاک نشانه‌های حق است برای کسی که متذکر شود.

۱۷. شیخ مفید به هنگام شمارش نشانه‌های ظهور، پس از داستان
کشته شدن نفس زکیه‌ای در پشت کوفه با ۷۰ تن از صالحان می فرماید:

وَ ذَبْحُ رَجُلٍ هَاشِمِيٍّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ؛ (۴)

ذبح مردی از خاندان بنی هاشم در میان رکن و مقام.

۱۸. یزدی نیز در این رابطه می نویسد:

محمد بن الحسن، نفس زکیه، روز ۲۵ ذیحجه، در میان رکن

۱. همان، ص ۱۱۹.

۳. همان، ص ۱۱۹.

۴. همان، ص ۱۲۰.

۴. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۴۷.

آخرین سخن / ۱۴۷

و مقام کشته می‌شود و روز دهم محرم حضرت حجّت علیه السلام قیام می‌کند. (۱)

آخرین سخن

- از بحث و بررسی مطالب مربوط به نفس زکیه به این نتیجه رسیدیم که:
 ۱. نفس زکیه موعود ربطی به نفس زکیه عصر حضرت خضر ندارد.
 ۲. وی همچنین ربطی به نفس زکیه مقتول در عصر امام صادق علیه السلام ندارد.
 ۳. او غیر از نفس زکیه‌ای است که با ۷۰ تن از صالحان در نجف اشرف در آستانه ظهور کشته می‌شود.
 ۴. بر اساس روایات صحیحیه وی از نشانه‌های حتمی ظهور است.
 ۵. او پنجمین و آخرین نشانه از نشانه‌های ظهور است.
 ۶. بر اساس روایت صحیح او در مکه معظمه، در مسجد الحرام، در میان رکن و مقام کشته می‌شود.
 ۷. بی‌تردید او از آل محمد علیهم السلام می‌باشد.
 ۸. مطابق نقل فضل بن شاذان با سند صحیح، نام او «محمد» و نام پدرش نیز «محمد» است.
 ۹. بر اساس روایت دیگری نام پدرش «حسن» می‌باشد.
 ۱۰. نفس زکیه، به معنای انسان بی‌گناه، لقب اوست.
- بر اساس روایات:

۱. حائری یزدی، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۷۷.

۱۱. نفس زکیه از تبار امام حسین علیه السلام است.
۱۲. او در ماه حرام (ذیحجه) و در شهر حرام (مکه) کشته می شود.
۱۳. قتل وی نشانه روشنی است که بر احدی پوشیده نمی ماند.
۱۴. او دقیقاً ۱۵ روز پیش از قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام کشته می شود.
۱۵. او در حال قرائت پیام امام کشته می شود.
۱۶. قاتلان او در میان اهل زمین و اهل آسمان محکوم هستند.
۱۷. پس از قتل او دیگر به ستمگران مهلت داده نمی شود.
۱۸. او دقیقاً روز ۲۵ ذیحجه الحرام کشته می شود.
۱۹. برادرش نیز در این هنگامه کشته می شود.
۲۰. پیامی که او تلاوت می کند، پیام دادخواهی است و سخن از صلح و رحمت می باشد.

بر اساس روایات فراوان ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا فداه شب بیست و سوم ماه رمضان و آغاز قیام جهانی آن حضرت دقیقاً روز دهم محرم می باشد.

بر این اساس قتل نفس زکیه دقیقاً سه ماه و دو روز بعد از ظهور و ۱۵ روز پیش از قیام جهانی است.

روی این بیان قتل نفس زکیه از نشانه های قیام است، نه از علایم ظهور.

خلاصه مطالب

بیش از ۲۰۰۰ نشانه ظهور در احادیث مربوط به فتن، ملاحم، علایم ظهور و اشراط ساعه، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله ائمه معصومین علیهم السلام و

خلاصه مطالب / ۱۴۹

اصحاب پیامبر آمده، که هر کدام در برهه‌ای از زمان و محدوده‌ای از مکان رخ داده، موجب تقویت ایمان و تحکیم اعتقاد باورداران باشد. در این میان پنج نشانه از نشانه‌های حتمی است، که در آستانه ظهور و قیام منجی بشریت حضرت مهدی آل محمد علیهم‌السلام بی‌گمان تحقق خواهند یافت:

۱. خروج سفیانی

هشت ماه پیش از ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه جنایت پیشه‌ای به نام عثمان، فرزند عنبسه، از تبار ابوسفیان، از نسل هند جگرخواره، در دمشق به قدرت می‌رسد.

تولدش در وادی یابس، با چهره‌ای زشت، بور، زاغ، سرخ و آبله روی می‌باشد.

مردی سنگدل، کینه‌توز، خون آشام و ستم‌پیشه است، که به احدی رحم نمی‌کند، کودکان را سر می‌برد، بانوان را شکم می‌درد، زنش را زنده به گور می‌کند.

هنگامی که بر سه کشور فلسطین، اردن و سوریه سیطره یافت، دقیقاً هشت ماه بعد ظهور مصلح جهانی اتفاق می‌افتد.^(۱)

۲. خروج یمانی

مقارن خروج سفیانی، یکی از طرفداران جدی حضرت مهدی علیه‌السلام

۱. پس از خروج سفیانی وقت ظهور مشخص می‌شود، دیگر احادیث کذب الوقتون کاربرد ندارند.

از یمن، از شهر صنعا خروج می کند، در کوفه با سپاه سفیانی درگیر می شود. یسمانی عزمی راسخ، اعتقادی درست و ایسمانی استوار دارد و پرچمش از همه پرچمها هدایت یافته تر است.

۳. بانگ آسمانی

در شب ظهور، که شب جمعه و شب بیست و سوم ماه رمضان می باشد، جبرئیل امین از دل آسمان بانگ می زند، حضرت مهدی علیه السلام را با نام خود و نام پدر بزرگوارش اعلام می کند و فرارسیدن روز ظهور و سپری شدن دوران غیبت را به جهانیان خبر می دهد. این بانگ را همه جهانیان می شنوند و هر کسی آن را با زبان خودش می شنود.

۴. خسف پیدا

هنگامی که سفیانی از ظهور حضرت و تشریف فرمایی اش به مدینه منوره آگاه می شود، لشکر جزّاری به قصد نبرد با ایشان به مدینه گسیل می دارد. آنها هنگامی به مدینه می رسند که امام علیه السلام مدینه را به قصد مکه معظمه ترک کرده است.

آنها سه شبانه روز مدینه را قتل و غارت می کنند، سپس در جستجوی آن حضرت عازم مکه معظمه می شوند.

هنگامی که به سرزمین «بیدا» در نزدیکی مسجد شجره می رسند، به فرمان خدا زمین دهان باز می کند و همه آنها را با تمام ادوات جنگی در

کام خود فرو می برد.

دو یا سه نفر گزارشگر باقی می مانند که با قدرت پروردگار
صورتشان به پشت سرشان بر می گردد.

۵. قتل نفس زکیه

نوجوانی از اهل بیت پیامبر روز ۲۵ ذیحجه الحرام، در مسجد الحرام
پیام امام علیه السلام را قرائت می کند، او را در میان رکن و مقام سر می برند،
خداوند بر آنها خشمگین می شود و فرمان قیام جهانی را صادر می کند.
۱۵ روز بعد، دقیقاً روز دهم محرم، قیام جهانی آن مصلح آسمانی
آغاز می شود.

روی این بیان، خروج سفیانی و یمانی هشت ماه قبل از ظهور، بانگ
آسمانی در شب ظهور، خسف پیدا در حدود یک ماه بعد از ظهور، قتل
نفس زکیه دقیقاً سه ماه و دو روز بعد از ظهور و قیام جهانی دقیقاً سه ماه
و ۱۷ روز بعد از ظهور موفور السرور آن حضرت خواهد بود.

آثار چاپ شده‌ی مؤلف

- ۱- ابوریحان بیرونی / چاپ دوم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۲- اجساد جاویدان / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.
- ۳- ارزیابی تمدن غرب / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۴- ارمغان صافی / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.
- ۵- ارمغان مجلسی / چاپ پانزدهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۶- اسرار نماز / چاپ چهارم / انتشارات رسالت / قم.
- ۷- اعتقادات علامه‌ی مجلسی / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۸- اماکن زیارتی منتسب به امام زمان / سلسله مقالات / انتظار / قم.
- ۹- او خواهد آمد / چاپ سیزدهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۱۰- بادعای ندبه در پگاه جمعه / چاپ اول / نشر موعود / تهران.
- ۱۱- بانوی اسلام / چاپ اول / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۱۲- تاریخ شیعه‌ی زیدیه / چاپ اول / دانشگاه شیراز.
- ۱۳- تاریخ وهابیان / چاپ اول / نشر طوفان / تهران.
- ۱۴- تاریخچه‌ی عاشورا / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۱۵- ترجمه‌ی مصور سوره‌ی رعد / به سه زبان / دفتر نشر / تهران.

- ۱۶- ترجمه‌ی مصوّر سوره‌ی الرَّحْمٰن / به چهار زبان / انتشارات اوس / استانبول.
- ۱۷- تشرفات در میان نفی و اثبات / سلسله مقالات / موعود / تهران.
- ۱۸- تشیع یا اسلام راستین / چاپ ششم / بنیاد بعثت / تهران.
- ۱۹- جزیره‌ی خضراء / چاپ چهاردهم / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۰- جغرافیای کشورهای اسلامی / سلسله مقالات / نسل نو / قم.
- ۲۱- چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.
- ۲۲- چهل حدیث پیرامون نور یزدان / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.
- ۲۳- چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا / چاپ اوّل / نشر حاذق / قم.
- ۲۴- چهل حدیث در مناقب اوّلین پیشوا / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۵- چهل حدیث در مناقب امّ ابیها / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم.
- ۲۶- حضرت مهدی و رابطه‌ی العالم الاسلامی / ترکی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۲۷- دانشگاه امام صادق علیه السلام / چاپ اوّل / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۲۸- دراسة عن حياة فاطمة علیها السلام / عربی / چاپ اوّل / بحرین.
- ۲۹- در حریم حضرت معصومه علیها السلام / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۳۰- راهنمای قبله / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۳۱- روزگار رهائی / چاپ سوّم / نشر آفاق / تهران.
- ۳۲- روزه در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۳۳- رهبری در اسلام / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۳۴- زندگانی کریمه‌ی اهل بیت / نشر حاذق / قم.
- ۳۵- زمینه‌سازان حکومت امام زمان / نشر توحید / تهران.
- ۳۶- زیارت عاشورا و آثار معجز آسای آن / چاپ پنجم / انتشارات رسالت / قم.
- ۳۷- زیارتنامه‌ی حضرت معصومه / چاپ دوم / نشر حاذق / قم.

آثار چاپ شده‌ی مؤلف / ۱۵۵

- ۳۸- سرچشمه کوثر / چاپ سوم / انتشارات راه و داد / کرج.
- ۳۹- سند حدیث کساء / چاپ دوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۴۰- سیری در ترجمه‌های قرآن / سلسله مقالات / نسل نو / قم.
- ۴۱- سیمای مدینه / سلسله مقالات / میقات / تهران.
- ۴۲- طول عمر امام زمان علیه السلام / چاپ سوم / انتشارات طاووس بهشتیان / قم.
- ۴۳- عاشورا چه روزیست؟ / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۴۴- علامه‌ی اقبال در مدینه / چاپ اول / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۴۵- علی اول / چاپ دوم / نشر موعود / تهران.
- ۴۶- علی و فلسفه‌ی الهی / چاپ اول / بنیاد علامه‌ی طباطبائی / قم.
- ۴۷- قرآن معجزه‌ی جاویدان / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۴۸- قربانیان الکلیسم / سلسله مقالات / نسل جوان / قم.
- ۴۹- کتابنامه‌ی آثار ماندگار تنهار یادگار پیامبر / چاپ اول / انتشارات دلیل ما / قم.
- ۵۰- کتابنامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام / چاپ اول / انتشارات الهادی / قم.
- ۵۱- کرامات معصومیه / چاپ دوم / انتشارات حاذق / قم.
- ۵۲- کریمه‌ی اهل بیت / چاپ اول / انتشارات حاذق / قم.
- ۵۳- گزارش لحظه به لحظه از میلاد نور / چاپ اول / انتشارات رسالت / قم.
- ۵۴- معارف اسلامی / ترکی استانبولی / انتشارات زمان / استانبول.
- ۵۵- میثم تمار / چاپ اول / انتشارات توحید / تهران.
- ۵۶- میلاد نور / چاپ اول / مسجد صدریه / تهران.
- ۵۷- نبراس الزائر / چاپ سوم / انتشارات رسالت / قم.
- ۵۸- نبراس الفائزین بزيارة امیر المؤمنین علیه السلام / چاپ اول / نشر مولود کعبه / قم.
- ۵۹- نقش امام زمان در جهان هستی / چاپ سوم / دارالتبلیغ اسلامی / قم.
- ۶۰- نقش روزه در درمان بیماریها / به هشت زبان / کعبه / تهران.

فهرست انتشارات و پخش نورالکتاب و ضامن آهو

قبول سفارش کلی انواع کتاب

- مهدی منتظر (علیه السلام) از آیه... جواد خراسانی رضی الله عنه، آشتی با امام عصر علیه السلام
آوای انتظار (خلاصه ۷ کتاب دکتر هراتیان)، ملاقات با امام زمان علیه السلام
در آستانه ظهور (علائم حتمیه ظهور) (کتاب حاضر)
ترجمه المراجعات (اثبات رهبری امیرالمؤمنین علیه السلام)
باطلا باید نوشت (معجزات علمی مولا) حرف های شنیدنی (مناظره جذاب)
دریغ از یک جواب (مؤثر در مناظره)، عرفان حقیقی (معرفی عارفان راه گم کرده)
زندگینامه و دلایل تشریف ۱۲۰ تن از بزرگان اهل تسنن به مذهب حقه تشیع
قطره ای از فضائل اهل بیت علیهم السلام، «پار غار» و دیگر تالیفات دکتر طائی
ارائه اسناد شهادت حضرت زهرا علیها السلام، شهادت مادرم زهرا علیها السلام افسانه نیست
توحید مفضل (شگفتی های خلقت از امام صادق علیه السلام)
امام حسین علیه السلام از دیدگاه یک مسیحی (خواندنی)
گلشن عاشورا (نوحه های محرم و صفر)، گلشن محبت (مدایح و مرثیه)،
ختم خوانی، چاوشی، گلشن رسالت (مدایح و مرثیه ۱۴ معصوم (علیهم السلام))
دوره های نخل میثم، گلچین احمدی، گلچین دلسوختگان، این حسین
کیست؟، منظومه عشق، گلچین محرم، گلچین عشق، و انواع کتاب های مداحی در
قطع مختلف، سحاب رحمت، و انواع مقتل و وقایع کربلا (متنوع): لهوف، در کربلا
چه گذشت؟، خصائص حسینیه، مقتل مفید، سوگنامه حسینی باسی دی
گنجینه معارف، کبریت احمر، قیام مختار ثقفی ۲ نمونه
آئینه در آئینه (مدایح و مرثیه ۱۴ معصوم (علیهم السلام))

کتابچه‌های مداحی شامل: نوای آذر، نغمه‌های ولایت، سوگنامه محرم و صفر
 ۱ و ۲، محرم ۲، مدایح و مرثی، فاطمیه علیها السلام، یاس مدینه، مدایح رضویه،
 وصایای ۱۴ معصوم علیهم السلام، الهی نامه مهدی، امام علی علیه السلام و ایران، حرف یک دل،
 زیارت ۷ حدیث و جوادیه (ویژه حضرت امام رضا علیه السلام) زیارت ناحیه مقدسه،
 کودک بهشتی (تربیت فرزند صالح)، بهشت خانواده، روایت‌های تربیتی
 نخم یاسین و زیری و جیبی، منتخب آیات البرائه
 طب الرضا (علیه السلام)، مفاتیح النجات (درمان با قرآن و دعا)
 جوامع الختومات، کلیدهای نجات، مشکل گشای ۱۴ معصوم علیهم السلام،
 ۵۰ درس اخلاقی آیت ... شیخ عباس قمی رحمته الله، کلید اسرار
 انواع تعبیر خواب، دنیای شگفت‌انگیز جن، دنیای مرموز جن
 ۷۰ سین مدیریت، آش هزار نخود (مجموعه‌ای حکمت‌آمیز و خواندنی)
 مثلث شوم (صهیونیسم یهودی، مسیحی و هابی)، خاطرات همفر (جاسوس انگلیس)
 مدینه‌العلم (وصایای پیامبر به امیرالمؤمنین علیه السلام)
 کرامات حضرت ابو الفضل علیه السلام، فضائل آشنای غریب (امام حسن مجتبی علیه السلام)
 عتبات عالیات، مکه و مدینه، سوزیه (قطع رقیعی)
 حجاب عزت است یا اسارت؟، آیین زندگی از دیدگاه امام رضا علیه السلام
 قصه‌های قیامت، قضاوت‌های شگفت‌انگیز مولا امیرالمؤمنین علیه السلام،
 هزار و یک نکته از کربلا، راهنمای مشهد
 قرآن، مفاتیح و ارتباط با خدا (ادعیه زیارات) متنوع در قطع‌های مختلف
 قرآن بهرام‌پور، قرآن منظوم (ترجمه به شعر)،
 انواع راهنمای تدریس تجوید، اصول روخوانی و روان‌خوانی (از فرجی و طالبی)
 تفسیر روائی جامع، تفسیر روائی اطیب البیان و تفسیر قمی رحمته الله
 موعودنامه (الفبای مهدویت)، مهدی موعود علیه السلام، همنام با گل‌های بهاری،

- امیر گلها، انواع خطابه غدیر، فروغ حکمت
انواع نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، صحیفه مهدیه و رضویه
انواع حلیة المتقین، گنج الاسرار (مجموعه ادعیه اسرار آمیز)
انواع استخاره با قرآن جیبی و نیم جیبی، لطایف قرآنی
سنگها و خواص اعجاب انگیز با عکس های رنگی، معجزه نگین
ریحانه بهشتی، صمیمانه با عروس و داماد
انواع کتاب های دارو گیاهی در طب سنتی
رسالة توضیح المسائل (جداگانه)، ۶ و ۱۰ مرجع
پسران، دختران؛ درسها و هشدارها، کرشمه های شیطانی و...
صلوات کلید حل مشکلات، ذکر اسرار آمیز صلوات و...
معراج السعاده، اخلاق از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام، کلیات احادیث قدسی، منازل
الآخره، اسرار و رموز اعداد؛ اسرار عدد ۴۰؛ اسرار عدد ۷
روز رهایی ۲ جلدی (یوم الخلاص)، برکات حضرت ولی عصر علیه السلام
راهنمای نجات از مرگ مصنوعی، درمان نازایی به روش های مختلف
در اثبات حقانیت شیعه و رفع شبهات؛ المراجعات، فضائل امیر المؤمنین علیه السلام
از اهل سنت، شبهای پیشاور، خلاصه شبهای پیشاور و المراجعات، حسنیه در
دربار هارون، راه یافته (چگونه شیعه شدم) از دکتر تیجانی
کتابهای سری، در رفع شبهات اینترنتی (نشر حقایق اسلامی)؛ ناگفته هایی
از حقایق عاشورا، مظلومیت برترین بانو، خلافت ابوبکر (در ترازوی نقد)،
از دواج ام کلثوم با عمر (بررسی)، خواستگاری ساختگی (تحلیل خواستگاری
امیر المؤمنین علیه السلام از دختر ابو جهل)، آیه ولایت، دست بردی در حدیث ثقلین، فدک
در فراز و نشیب، حدیث اقتدا به شیخین (در ترازوی نقد)، نگاهی به حدیث غدیر،
چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، عبقات الانوار

سراج الشیعه و سراج القلوب، سیاحت غرب و شرق
از جناب شیخ صدوق علیه السلام: علل الشرایع، توحید، خصال، عیون اخبار الرضا علیه السلام،
ثواب الاعمال، امالی و معانی الاخبار، صفات الشیعه.

ریاضیات کاربردی قرآن - شگفتی عددی قرآن ۳ ج، اهل البیت در نگاه رسول
اکرم علیه السلام، تاملی در مفهوم یک لقب از استاد شهرستانی، استناد به قرآن از کلام
معصومین علیهم السلام، شرح رساله الحقوق، پدر ایمان (حضرت ابوطالب علیه السلام)، سردار
رشید اسلام بریده اسلمی، حُجر بن عدی، راز شطرنج و موسیقی (تحلیل و نقد)،
گنج های معنوی او ۲ (وزیری و جیبی)، آیامی دانید ۱ تا ۴، الفبای ولایت، مخزن
الشفاء، راه بهشت، فضائل، اسرار معنوی، انوار ملکوتی، سؤال از ما پاسخ از
خداوند، دار و خانه معنوی، جامع المسائل بانوان، آنچه یک کاسب باید بداند و...

(شیطان در کمینگاه، مکافات عمل، از مرگ تا برزخ، سفرنامه برزخ، شفا و درمان،
آنچه یک خانواده باید بداند، آنچه یک مسلمان باید بداند، خداشناسی، تاریخ
انبیاء علیهم السلام، تاریخ ۱۴ معصوم علیهم السلام و راهنمای آن، فرزندان و یاران ۱۴ معصوم علیهم السلام،

دائرة المعارف قرآنی، دائرة المعارف نماز

چگونه فردی سرزنده باشیم، آرامش و موفقیت، رفتارهای آرام بخش، هدیه،
زیباترین تکبیت ها، آلبوم زیباترین لطیفه ها و ضرب المثل ها، هنر خانه داری،
راهنمای ازدواج، راهنمای خانواده

کتابهای عربی: نفحات الازهار ۲۰ ج، تشیید المراجعات ۴ ج، استخراج المرام ۳ ج،
قادتنا کیف نعرفهم ۵ ج، محاضرات فی الاعتقادات ۲ ج، القضاء والشهادات ۳ ج،
تحقیق الاصول ۴ ج، البیع، من هم قتلة الحسین علیه السلام، الرسائل العشر، التحقيق
فی نفی التحریف، الامامة، دراسات فی منهاج السنة، شرح منهاج الكرامة فی معرفة
الامامة، غیاث المستغیثین، الطلاسم، احجار کریمه...